

اسباب هلاکت مسلمانان

ویرہ اہل سنت
۹
راہ علاج آن

اسلامی
اقران الشفافی

WWW.IQRA.AHLAMONTADA.COM



مؤلف:

مولانا محمد عاشق الہی بلفند شہری (رح)

مترجم:

عبدالرحمن ریگی (غلام نبی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسباب ہلاکت مسلمانان

و

راہ علاج آن

مؤلف: مولانا محمد عاشق الہی بللہ شہری رحمۃ اللہ علیہ

مترجم: عبدالرحمن ریگی (غلام نبی)

Ilahi, Muhammad Ashiq

الہی بلند شہری، محمد عاشق، ۱۸۸۱-۱۹۴۱ م.

اسباب ہلاکت مسلمانان و راہ علاج آن / مؤلف محمد عاشق الہی بلند شہری؛ مترجم

عبدالرحمن ریگی (غلام نبی). - تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۳.

۱۳۰ ص.

(ISBN: 964-8688-12-5)

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیہا.

عنوان بہ اردو: ہماری مصیبتوں کے اسباب اور ان کا علاج.

کتابنامہ بہ صورت زیر نویس.

۱. احادیث اہل سنت -- قرن ۱۴ ق. ۲. احادیث اخلاقی -- قرن ۱۴ ق. الف. ریگی،

عبدالرحمن؛ مترجم. ب. عنوان.

۲۹۷/۲۱۱

۵ الف ۷۳ الف / ۱۲۷ BP

۱۳۸۳

۸۳-۳۱۳۱۶ م

کتابخانہ ملی ایران.



انتشارات شیخ الاسلام احمد جام - تلفن: ۵۲۸-۲۲۲۵۲۳۸

اسباب ہلاکت مسلمانان و راہ علاج آن

تألیف

محمد عاشق الہی بلند شہری

ترجمہ

عبدالرحمن ریگی

ہستی، ۱۳۰ صفحہ، ۳۰۰۰ نسخہ، چاپ دوم، بہار ۱۳۹۰

امور فنی و چاپ: مؤسسہ چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد

بہا: ۱۳۰۰۰ ریال

(ISBN 964-8688-11-7)

شابک ۷-۱۱-۸۶۸۸-۹۶۴

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	۵
انسانها وقتی نافرمان می شوند الله تعالی حکام ظالم را بر آنها مسلط می فرمایند	۲۰
به سبب زنا قحط سالی و به سبب رشوه رعب و وحشت همه جا فراگیر می شود	۲۲
به سبب فحشاء و اعمال زشت، امراض جدید پیدا می شود و از ندادن زکات باران نمی بارد	۲۶
محبت دنیا دلها را ضعیف می کند	۳۳
و بآل ظلم و بُخل	۳۵
زمانه‌ی آمدن عذابهای پی در پی	۴۰
با هر مالی، زکات مخلوط شود آن مال از بین می رود	۵۱
از خوردن، نوشیدن و پوشیدن مال حرام، عبادت و دعا قبول نمی شود	۵۲
از ترک کردن امر به معروف و نهی از منکر عذاب می آید	۵۷
به سبب زنا و سود (ربا) عذاب الهی نازل می شود	۶۱
از قسم خوردن زیاد، درکار و بار بی برکتی می آید	۶۵
سزای احتکار کننده‌ی غله در وقت نیاز عمومی مسلمانان	۶۷
سزای آزار رسانیدن به والدین	۶۸
سزای قطع صلّه رحم	۶۹

- از درست نکردن صف نماز، در دلها دوری و اختلاف ایجاد می‌شود. ۷۱
- سزای دشمنی کردن با اولیاء الله ۷۳
- پاداش کمک به مسلمانان و سزای کمک نمودن با وجود داشتن قدرت. ۷۸
- زمانی که فساد و پلیدی زیاد شود با بودن انسانهای نیک، باز هم هلاکت و نابودی خواهد آمد. ۸۰
- به وسیله‌ی نماز و صبر، از خداوند کمک بخواهید. ۸۱
- وعدۀ الله تبارک و تعالی برای کسی که نماز اشراق و چاشت را می‌خواند. ۸۴
- فایده‌ی عظیم دعا و آداب آن. ۸۵
- با شکرگزاری، نعمت‌ها افزوده می‌شوند. ۸۸
- برکات تلاوت قرآن مجید. ۹۶
- از ذکر الهی در دل، اطمینان حاصل می‌شود و سبب نجات از عذاب خواهد شد. ۱۰۰
- اجر و پاداش استغفار. ۱۰۴
- صدقه دادن رفع بلاست. ۱۰۷
- بر اهل زمین رحم کنید تا الله تبارک و تعالی بر شما رحم کند. ۱۱۰
- کسی که نیتش طلب آخرت باشد خداوند متعال دلش را غنی می‌گرداند. ۱۱۱
- ثمرات تقوی و توکل. ۱۱۶
- حاجت خود را در حضور خداوند متعال گذاشتن، مشکل حل می‌شود. ۱۲۰
- مصایب و مشکلات برای مؤمنان رحمت هستند. ۱۲۲
- سخن آخر. ۱۲۷

پیش گفتار مترجم

امروزه سؤالی که در دنیا اسلام مطرح می شود این است که چرا مسئولان و سیاستمداران و نهادها و سازمانها، افکار جهانی و آرای بین المللی از طریق تربیون های گوناگونی که در اختیار دارند مسلمانان را زیر انتقادها و فشارهای خویش قرار می دهند و برای مسلمانان و کشورهای اسلامی ضرب الاجل و محدودیت تعیین می کنند؟!

چرا کشورهایی همچون آمریکا و همپیمانانش به دنبال اثبات و ارائه ی دلیل و مدرک و سند می گردند و با جنجال و هیاهو فضای سیاسی کشورها را دچار تنش و اضطراب می کنند؟!

چرا سران کشورهای اسلامی، سیاستی پویا و کارآمد ندارند و ناساموفق بوده و به بن بست رسیده اند و با چندین معضل و مشکل روبرو شده و استقلال و تمامیت ارضی خویش را از دست داده اند؟!

چرا مسئولان و سیاستمداران دنیا به طرق مختلف کارشکنی می کنند و بر مواضع غیر عقلانی خویش اصرار دارند؟!

پاسخ این همه چراها و چندین چرا ی دیگر این است که مسلمانان امروز فریضه ی دعوت و تبلیغ را ترک کرده و بر دستورات و اوامر خدا و رسول ﷺ عمل نمی کنند؛ بلکه به دنبال متاع ناچیز و کم ارزش دنیا هستند و برای بدست آوردن آن از هر در و کانال ممکن وارد می شوند. مسلمانان امروز در گناه، معصیت، فحشاء، فسق و فجور، ربا، ریا، زنا، ظلم، اجحاف، سرقت، قتل، کشتار و در چندین عمل ناشایست دیگر مبتلا هستند. و به اعمال بیهوده و



مغرب از قبیل ویدیو، سینما و ماهواره که از حربہ‌های غرب برای انحراف مسلمانان هستند، می‌پردازند.

مسلمان با گذشت زمان در دنیای کنونی که عصر اکتشافات و تولید و صنعت و اتم است، بشر هر روز به اکتشافی نو دست می‌یابد؛ اما نباید فراموش کرد که بسیاری از این وسایل و دستگاهها سکه‌هایی هستند که دور و دارند، یک روی آنها مثبت و طلایی است و چه بسا که بسیاری از کارها را آسان نموده و موجب خوشحالی پژوهشگران گشته است اما روی دیگر آن سم خطرناک و قاتلی است که جسم و روح و تمام وجود را نابود می‌کند و کلاً ارزشهای والای انسانی را متزلزل می‌گرداند.

در واقع استفاده‌ی صحیح از این وسایل بلامانع است؛ اما استفاده‌ی نادرست از این وسایل مشکلات و ناهنجاریهای زیادی را بیار می‌آورد. اما آن دسته از افرادی که استفاده‌ی صحیح از این وسایل می‌کنند کم‌اند و اکثراً جوانان به دنبال استفاده نادرست از این وسایل هستند و این یک حقیقت مسلم است و نیاز به ارائه‌ی مدارک و شواهد نیست.

لذا اگر ما مسلمانان از این استفاده‌های نادرست دست کشیدیم و به قرآن و سنت عمل کردیم تمام این مشکلات و مصایب حل خواهند شد و یقیناً بدانید که اگر ما مسلمانان به سوی قرآن و سنت برگردیم هیچ کس نمی‌تواند بر ما حرف زور بزند و بر ما تسلط یابد. و چون ما به قرآن و سنت عمل نکردیم و در معاصی مبتلا شدیم در نتیجه، خداوند متعال دولتمردان جابر و جائر را بر ما مسلمانان مسلط می‌گرداند و این حکام و دولتمردان نیستند که بر ما ظلم می‌کنند بلکه ثمره و نتیجه گناهان ما هستند و ما داریم تاوان گناهان و معاصی خود را پس می‌دهیم.

لذا بر ما مسلمانان واجب است که از گناهان دست بکشیم و کار امر به معروف و نهی از منکر را انجام داده و به دستورات شرعی عمل کنیم تا الله تعالی بر ما ترحم کرده و ما را از این نابسامانیها نجات دهد. لازم به ذکر است که نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای مبارزه با عوامل فساد و بی بندوباری پایه گذاری شده است و دولتمردان ما همواره این امر را در راستای سیاست خود قرار داده اند.

کتابی که در دست دارید در رابطه به همین موضوع است که به قلم مولانا محمد عاشق الهی رحمۃ اللہ علیہ به رشته تحریر در آمده و توسط این حقیر به زبان فارسی ترجمه شده است.

امیدوارم خداوند متعال با لطف و کرم خویش این خدمت ناچیز را به درگاه خویش بپذیرد و فریضه‌ی دعوت و تبلیغ را که تنها امتیاز این امت بر دیگر امتهای گذشته است، در تمام عالم احیاء بگرداند.

حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

عبدالرحمن ریگی (غلام‌نبی)

۸۳/۱/۱۳

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمده ونصلی علی رسولہ الکریم

هر چیزی که در عالم وجود دارد، در قبضه قدرت الله تبارک و تعالی است. از آسمان به غیر از اراده‌ی خداوندی هیچگونه آفتی نمی‌رسد. و این زمین کسانی را که بر روی آن می‌گردند، هیچگونه مشقتی نمی‌تواند برساند. به غیر از حکم الهی نه رعد و برق صورت می‌گیرد؛ و نه تگرگ از آسمان فرو می‌ریزد؛ نه شمشیر را قدرت بریدن است؛ و نه آتش را توانایی سوزاندن؛ و نه باد را جرات وزیدن. تا زمانی که حکم قادر مطلق نباشد نه آب می‌تواند از جای خودش تکان بخورد؛ نه قحط سالی روی خواهد داد و نه فقر و افلاس به ظهور می‌پیوندد؛ نه ترس و وحشت و ناامنی ظهور می‌کند و نه آتش شرّ و فساد بلند می‌شود. غرض اینکه هر چیزی که در عالم وجود دارد بدون اراده رب العلمین، هرگز ظهور نخواهد کرد. و بدون مشیت الهی نه به کسی مصیبتی می‌رسد و نه سکون و راحتی به سراغ کسی خواهد آمد.

زمانی که بندگان، خدای لطیف و کریم و رحیم را اطاعت و فرمانبرداری کنند خداوند متعال تنها از فضل خودش بر آنان رحم می‌فرماید و برکتهای زمین و آسمان را نازل می‌فرماید. و قتل و غارت، خوف و هراس، فقر و بیچارگی و افلاس را بر می‌دارد و زندگی را توأم با امن و سکون و راحتی می‌گرداند.

پاداش و مزدی که برای طاعت در آخرت تعیین شده است حتمی است و



علاوه بر آن در دنیا نیز جایزه‌ی اعمال نیک محفوظ است. ارشاد الله جل شانه است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^۱

ترجمه: «وعدده داده است خدا آنان را که ایمان آوردند از شما و کردند عمل‌های شایسته البته خلیفه سازد ایشان را در زمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنان را که پیش از ایشان بودند و البته محکم کند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان و البته بدل کند دربارہ ایشان بعد از ترس ایشان ایمنی را».^۲

در سوره اعراف نابودی اقوام گذشته را ذکر فرموده ارشاد می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۳

ترجمه: «و اگر اهل دیه‌ها ایمان آوردندی و پرهیز کردندی می‌کشادیم برایشان برکت‌ها از جانب آسمان و زمین و لیکن به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه می‌کردند».

در «صحیح مسلم» آمده است که زمانی حضرت عیسی - علی نبینا و علیه السلام - ظاهر می‌شوند بعد از نابودی دجال و یاجوج و ماجوج به زمین (از

۱- سوره نور ۵۵.

۲- ترجمه کلیه آیات قرآنی از تفسیر شاه ولی الله محدث دهلوی رحمۃ اللہ علیہ

۳- سوره اعراف ج ۹ ع ۱

طرف الله جل شانہ) خطاب می شود که: میوه های خود را برویان و برکتهای خود را باز فرست (یعنی بیرون کن). برکتهای زمین بیرون می آیند و از یک انار، شکم یک جماعت سیر می شود؛ و یک جماعت پوست انار را بصورت چتر درست کرده و می توانند در زیر آن حرکت کنند و در شیر هم برکت داده می شود تا اینکه شیر یک شتر برای یک جماعت خیلی بزرگ و شیر یک گاو برای یک قبیله و شیر یک گوسفند برای یک قبیله کوچک کافی خواهد شد. در یک حدیث ارشاد نبی اکرم ﷺ است:

«قال ربکم عزوجل لو أن عبیدی أطاعونی لأسقیتم المطر باللیل و أطلعت علیهم الشمس بالنهار ولم أسمعهم صوت الرعد»^۱

ترجمه: «الله تعالی فرمودند: اگر بندگان من فرمانبرداری مرا می کردند، من فقط در شب برای آنها باران می فرستادم و در روز خورشید طلوع می کرد و آنها آواز رعد و برق را هم نمی شنیدند».

اگر مخلوقات نافرمانی خالق و مالک خود را بکنند، و نعمتهای الله تعالی را استفاده کرده و شکر نعمتهایش را بجا نیاورند، پس خداوند عالم که هر چیز در دست اوست و صفتهای او که «عزیز»، «ذوانتقام»، «الجبار»، «المتکبر»، «الواحد القهار» است، مخلوقات را متنبه می فرماید و در شکنجه های آفات و مصائب گرفتار می کند.

در سوره انبیاء ارشاد است:

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾

«ما خیلی از روستاها را از بین بردیم؛ بخاطر اینکه آنها ظالم بودند



و پیدا کردیم از آنها انسانی دیگر».

در سوره طلاق ارشاد است:

﴿وَكَايْنُ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكَرًا فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَتْ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا﴾^۱

ترجمه: «و بسا که تجاوز کرد از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیغامبران او پس حساب کردیم به او حسابی سخت و عقوبت کردیم او را عقوبتی دشوار پس چشید سزای عمل خود و شد سرانجام کار او زیان کاری».

در سوره حج ارشاد است:

﴿فَكَانَ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مَعْطَلَةٌ وَاقُصْرٍ مَّشِيدٍ﴾^۲

ترجمه: «پس بسیاری روستاها که هلاک ساختیم آنها را و وی ستمگار بود پس وی افتاده است بر سقف‌های خود و بسیار چاه بیکار مانده و بسا محلی بلند خراب شده».

در قرآن کریم واقعات هلاکت و از بین رفتن امت‌های گذشته هر جا بطور یادآوری و تذکر بیان شده است که بعضیها در زمین فرو رفتند، بعضیها در دریا غرق شدند. یا بر بعضیها از آسمان سنگ بارید، بعضی‌ها از صدایی بسیار قوی هلاک شدند، و بر بعضیها طوفان آب آمد و بعضیها بوسیله باد از بین رفتند، این قصه‌ها برای عبرت و پندآموزی اهل بصیرت کافی هستند.

در یک حدیث ارشاد است:

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَحْرَمُ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ»

ترجمه: «انسان بخاطر گناه کردن از رزق محروم می‌شود».

در حدیث دیگر آمده است: که آن حضرت علیه السلام، حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه را چند وصیت فرمودند؛ از آنها یکی این است:

«إِيَّاكَ وَالْمَعْصِيَةَ فَإِنَّ بِالْمَعْصِيَةِ حُلَّ سَخَطِ اللَّهِ»

«از گناه کردن پرهیز کن، بخاطر اینکه معصیت خشم خدا را نازل می‌کند».

در این زمانه هر قدر اعمال‌های بد انسان بیشتر شوند به همان اندازه مصیبت‌ها بیشتر می‌شوند. از هیچ جماعت یا فردی مصیبت دور نمی‌شود تا وقتی که فرمانبرداری الله تعالی را انجام داده و در پیشگاه ذات پروردگار به حالت عجز و ناله در نیاید و این خیلی ضروری است.

هر قومی در این زمانه از نافرمانی الله تعالی باز نگردد و بر نصیحت‌های نیک عمل نکند و در مقابل مال و دولت، خود را ذلیل کند آنها باید یقیناً بدانند که وسیله‌ی مصیبت‌ها و آفات و تباهی و بریادی خود را آماده کرده‌اند.

در سوره انعام ارشاد است:

﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ



ظَلَمُوا ۱

ترجمه: «پس چرا زاری نکردند وقتی که آمد به ایشان عذاب ما ولیکن سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان آنچه می‌کردند؛ پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شد ایشان را به آن، گشاده ساختیم بر ایشان درهای همه چیز؛ تا آن هنگام که شادمان گشتند به آنچه داده شد ایشان را گرفتار کردیم ایشان را ناگهان پس شدند ناامید شونده پس بریده شد بیخ کرده ستمگاران»

در این آیات اخطار شده است که مجرم را از طرف الله آگاه سازید و او فوراً باید متوجه شود و اگر سخت‌دلی کرد و در دام وسوسه‌های شیطانی قرار گرفت، به عذابی سخت دچار می‌گردد. این هم معلوم شد که با فراوان شدن مال و دولت، رزق و روزی، الله تعالی را فراموش نکنیم و مرتکب گناه نشویم. نعمت مال و دولت را دلیل مقبولیت ندانیم بلکه آن را نوعی تنبیه نابهنگام بدانیم در هر حال متوجه به خدا باشیم خواه مصیبت باشد یا آسایش.

حضرت «عباده» رضی الله عنه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «هر قومی را که حق تعالی بخواهد بلند مرتبه کند در میان آنها میانه روی و عفت را پیدا می‌کند و هر قومی را بخواهد از بین ببرد دروازه خیانت بر آنها باز می‌شود و اگر آنها بر این اعمالشان خوشحال شوند پس بر همه آنها عذاب مسلط می‌شود». این مطلب را ارشاد فرموده و آیات بالا را تلاوت فرمودند.

حضرت «حسن» رضی الله عنه می‌فرماید: بر هر کس نعمت، فراوان شود و او آن را باعث هلاکت خود نداند آن شخص انسان فهمیده‌ای نیست و هر کس با

تنگی و فقر مواجه شد و ندانست که این فرصت رجوع به طرف خداست آن شخص هم انسان فهمیده‌ای نیست.^۱

خلاصه اینکه گرفتاری و درد، نتایج و ثمرات اعمال بد هر انسان است. از حضرت «ابوموسی» رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: اگر جسم و بدن دچار آسیب گردد هر چند که معمولی و جزئی باشد علت آن گناه می‌باشد (یعنی در هر گناه آسیب نمی‌رسد اکثر گناهان معاف می‌شوند. این همه کوه مصیبت‌ها را که می‌بینیم به علت بعضی از گناهان است) بعد از آن، رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای تأیید ارشادات مبارک خودش، این آیه را تلاوت فرمودند:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾^۲

«هر مصیبتی که به شما برسد به سبب اعمال شما هستند و اکثر گناهان چنان اند که الله تعالی آنها را معاف می‌فرمایند».

بطور واضح معلوم شد که فساد این دنیا و درد و گرفتاری اهل دنیا بخاطر نافرمانی الله تعالی هستند. اگر بندگان الله تعالی، به اطاعت و فرمانبرداری مشغول باشند پس حالات عوض خواهد شد و از امن و سکون، آرامش و راحتی، رفعت و عزت، نعمت و دولت برخوردار خواهند شد. غرض اینکه این قاعده‌ی کلی است که خوب شدن دنیا و خراب شدن آن به فرمان برداری و نافرمانی خالق و مالک بستگی دارد.

و این قاعده کلی در آیات و احادیث به صراحت اشاره و ذکر شده است. در خیلی از احادیث برای بعضی از اعمال بد، سزاهای مخصوص و بر بعضی



از اعمال خوب پاداش‌های ویژه‌ای ذکر شده است. در این خصوص من با تلاش زیاد چهار حدیث را با ترجمه و تشریح مرتب و آماده کرده‌ام. در این احادیث اولاً آن احادیث درج شده‌اند که در باب عذابها و مصیبت‌ها گفته شده‌اند که جمعاً مشتمل بر بیست حدیث هستند و در هفده حدیث کریمه دیگر طریقه علاج و ثمرات و پاداش‌های خصوصی اعمال صالحه ذکر شده‌اند. (در بعضی از احادیث شریفه اسباب مصیبت و راه نجات آن هر دو ذکر شده‌اند).

مصایب دنیوی برای مؤمنین به این لحاظ رحمت هستند که سبب کفاره گناهان می‌شوند. لهذا برای تشریح این امر و توضیح آن در آخر، سه حدیث دیگر ذکر شده‌اند که جمعاً چهار حدیث می‌باشند.

از تمام کسانی که توفیق استفاده از این کتاب را پیدا می‌کنند درخواست دارم که بنده حقیر و برادرم مولانا حسین احمد مظاهری را در دعا‌های شان یاد فرمایند.

و ما توفیق إلا بالله علیه توکلت و إليه أنیب، ربنا تقبل منا إنک أنت السميع العليم و تب علینا إنک أنت التواب الرحیم.

ممتاھ (ممت بی پایان)

محمّد عاشق الہی بلند شہری عفا اللہ عنہ و عافاھ

کلکتہ جمادی الاولی ۱۳۸۰ میلادی

بسم الله الرحمن الرحيم

هر کس نماز فرض را عمداً ترک کند

از ضمانت الله تعالى خارج می شود

عن أبي الدرداء رضي الله تعالى عنه قال أوصاني خليلي أن «لا تشرك بالله شيئاً وإن قطعت وحرقت، ولا تترك صلاة مكتوبة متعمداً، فن تركها متعمداً فقد برئت منه الذمة. ولا تشرب الخمر فإنها مفتاح كل شر»^۱

ترجمه: حضرت ابوالدرداء رضی الله عنه فرمودند که دوست من (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) من را وصیت فرمودند که: «با الله تعالى کسی را شریک قرار مده اگر چه کشته شوی یا سوزانده شوی، و نماز فرض را عمداً ترک مکن. هر کس نماز فرض را عمداً ترک کند از امان الله تعالى خارج می شود. و شراب مخور، که این عمل، کلید تمام گناهان است».

توضیح: از امان الله تعالى خارج شدن، یعنی امن و سکون و حفاظت او

در دنیا و آخرت به عهده الله تعالى نخواهد بود و دشمن هر طوری که بخواهد به حسابش می رسد. از این حدیث معلوم می شود که پایبندی در نمازها موجب می گردد تا انسان در پناه خدا داخل شود. و اگر بنده ای قصداً نماز فرض را ترک کند از امان الله تعالى خارج می شود. و از این لحظه او به خود و مخلوق واگذار می شود و هر حالت بدی که بر او وارد آید از حفاظت خالق و مالک خارج است.



حال لحظه‌ای با خود بیندیشیم که در خانه‌های مان و در دفاتر کار، بازارها و در اماکن تجاری چقدر برای نماز اهتمام می‌شود؟ تا جایی که ما می‌دانیم این است که در سفر و حضر، صحت و مرض، بسیار کم‌اند افرادی که بر ادای نماز پایبند هستند.

در دنیایی به این بزرگی که مملو از انسان است روزانه میلیون‌ها نماز ضایع می‌شود؛ آیا چنین انسانهایی شایستگی آن را دارند که در پناه خدا محفوظ بمانند؟ اینها نه تنها نماز نمی‌خوانند، بلکه نمازگزاران را به ترک نماز نیز وادار می‌کنند و نماز را به باد مسخره می‌گیرند.

هستند کسانی که در دنیا خیلی بزرگ‌اند، ولی بخاطر اعمالشان در آخرت کوچک خواهند شد و حتی آنها فرصت نماز خواندن را هم ندارند. در نزدیک آنها، گنهکار بودن معیار، بزرگ بودن است. و اگر کسانی از آنها حوصله نماز خواندن را داشته باشند، بدون رعایت اوقات نماز در ظرف چند دقیقه به مشکل آن هم در کاخها و ویلاها چند رکعت نماز می‌خوانند. رفتن به مسجد مثل عموم مسلمانان و ایستادن در صف‌ها برای‌شان عار و زشت می‌باشد. «فیأأسفی علیهم» در هر طبقه‌ای کم و بیش افراد نمازگزار حتماً هست؛ البته برای اینکه سکون و راحتی به دنیا بازگردد، اصلاح شدن چند نفر انگشت شمار ناکافی است. البته هر کس به پاداش اعمال خودش در آخرت خواهد رسید.

در این حدیث پاک بر تحریم و ممنوع بودن نوشیدن شراب هم تأکید و یادآوری و به عنوان کلید تمام گناهان معرفی شده است. در حدیثی دیگر رسول خدا ﷺ لعنت فرمودند کسانی را که شراب می‌خورند و کسانی که به دیگران می‌دهند و کسانی که شراب را درست می‌کنند و کسانی که شراب را

حمل می‌کنند و کسانی را که شراب پیش آنها گذاشته می‌شود. (مشکوة) جای تفکر و اندیشه است که در کشور ما چقدر شراب بطور انفرادی و اجتماعی استفاده می‌شود!

حسب فرمان نبی آخر الزمان ﷺ چقدر از انسانها به علت شراب در لعنت و بازخواست خدای قدوس قرار دارند. در لعنت و بازخواست خداوندی بودن و امید رسیدن به عروج و ترقی و رستگاری و کامیابی را در سر پروراندن، کار بیهوده‌ای یش نیست.

در یک حدیث ارشاد است که «الخمر جماع الاثم» یعنی: «شراب مجموعه تمام گناهان است» (مشکوة) در مسلم شریف از حضرت «جابر» رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که: هر چیز نشئه‌آور حرام است. بدون شک خداوند وعده کرده به کسانی که مسکرات می‌نوشند «طینة الخبال» بخوراند. صحابه رضی الله عنهم هرض کردند: یا رسول الله! «طینة الخبال» چیست؟ آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند: «عرق دوزخیان» (یا فرمودند: «آب و چرکی که از بدن دوزخیان بیرون می‌آید»^۱) از حضرت «ابو امامه» رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که بدون شک الله تعالی من را برای تمام جهان رحمت و هدایت درست کرده و فرستادند و رب (عزوجل) من را حکم دادند که اسباب و ابزار موسیقی، بتها و صلیب (که مسیحی‌ها به آن احترام می‌گذارند) و حرفهای جاهلیت را از بین ببرم و رب (عزوجل) به عزت خود قسم یاد کرده‌اند که هر یک از بندگانم من اگر یک جرعه از شراب بنوشد در روز قیامت به همان



اندازه (از) چرک و ریم (دوزخیان) به او می‌نوشانم. و هر کسی از خوف و ترس من نوشیدن شراب را ترک کند او را از حوضهای مقدس سیراب خواهم کرد.^۱

در یک حدیث دیگر ارشاد است که هر چیزی که مقدار زیادی از آن نشئه‌آور باشد (نوشیدن) مقدار کم آن نیز حرام است.^۲
با توجه به این وعیدها و فضای موجود، خودتان حدس بزنید که انسان چقدر مستحق است تا در دنیا و آخرت به خوبی با او برخورد شود؟!

انسانها وقتی نافرمان می‌شوند

الله تعالی حکام ظالم را بر آنها مسلط می‌فرماید

(۱) و عن أبي الدرداء رضي الله تعالى عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إن الله تعالى يقول: أنا الله، لا إله إلا أنا مالک الملوك وملك الملوك قلوب الملوك في يدي وإن العباد إذا أطاعوني حولت قلوب ملوكهم عليهم بالرحمة والرأفة فساموهم سوء العذاب فلا تشغلوا أنفسكم بالدعاء على الملوك ولكن اشغلوا أنفسكم بالذكر والتضرع كي أكفيكم»^۳

از حضرت ابو درداء رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «الله تعالی می‌فرماید: من معبود تمام مخلوقات هستم، بغیر از من هیچ معبود دیگری نیست من مالک تمام پادشاهان و سلطان تمام سلطانهان هستم، دل تمام پادشاهان در قبضه من است. زمانی که بندگان اطاعت

من را می‌کنند من در دل پادشاهان رحمت و الفت و مهربانی می‌اندازم و زمانی که آنها نافرمانی من را انجام دهند دل پادشاهان را با خشم و سختی به طرف آنها مایل می‌گردانم به همین دلیل پادشاهان رعایا خود را سخت در تکلیف می‌اندازند. پس ای بندگان من شما برای پادشاهان خود بددعایی نکنید بلکه به یاد من الله تعالی مشغول باشید و در مقابل ذات من گریه کنید تا گره مشکلات شما را باز کنم».

در حدیث دیگر ارشاد است: هر طوری که شما باشید همانطور پادشاه و حاکم بر شما مسلط خواهد شد (مشکوة) مطلب این است که اگر شما نیک و صالح باشید الله تعالی بر شما پادشاهی نیک و مهربان مقرر می‌کند و اگر شما نافرمان و بدکردار باشید پس بر شما حاکمی فاسق و فاجر و ظالم مقرر می‌شود.

از این دو حدیث معلوم می‌شود که سبب مسلط شدن حکام ظالم به خاطر کفر اعمال بد است. حکام اگر ظلم می‌کنند سزای آنها در دنیا و آخرت به آنها خواهد رسید اما مردم کفر اعمال بدشان را از پادشاه می‌بینند. امروز دنیا از شر و فساد پر شده است. حکام از عوام و عوام از حکام ناراض هستند. برای نجات از ظلم حکام، تدبیرهای مختلفی اندیشیده می‌شود، اجلاس برگزار می‌شود. بعضی وقتها گفته می‌شود امن و امان و انصاف حاکم خواهد شد. و گاهی اوقات از طرق دیگر انقلاب کرده و افراد احزاب جدیدی را بر سر کار یم آورند و در انتظار امن و آرامش می‌نشینند. اما به طور کلی تمام کوششها و نشست‌هایی فایده می‌شوند بخاطر اینکه علت اصلی آن در حدیث شریف بیان شده است (و در اینجا مفقود است) چرا که عوام و خواص، کوچک و بزرگ همه در نافرمانی الله تعالی مشغول هستند و حکام را اگر عوض هم بکنند



وضعیت نابسامان دنیا هرگز درست نخواهد شد فقط زانو زدن در مقابل ذات کبریایی و خواستن از او سبب می شود تا حاکم ایده آلی نصیب آنها شود.

(۲) وعن عمرو بن العاص رضی الله تعالی عنه قال: سمعت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم يقول: «ما من قوم يظهر فیهم إلا أخذوا بالسنة و ما من قوم يظهر فیهم الرشا إلا أخذوا بالرعب»^۱

به سبب زنا قحط سالی

و به سبب رشوه بخوری عام می شود

حضرت عمرو بن العاص رضی الله عنه فرمودند: من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «در قومی زنا رواج یابد با قحط سالی عقوبت می شوند و در هر گروهی رشوت خواری عام شود با خوف و ترس عقوبت خواهند شد.»

در این حدیث به دو عمل نافرجام و انجام بد آنها گوشزد شده است: (۱) عام شدن زنا کاری و سبب آمدن قحط، (۲) رشوه خواری و سبب آمدن رعب و وحشت بر دلها. اگر حالات انسانهای حال حاضر را نگاه کنیم می بینیم بازار زنا و رشوه خواری خوب گرم است و نتیجه ای این دو گناه که عبارت است از آمدن قحط و ترس و وحشت و اعمال منافی عفت، در جلوی چشمهایمان است. در خانه های فساد زنا صورت می گیرد و همه شما از آن مطلع هستید و آنچه در جاهای مختلف در پارکها، سینماها و رقاص خانه ها صورت می گیرد همه واقف هستند روزانه ۲۴ ساعت در تمام دنیا چقدر زن و مرد زنا انجام



می دهند با این حساب بفرمایید بگوئید این آبادی دنیا قابلیت و شایستگی بقا را دارد؟ این مهربانی الله پاک است که بجای فنا کردن تمام دنیا در جاهای مختلف قحط سالی را ظاهر نموده و مردم را هشدار می دهند امروز در دنیا زنا و دواعی آن یک فن و یک مدل و یک ناز و فخر به حساب می آید و برای توسعه ی آن به شدت تبلیغ می شود.

و حقیقتاً جای تاسف است که آن حکومتهایی که کارشان اصلاح کردن و از بین بردن بدیها است خودشان زنان بدکار را مجوز می دهند و اگر طرفین با رضایت خویش عمل زنا را انجام دهند آن را جرم نمی دانند. در تحت چنین شرایطی مسئولان و مدیران حکومتی چطور مستحق رحمت خداوندی قرار می گیرند؟

همچنین رشوت را در نظر بگیرید کدام کار مردم است که سر از ادارات بکشد و بدون رشوه انجام بگیرد بدون دادن پول نقد، میوه، تحفه در دفتر یا در خانه اش هیچ کاری نمی شود و حال سیگار دادن هم در رشوه خواری رواج شده است بخاطر پرهیز از نام رشوه کل بسته را به او نمی دهد بسته سیگار را بدست می گیرد و یک نخ را خودش روشن می کند و بقیه بسته سیگار را بر روی میز می گذارد و راه دیگر برای دادن رشوه وجود دارد.

در حدیث شریف آمده است که جناب رسول اکرم ﷺ لعنت فرموده اند کسانی را که رشوه می دهند و کسانی را که رشوه می گیرند و کسانی را که سبب دادن و گرفتن آن می شوند. (مشکوٰۃ شریف) در حدیث دیگری ارشاد است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: اگر شخصی برای شخصی دیگر سفارش کرد بعد از آن اگر او چیزی به سفارش کننده به عنوان هدیه داد و او آن را قبول



کرد پس آن شخص در یکی از دروازه‌های بزرگ ربا داخل شده است.^۱ یعنی در عوض سفارش است و از این حدیث هم معلوم شد که از عوض شدن نام، حقیقت عوض نمی‌شود. و اگر نام رشوه را هدیه یا تحفه بگذاریم همان رشوه است. فقها نوشته‌اند که هر شخصی اگر یک حاکم را قبل از رسیدن آن پست و مقام به نسبت فامیلی یا دوستانه چیزی عطا نموده است گرفتن آن هدیه بوده است اما بعد از رسیدن به پست و مقام اگر کسی چیزی به او بدهد همه آنها رشوه هستند.

در مسلم شریف حدیثی نقل شده است که رسول خدا ﷺ شخصی را بنام ابن التبیه برای وصول زکات فرستاده بودند. زمانی که او زکوة را وصول کرده و پیش پیامبر ﷺ آمد عرض کرد: این مال شما است (یعنی این قسمت بیت المال است) و اینها به من هدیه داده شده‌اند. رسول خدا این سخنان را شنیده خطبه خواندند بعد از حمد و صلوة فرمودند: اما بعد! من بعضی از شما را برای کارهایی که خداوند من را بر آن متولی قرار داده است مقرر می‌کنم از آنها یکی می‌آید و می‌گوید این مال شما است و این را به من هدیه داده‌اند. او در خانه پدر و یا مادر خود می‌نشست و می‌دید که به او هدیه می‌دهند یا نه؟ چرا نشست در خانه پدر یا مادر خود؟

از این معلوم می‌شود که هر چیزی که به سبب پست و مقام برسد رشوه است، أعاذنا الله منه.

نام چیز حرام را تبدیل کردن و برای آن صورت دیگری درست کردن و آن را حلال دانستن از این امت جلوتر در گذشته‌ها رایج بوده است. در روایتی

از صحیحین آمده است که رسول خدا ﷺ ارشاد فرمودند: لعنت خدا بر یهودیان باد زمانی که خداوند متعال استعمال چربی را برای آنها حرام گردانید آن را به صورت دیگر (یعنی روغن) درست کرده و فروختند و پول آن را خوردند.^۱

نتیجه معاملات نادرست و رشوت خواری این است که از یک خبر معمولی ارزش سهام به شدت کاهش می یابند و دلها مضطرب شده می لرزند و اگر کسی خبر دهد که دشمن قصد حمله را دارد آن وقت بجای اینکه آمادگی مقابله را بکنند هیجان زده شده و نمی دانند که چکار کنند و زمانی که در امن و امان باشند حرفهای بیهوده در سر می پروراند و علماء را با الفاظ نامناسب یاد می کنند و می گویند که اگر اینها حکم جهاد را می دادند ما اینطور می جنگیدیم و اصالت خود را ظاهر می کردیم، وقتی که موقع جنگیدن و ثابت قدمی پیش می آید فوراً جا را خالی کرده و گم می شوند.

می گویند در «دهلی» گربه ای از بالای یک نجای به پایین پرید و به یک حلب برخورد کرده و از برخورد با آن صدایی بلند شد شخصی از خواب پریده گمان کرد که دشمن حمله کرده است و فوراً ندای «الله اکبر» سر داد، از فریاد زدن این شخص مردم محله هم بلند شده و شروع به فریاد زدن کردند. خیلی شلوغ شد. بعد از تحقیق معلوم شد که گربه ای پریده است. ﴿يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُو﴾

رشوت خواری را ترک کنید و ترس را از دلها بیرون کنید آن وقت علما حاضر می شوند تا بهادری و دلیری شما را تماشا کنند.



به سبب اعمال فاحشه امراض جدید پیدا می شود و از ندادن زکات باران نمی بارد

۳) و عن ابن عمر رضی الله تعالی عنهما قال أقبل علينا رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم فقال: «یا معشر المهاجرین خمس خصال إذا ابتلیتم بهن وأعوذ بالله أن تدرکوهن لم تظهر الفاحشة فی قوم قط حتی يعلنوا بها إلا فشافهم الطاعون والأوجاع التي لم تكن مضت فی أسلافهم الذين مضوا و لم ينقصوا المکیال والمیزان إلا أخذوا بالسنین وشدة المؤنة وجور السلطان علیهم و لم یعینوا زکاة أموالهم إلا منعوا القطر من السماء و لو لا البهائم لم یطروا و لم ینقضوا عهد الله و عهد رسوله إلا سلط الله علیهم عدوا من غیرهم فأخذوا بعض ما فی أيديهم و ما لم تحکم أئمتهم بکتاب الله تعالی و یتخیروا فیما أنزل الله إلا جعل الله بأسهم بینهم»^۱.

حضرت ابن عمر رضی الله عنهما نقل می کند: که رسول اکرم صلی الله علیه و آله روزی به ما ارشاد فرمودند: «ای مهاجرین! در پنج چیز اگر شما مبتلا شدید و خدا نکند که شما مبتلا شوید (آن پنج چیز دیگر را به دنبال خواهند داشت بعد از آن تفصیل آنها را بیان فرمودند) ۱- زمانی که در قومی بی حیایی به صورت آشکار انجام گیرد در آنهای مرض طاعون و امراض جدیدی پخش خواهد شد که در گذشتگان آنها نبوده است، هر قومی که در ترازو نابرابری کند بسبب قحط و کار طاقت فرسا و پادشاه ظالم عقوبت می شود. ۲- کسانی که زکوة مال خود را پرداخت نکنند برای آنها باران نمی بارد حتی که اگر چهارپایان گوسفند و گاو و خر و اسب و غیره

نبودند باران کلاً قطع می‌شد. ۴- و هر قومی که پیمان الله و رسول را بشکند خداوند از بیگانگان دشمنی بر آنها مسلط می‌کند که اموال آنها را در ملکیت خود در بیاورد. ۵- در هر قومی که انسانهای با اقتدار خلاف کتاب الله داوری کنند و در احکام خداوندی اختیار و انتخاب خود را اجرا کنند آنها دچار اختلاف خانوادگی خواهند شد.

اولین صحبتی که آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند: اینکه در هر قومی که بصورت آشکارا بی‌حیایی انجام بگیرد میان آنها حتماً طاعون پخش می‌شود و بیماریهای بی‌شمار و مختلفی در بین آنها ظاهر خواهد شد که در زمانه پدران و پدر بزرگانشان دیده نشده است؟

امروزه بی‌حیایی خیلی عام شده است و آنچه در خیابانها، پارکها، رقااص خانه‌ها، جشن‌ها و در هتلها و مراسم ملی و حزبی از قبیل کارهای خلاف عفت انجام می‌گیرد لازم به اظهار کردن و گفتن نیست. افراد مطلع و کسانی که روزنامه‌ها را مطالعه می‌کنند آنها بخوبی می‌دانند (که در شهرها چه می‌گذرد) نتیجه این فحاشی و بی‌حیایی همان امراض و وبای جدیدی است که پزشکان از معالجه آنها عاجز شده‌اند. هر چقدر پیشرفت پزشکان در علم بیشتر شود امراض جدیدتری ظاهر می‌شود. پیامبر راستگوی خدا ﷺ می‌فرماید: تا زمانیکه بی‌حیایی از بین نرود امراض جدید هم از بین نخواهند رفت.

بی‌حیایی چطور از بین می‌رود که امروزه آموزش بی‌حیایی در مدارس، سینماها و در جاهای دیگر کلاس دارد، و بی‌حجابی یکی از برنامه‌های زندگی قرار گرفته است و رقص و سرود و عریانی مد شده است. ظلم در اینجا است که در گذشته این کارها را گناه می‌دانستند اما هنرپیشه‌ها و کارگردانان غرب‌گرای امروزی، موسیقی و عریانی و بی‌حجابی را از برنامه‌های اسلام



می‌دانند.

و در این مورد احادیث و روایتها و حکایت‌های بی‌سند را پشتوانه خود قرار می‌دهند و یا آیات و احادیث را ترجمه غلط کرده و مردم را فریب می‌دهند. ﴿فَسِيلَعَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىٰ مَنقَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾

مسئله دومی که آن حضرت علیه السلام ارشاد فرمودند: که هر قومی در ترازو (یعنی وزن کردن) کم می‌کند موجب می‌شود تا قحط زیاد شود و مردم زیر ظلم رهبرانی عذاب بکشند. کم کردن در ترازو (وزن کردن) گناه کبیره است که سبب محرومیت از نعمتهای دنیا و آخرت خواهد شد. در قرآن شریف آمده است که:

﴿وَنِلُّ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا كَتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱

«وای حقوق مردم کاهندگان را به آنکه چون برای خود پیمایند از مردمان به سختی تمام بگیرند و چون خواهند که پیموده بدهند ایشان را یا سنجیده بدهند ایشان را زیان رسانند»

بارها در جاهای مختلف قحط سالی می‌شود. دولتمردان و مردم پریشان می‌گردند. سبب آن معاصی و گناهان هستند که یکی از آنها کمی در وزن است چنانچه در حدیث شریف وارد شده است که زمانی که مواد خوراکی کمیاب می‌شود مسلماً بدست آوردن آن بدون مشقت و تلاش حاصل نمی‌شود امروزه حکومتها از کشورهای دیگر مایحتاج روغن و برنج را تهیه می‌کنند و

یا با شعار فرزند کمتر زندگی بهتر و با شعار پیشرفت در علم کشاورزی عقیده دارند که کمبود خوراکی جبران می شود.

اما تا زمانی که در کارها و معاملات از ایمان داری و امانت داری کار گرفته نشود غذایی جبران و بهبود نخواهد شد. در زمان جاهلیت مردم عرب بخاطر ترس از فقر و اینکه نتوانند شکم بچه های شان را سیر کنند آنها را می کشتند، قرآن شریف ارشاد می فرماید:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا هُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾^۱

«و مکشید اولاد خود را از ترس تنگدستی ما روزی می دهیم ایشان را و شما را هر آئینه کشتن ایشان هست گناهی عظیم.»

خداوند عالم می فرماید که شما و اولاد شما را من رزق می دهم انسان از خدا فراموش شده خودش را مسئول رزق می داند همانطور که یادآوری شد اعراب جاهل بعد از متولد شدن بچه از ترس رزق، آنها را می کشتند و در حال حاضر انسانهای متمدن از ترس رزق با افزایش نسل دشمن شده اند که کار هر دو گروه در عمل فرق دارد ولی نظریه شان یکی است. از تمام تدبیرها صحیح ترین تدبیر این است که مردم و رهبران با ایمان و روحانی تربیت شوند و اعمال صالحه را اختیار کنند. از پایمال کردن حق دیگران و خوردن اموال دیگران و از بدحسابی و کمی در وزن دوری کنند اگر چنین نکردند، کمی رزق، قحط سالی پی در پی، زحمت فراوان گریبانگیر مردم و حکومتها خواهد شد. در حدیثی آن حضرت علیه السلام برای کسانی که متر و وزن می کردند



فرمود: «إنکم قد ولیتم أمرین هلکت فیہما الأمم السابقة قبلکم»^۱ «دو چیز به شما سپرده شده است (یعنی متر کردن و وزن کردن) که در مورد این دو چیز امتهای گذشته هلاک شدند».

نکته سوم اینکه آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد فرمودند: «کسانی که زکات نمی دهند باران هم بر آنها نمی بارد اگر چهارپایان نمی بودند باران کاملاً قحط می شد». معلوم شد که ندادن زکات سبب نیاریدن باران و قحط سالی است پس حق است که از نپرداختن زکات (که جرم عظیم و گناه کبیره است) یک قطره باران هم نمی بارید اما الله تعالی برای بعضی از مخلوقات مثل جانوران و چهارپایان کم و بیش باران نازل می فرماید که به سبب آن انسانها ارتزاق می کنند. چه جای شرمندگی است که خود انسان ها لایق و مستحق باران نمی شوند بلکه به خاطر جانوران آب نصیب شان می شود و در موقع کاشت کردن هم همین طور این امر هم قابل ذکر است که آمدن باران لازمه رویدن نباتات نیست زیرا که از آمدن باران زیاد، بعضی وقتها محصولات کم می شود. و چه بسا محصولات زیاد می شود اما در کنارش بی برکتی می آید اگر تعلق با الله تعالی درست باشد و توجه به حقوق دیگران و ادای فرائض مورد نظر باشد آن وقت باریدن باران رحمت شده و به سبب آن در محصولات برکت می آید.

در یک حدیث آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد فرمودند:

«إقامة حد من حدود الله خير من مطر أربعين ليلة في بلاد الله»^۲

«اقامه کردن حدی از حدود خدا از باریدن ۴۰ روز در شهرهای الله تعالی

بهتر است» یعنی باریدن باران در چهل شب آن خوشحالی و ارزانی را نخواهد داشت که از اقامه کردن حدی از حدود خدا میسر می‌گردد.

در یک حدیث آن حضرت علیه السلام ارشاد فرمودند:

«لیست السنة بأن لا تمطروا ولكن السنة أن تمطروا وتمطروا ولا تنبت الأرض شيئاً»^۱

«قحط سالی این نیست که باران نبارد بلکه قحط سالی این است که باران پشت سر هم بیارد و از زمین چیزی نروید».

هنگامی که باران می‌بارید آن حضرت علیه السلام در بارگاه الهی عرض می‌کردند: «اللهم صیبا نافعاً» بارالها! باران نافع نازل فرما.

یعنی برای مطلق باریدن باران دعا نمی‌کردند بلکه برای باران نافع دعا می‌کردند. بخاطر اینکه در باران ضرر هم وجود دارد مثلاً سیلاب یا حادثه‌ای دیگر پیش می‌آید.

دانشمندان قرن حاضر برای پیشرفت کاشت و برداشت تدبیرهای زیادی می‌کنند و در کنار اینها دعوت به نافرمانی الله تعالی هم می‌دهند و کسانی را که زکات می‌دهند و یا ترغیب به زکات می‌دهند آنها را به باد تمسخر گرفته و اهمیت و عظمت زکات را در جلوی آنها کم نشان می‌دهند حال با توجه به طرز تفکر فراوانی رزق و نزول باران رحمت چطور صورت بگیرد؟

نکته چهارم این که آن حضرت علیه السلام ارشاد فرمودند هر قومی که عهد خدا و رسول را می‌شکند الله تعالی از بیگانگان دشمنی را بر آنها مسلط می‌کند که اشیاء مملوکه آنها را تصاحب کند که اکنون ما با چشمان خود می‌بینیم. ما آن



عهد و پیمانی که با خدا و رسولش را بسته بودیم بر همگان روشن است. الله تعالی را رب روزی دهنده و بر آورنده حاجت دنیا و آخرت و معبود برحق قبول بکنیم و بر طریقه نورانی فخر عالم حضرت محمد مصطفی ﷺ زندگی کنیم تا زمانی که بر این قول و قرار پایبند بودیم در تمام عالم با هیبت بودیم در هر میدانی فتح و پیروزی قدمهای ما را بوسه می زد و دشمن همیشه مغلوب بود، هر کجا که می رفتیم با احترام بودیم. وقتی عهد الله و عهد رسول او را شکستیم ممالک مفتوحه از قبضه ما بیرون رفتند و ما مغلوب شدیم و محکوم دشمنان شدیم ما را قتل عام کردند، اموال و املاک ما را به تاراج بردند کاری کردند که از تصور هم بیرون است.

نکته پنجم، جناب رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که کسانی که خلاف قرآن حکم بکنند آنها دچار خصومات خانوادگی می شوند. مصداق این ارشاد در مقابل چشمهایمان است که امروز در دنیا حکومتهای غیر مسلمان در کنار رهبران و فرماندهان مسلمان به ناحق احکام و قانون صادر کرده و داوری ظالمانه می کنند. زندگی کردن بر طبق دستورات کتاب الله و عمل کردن بر قوانین اسلام و اختیار کردن نظام عدل و انصاف اسلام را خیالی و به افسانه تعبیر می کنند. رهبران بجای اینکه کتاب الله را قانون اساسی خود اعلام کنند نظام دمکراسی اساس حکومت خود اعلام می کنند و دین را از سیاست جدا می دانند، آنها می پندارند که اگر دستورات کتاب الله را در کشور خود پیاده کنند در بین حکومتهای دنیا خوار شده و در جهان سرافکنده می شوند امروز حال کشورهای اسلامی مشهود است آنان کتاب الله را پشت سر انداخته اند و مطابق نظام جمهوری آمریکا و اروپا داوری می کنند بهمین خاطر درگیر جنگ های داخلی هستند. وزارتخانه ها زیر آماج تبلیغات سوء رقیب مخالف

متزلزل می شوند و چه بسا که وزراء و رهبران حکومتی ترور می شوند. آنچه که بیشتر مایه تأسف است اینکه اگر بین دو کشور اسلامی اختلافی بوجود آید با کشورهای غیر مسلمان تعلق و دوستی خود را افزایش داده و برای مقابله یکدیگر از آن کشور کمک می گیرند و آنها را ترجیح می دهند. اِنَا لِلّٰهِ و اِنَا اِلَيْهِ راجعون

در حدیث شریف به قانون گذاران دور حاضر هم اشاره شده است که خلاف کتاب الله دآوری می کنند و در احکام خداوندی ایده های خود را پیاده می کنند.

امروزه بسیاری از غربزدگان که عربی را بخوبی بلد نیستند می کوشند احکام قرآن را تحریف و تغییر دهند. بعضی ها قربانی را ضایع کردن مال گفته و برای از بین بردن آن مشوره می دهند و بعضی ها برای جواز ربا و بهره رساله نوشته پخش می کند. بعضی ها در این فکر هستند که اجازه تعدد ازدواج را منسوخ کنند. بعضیها نماز سفر را تنگی و سختی می دانند. (الی غیر ذلک) چنین انسانهایی برای یک کشور اسلامی آفت هستند. اسلام را همانند پندت ها و پادری ها طوری می خواهند درست کنند که بتوانند در دین حذف و اضافه کرده و اختیار را بدست خود بگیرند. (اعاذنا الله منهم)

محبت دنیا دلها را ضعیف می کند

(۴) و عن ثعبان رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «یوشک الأمم أن تداعی كما تداعی الاکله إلى قصعتها» فقال قائل: و من قلة نحن یومئذ قال: «بل انتم یومئذ کثیر و لکنکم غثاء کفثاء السیل و لیزعن الله من صدور عدوکم المهابه منکم و لیقذفن فی قلوبکم الوهن»

قال قائل: یا رسول الله و ما الوهن قال: «حب الدنيا و كراهية الموت» (رواه ابوداود و البیهقی فی دلائل النبوة)

از حضرت ثوبان رضی اللہ عنہ روایت است که یک مرتبه مصلح اعظم صلی اللہ علیہ و آله و سلم ارشاد فرمودند: «زمانه‌ای می‌آید که جماعت‌های (کفر و باطل) با همدیگر یکی شده و برای از بین بردن شما طوری جمع می‌شوند همچنان که برای غذا خوردن در سر یک سفره جمع می‌شوند». این را شنیده یکی عرض کرد که آیا ما در آن روز کم هستیم؟ آن حضرت صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمودند: «خیر شما در آن روز خیلی زیاد هستید اما شما به مانند برگ‌ها و اشغال‌های سیلاب خواهید بود و در آن زمان الله تعالی رعب شما را از دل دشمنان بیرون می‌کند و در دل شما ضعف پیدا می‌کند». یکی عرض کردند که (سبب) ضعف چه چیزی است؟ آن حضرت صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمودند: «محبت دنیا و ترس از مرگ».

فائده: از سالهاست که این پیشین‌گویی‌ها کلمه به کلمه صدق می‌کنند و مسلمانان امروز این حالت زار خود را با چشمانشان می‌بینند که هیچ قومی آنها را با عزت و احترام نگاه نمی‌کند و وجود مسلمانان را بر روی زمین تحمل نمی‌کند. زمانی بود که اقوام دیگر برای خودشان حکام مسلمان انتخاب می‌کردند و حال چنین است که اقوام غیر مسلم در قلمرو خودشان زندگی مسلمانان را تحمل نمی‌کنند. آنها دوست دارند تمام مسلمانان دنیا در یک وقت و در یک ساعت از بین بروند هرگز این طور نخواهد شد این پیش‌گویی در بعضی احادیث موجود است البته چنین اتفاق افتاده است که مسلمانان در یک منطقه‌ای حکومت و دولت داشته‌اند، اما بعد از انقلاب نتوانسته‌اند زنده بیرون شوند. اسپانیا یکی از مثال‌های بارز و مشهور این نوع از اتفاقات است.

چرا مسلمانان خوار و ذلیل هستند با توجه به اینکه تعداد آنها بیش از حد است چرا توجه‌شان بیشتر بطرف بیگانگان می‌باشد؟ جواب اینها را هادی عالم رحمه الله ارشاد فرمودند که محبت دنیا و ترس از موت باعث این حال می‌باشد.

زمانی که مسلمانان دنیا را محبوب نمی‌دانستند و در مقابله جنت (که بغیر از موت نمی‌رسید) زندگی دنیا در نگاهشان هیچ حقیقتی نداشت با اینکه تعدادشان کم بود بر تمام اقوام غالب بودند. در راه الله تعالی جهاد می‌کردند حتی که بر بیگانگان هم حکومت می‌کردند. الان حالی که ما داریم خودمان می‌توانیم آن را عوض کنیم. بشرطی که مثل مسلمانان گذشته دنیا را ذلیل و موت را عزیزتر از جان بدانیم، وگرنه ذلت بیشتر خواهد شد. (فاعتبروا یا أولى الأبصار)

خداوند حال هیچ قومی را تا امروز تغییر نداده است مگر این که آنها خودشان بخواهند.

وبال ظلم وکنجوسی

۵) وعن أبي موسى رضي الله تعالى عنه قال: قال رسول الله صلى عليه وسلم: «ان الله ليملي الظالم حتى إذا أخذه لم يفلته ثم قرأ وكذلك أخذ ربك إذا أخذ القرى وهي ظالمة» الآية ۱

از حضرت ابوموسی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: «که الله تعالی ظالم را مهلت می‌دهند و زمانی که آن را گرفتار

می‌کند دیگر او را نمی‌گذارد». بعد از آن برای تاکید فرمان خود این آیت را تلاوت فرمود

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ^۱

ترجمه: «و همچنین ست گرفتار کردن پروردگار تو چون در گرفت کند دپه‌ها را و آنها ستمگار باشند».

در یک حدیث آمده است که شخصی گفت ظالم ظلم می‌کند و فقط جان خود را در مصیبت می‌اندازد حضرت ابوهریره این سخن را شنیده فرمودند: که خیر، ظلم ظالم به همه آسیب می‌رساند حتی گنجشکها از ظلم ظالم در لانه هایشان می‌میرند. (مشکوة)

یعنی این سخن صحیح نیست که اثر ظلم ظالم فقط به ظالم می‌رسد بلکه انسانهای که در کنار او هستند و حتی جانوران نیز به این آفت مبتلا می‌شوند. (۶) و عن جابر رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اتقوا الظلم فإن الظلم ظلمات يوم القيامة واتقوا الشح فإن الشح أهلك من كان قبلكم حملهم على أن سفكو دماءهم واستحلوا محارمهم^۲ از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «از ظلم بپرهیزید چرا که ظلم در روز قیامت تبدیل به تاریکی‌ها شده و در جلوی انسان می‌آید و از بخل هم دوری کنید بخاطر اینکه بخل انسانهای قبل از شما را هلاک کرد».

در این حدیث بر اجتناب از ظلم و بخل تاکید شده است. این هر دو سبب هلاکت قومها، جماعتها و خانواده‌ها هستند و سبب شکنجه، آفات و مصائب

هم هستند امروزه ظلم و بخل در انسانهای خوب وجود دارد خرج نکردن در مواردی که خدا دستور خرج کردن داده است، شرعاً بخل و بخیلی به حساب می آید. محبت پول و هوس و دولت بر دلها نقش بسته است و بخاطر همین کارهای حرام را نمی توانند ترک کنند برای ادا کردن حقوق اهل حق سرشت آدمی آماده نمی شود و برای خوردن حقوق دیگران دلایل و تدبیرهای فکر می کنند که نتیجه آن ارتکاب گناه است.

ظلم گناه خیلی بزرگی است و سزای آن در دنیا و آخرت خیلی عبرتناک است. از حدیث شماره ۶ معلوم شد که جزای ظالم اگر زود نرسد خانواده و اطرافیانش این فکر را نکنند که جزا داده نمی شود، و زندگی او به آرامی خواهد گذشت. از صبر الله تعالی فریب نخورد چون ناگهان مؤاخذه می کند و آن مؤاخذه خیلی سخت خواهد بود، در آخرت ظلم تبدیل به چنان تاریکی شده و در جلوی او قرار می گیرد و به او اجازه نمی دهند تا از روشنایی صاحبان نور استفاده کند در نتیجه راه نجات را نخواهد دید.

کتابهای تاریخی و انسانهای مسن گواهی می دهند که هر حکومت یا قوم و فردی که ظلم را پیشه خود کرده است سرانجام آن به نابودی کشیده شده است. در شریعت مطهره، ظلم حرام است همیاری ظالم هم حرام است، در یک حدیث ارشاد آن حضرت علیه السلام است:

«من مشی مع ظالم لیقویه و هو یعلم أنه ظالم فقد خرج من الاسلام»^۱
کسی که به قصد تقویت ظالم با او همراه شود و بداند که او ظالم است او از دایره اسلام خارج می شود. در این حدیث حکم کسی بیان شده است که با ظالم

کمک و همدستی بکند (حکم او این است که) از اسلام خارج می شود. حکم خود ظالم را شما خود قیاس کنید.

امروزه حاکمان ظالم، زمینداران و دولتمردان که بر زیردستان و کارمندان ظلم می کنند این حدیث را به دقت مطالعه نمایند. بر همگان لازم است که از دعای بد مظلوم - کسی که بر او ظلم شده است - خود را نجات دهند.

از حضرت علی کرم الله وجهه روایت است که آن حضرت علیه السلام ارشاد فرمودند: «ایاک و دعوة المظلوم فإنها ليسأل الله تعالى حقه وإن الله لا يمنع ذا حق حقه»^۱

«بترس از دعای مظلوم بخاطر اینکه دعای او حتماً قبول می شود و علت آن این است که او حق خود را از الله تعالی می خواهد و بی شک الله تعالی حق، حق دار را می دهد».

و در حدیث دیگر آن حضرت صلی الله علیه و سلم ارشاد فرمودند: «اتق دعوة المظلوم فانه ليس بيننا وبين الله حجاب»^۲

«بترس از دعای بد مظلوم بخاطر اینکه در میان او و الله تعالی هیچ پرده ای نیست».

نیز ارشاد فرمودند که: صدای مظلوم را بر بالای ابرها بلند کرده می شود و آن دروازه های آسمانها باز می شود و پروردگار عالم می فرماید که قسم به عزت من که حتماً تو را کمک خواهم کرد اگر چه بعد از مدتی باشد. (ترمذی شریف)



خیلی از افراد خانواده‌های امروز به مصائب و آفات مبتلا هستند که آه مظلومان آنها را به چنین روزی مبتلا کرده است. عاجزان و بی‌کسان را به مشکلات انداختن و حقوق آنها را خوردن ممکن است چند روزی با آرامش بگذرد ولی وقتی آه و زاری مظلوم اثر خود را نشان دهد تمام لذتها و عزتها و شهرت و دولت با خاک یکسان می‌شود و یک عبرت باقی می‌ماند.

بترس از آه مظلومان که هنگام دعا کردن

اجابت از در حق بهر استقبال می‌آید

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله تعالی علیه وسلم ارشاد فرمودند: که هر کس از شما به برادر خود ظلم کند یا آبروی او را ببرد و یا حقش را پایمال کند باید که امروز حق او را ادا کرده یا از او معافی بخواهد قبل از اینکه آن روزی فرارسد که در آنجا نه دیناری است و نه درهمی. اگر او اعمال خوبی داشته باشد به اندازه ظنم از اعمال او گرفته می‌شوند و اگر نیکی نداشت بدیهای مظلوم را بر روی او می‌اندازند. (بخاری شریف)

در جای دیگر آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: مفلس چه کسی است؟ صحابه عرض کردند که ما مفلس کسی را می‌دانیم که در اختیارش پول و مال نباشد. آن حضرت صلی الله علیه و سلم این سخن را شنیده فرمودند: مفلس حقیقی امت من، آن کسی است که در روز قیامت، روزه و زکات با خودش می‌آورد (نماز خوانده و روزه گرفته زکوة ادا کرده) اما در میدان محشر در حالی می‌آید که کسی ما را دشنام داده و به کسی تهمت زده و مال کسی را به ناحق خورده و خون کسی را پایمال کرده و کسی را زده است و چون روز قیامت روز تسویه حساب خواهد بود بخاطر همین تسویه حساب ثواب نماز، روزه،



زکات و نیکی هایش به راه این حقداران می دهند. اگر ثواب و نیکی هایش قبل از تکمیل حقوق اشخاص تمام شود گناه آنها را بر سر او اندخته و او را به جهنم می فرستند. (مسلم شریف)

از این حدیث معلوم می شود که ظلم فقط خوردن مال مردم نیست، بلکه دشنام دادن تهمت زدن، به ناحق کسی را زدن، بی آبرو کردن همه داخل ظلم هستند. خیلی از انسانها فکر می کنند که ما دیندار هستیم اما از این اعمال ذره ای دوری نمی کنند.

این راه یاد داشته باشید که خداوند حقوق خود را با توبه و استغفار معاف می کند اما حقوق بندگان را زمانی معاف می کند که ادا کرده شوند یا معاف کنند.

۷) وعن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال: قال رسول الله تعالى عليه وسلم: «إذا اتخذ الفيني دولا والأمانه مغنما والزكوة مغرما وتعلم لغير الدين وأطاع الرجل امرئته وعق أمه وأدنى صديقه وأقصى أباه وظهرت الأصوات في المساجد وساد القبيلة فاسقهم كان زعيم القوم أُرذلهم وأكرم الرجل مخافه شره وظهرت القنيات والمعازف وشربت الخمر ولعن آخر هذه الأمة أولها فار تقبوا عند ذلك ريحاً حمرا وزلزلة وخسفا ومسحا وقذا وإيات تتابع كنظام قطع سلكه فتتابع»^۱

زمانه آمدن عذابهای پی در پی

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد

فرمودند: زمانی که مال غنیمت را اشیاء خانه بدانیم و امانت را غنیمت شماریم و از آن استفاده کنیم و زکوة را ضرر بحساب آوریم و برای رزق تعلیم دینی حاصل کنیم و مردان اطاعت همسران و نافرمانی مادران را بکنند و دوست خود را نزدیکتر از پدر و مادر بدانند و در مساجد شلوغی باشد و بزرگان قبیله و خانواده‌ها انسانهای بی دین بوده و رهبران قوم انسانهای ناباب باشند و مردم صرفاً بخاطر اینکه از شر بعضیها در امان باشد برای آنها احترام قایل شوند و زنهای رقاصه و خواننده و وسایل رقص و آواز عام شود و شراب نوشیده شود پس در این زمان انتظار آمدن زلزله، هوای سرخ، فرورفتن در زمین، آمدن سنگ از آسمان مسخ شدن صورت را داشته باشید و در کنار این عذابها نشانیهای دیگری را هم انتظار بکشید که پی در پی ظاهر می‌شوند مثل پاره شدن نخ تسبیح که دانه‌های آن پشت سر هم می‌ریزند».

توضیح: از حضرت علی علیه السلام نیز این هم روایت شده و در آن این هم ذکر شده است که روزگاری می‌آید که مردها لباس ابریشمی می‌پوشند (مشکوة عن الترمذی ایضاً)

در این حدیث خبرهایی که داده شده است در زمان حاضر ظاهر شده‌اند و نتیجه بعضیها (یعنی زلزله و غیره) در جاهای مختلف به وقوع پیوسته و اگر بر کارنامه امت مرور کرده و با این عذابها مقایسه کرده شود که بصورت زلزله و غیره می‌بینیم در مورد این حدیث یقین ما کامل خواهد شد که هرچقدر ما آفات و مصائب می‌بینیم، نتیجه اعمال و کردارهای ما می‌باشد. اجزای این حدیث جداگانه ذیل توضیح داده می‌شود.

أخذ الفیثی دولا: مال غنیمت را اشیاء خانه دانستن نیز از نشانه‌های قیامت



است شرح این حدیث را صاحب «لعمات» چنین نوشته است: «و المراد فی الحدیث أن الأغنیاء وأصحاب المناصب يتداولون أموال النّیء یمنحو من مستحقّیها و یستأثرون بحقوق الفقراء»

مقصود این است که: سرمایه داران و مشولان مال غنیمت را که حق عموم مسلمانان و فقراء و مساکین است بین یکدیگر تقسیم کرده و به جای دادن به مستضعفین و فقراء تنها خودشان استفاده می کنند.

آخرین جمله صاحب لعمات و یستأثرون بحقوق الفقراء (ثروتمندان حق فقراء را خودشان می خورند) به این شاره می کند که در حدیث شریف مال غنیمت به طور مثال ذکر شده، مطلب این است در دنیا افراد با قدرت و با نفوذ و سرمایه داران، حقوق فقراء را پایمال می کنند مثلاً امروزه در مورد اوقاف ما با چشمهایمان می بینیم که متولیان مساجد و مدارس و دیگر دست اندرکاران اوقاف مستضعفین را از حقوقشان محروم می کنند و خودشان از امکانات استفاده می کنند و در صورت حسابها، صورت های کاذب نوشته و اموال را به جیب خود می زنند.

«و الأمانة مغنّاء» (و امانت را غنیمت دانستن) یعنی آن را حیف و میل می کنند مثلاً کسی مال امانت را پیش آنها بگذارد آنها در آن خیانت می کنند و از آن استفاده می نمایند بطوریکه گویی مال خودشان است و گویا از میدان جهاد بطور غنیمت بدست آورده اند و یا میراث پدر و پدر بزرگانشان است.

«و الزکوة مغرماً» (و زکوة را تاوان دانستن) یعنی دادن زکوة بر او سنگین و ناگوار باشد بطوریکه ناگهان به او ضرری برسد یا بغیر ضرورت مال خود را خرج کند، در زمان ما در مورد زکوة همین طور است، که در میان سرمایه داران دادن زکوة خیلی به سختی صورت می گیرد و کسانی که هم می دهند با

خوش دلی نمی دهند، خیلی کم هستند کسانی که در راه خدا خرج کنند.

«و تعلم لغير الدين» و تعلیم دین برای غیر دین (یعنی دنیا) حاصل شود، امروزه اکثر انسانها که بخاطر دنیا جاه، دولت، ثروت، پست و مقام، تعلیمات دینی را می آموزند. اگر چیزی برسد آنگاه وعظ (سخنرانی) می کنند و قرآن و تجوید یاد می دهند و امامت می کنند، و احساس مسئولیت برای این امور باعث می شود که پنج وقت در مسجد حاضر می شوند، و اگر کارمندی و حقوق از دست آنها برود برای الله تعالی یک ساعت هم حاضر نیستند که درس قرآن و حدیث بدهند و اگر امامت از دست رفت اهتمام جماعت هم از دست می رود.

«واطاع الرجل امرأته و عقی أمه» یعنی زنش را اطاعت کند و مادرش را اذیت کند یعنی خواسته زن خود را چه جائز چه ناجائز برآورده سازد و بجای اینکه خدمت مادرش را انجام دهد برعکس او را اذیت می کند نه حرفش را می پذیرد و نه در فکر آسایش اوست در حال حاضر این حرکتها را می بینیم.

«و أدنی صدیقة و أقصى أباه»: و دوست خود را نزدیک تر از پدر خود می داند، یعنی: قدر و منزلت دوست را در دل بیشتر از پدر دارد و به فکر خدمت و راحتی او نیست. گفته های دوست مقدم است بر گفته های پدر. در روایت حضرت علی علیه السلام چنین آمده است: «و بر صدیقه و جفا أباه» یعنی: به دوست خود حسن اخلاق نشان می دهد و به پدر ظلم می کند. بطوری که امروز این واقعیات را ما با چشمان خود می بینیم، که انسانها از خدمت پدر و مادر خود غافل هستند.

«و ظهرت الاصوات فی المساجد»: و در مسجد سر و صدا است. یعنی ادب و احترام مسجد از دلها بیرون رفته و در مساجد آوازه های بلند از قبیل فریاد زدن و قهقهه کردن شروع شود، امروزه حال بعضی از مساجد مسلمانان



همین طور است که مساجد را مکانی برای گروهها و احزاب درست کرده‌اند، جای دعا و درگیری است و مکانی خوب برای غیبت است.

«و ساد القبيلة فاسقهم و كان زعيم القوم أرذلهم»: بزرگان قبیله و خانواده‌ها به دین پایبند نیستند، بطوری که امروزه ما می‌بینیم که به حرف انسانهای متقی در خانواده‌ها توجه نمی‌کند، بلکه انسانهای بی دین را بزرگ قبیله و خانواده می‌دانند، و زمانی که گروه یا انجمنی درست می‌شود گویا اغراض و مقاصدش محض دینی و اسلامی هستند و نامش هم خالص مذهبی است، اما رئیس را کسی می‌گذارند و انتخاب می‌کنند، که در او دین داری و پرهیزگاری، خدا ترسی، رحم، زهد، دیانت، امانت و هیچ حسنی در وجودش نیست.

«و أكرم الرجل مخافة شره» و عزت و احترام انسان را به این خاطر می‌کنند که از او ضرری نرسد یعنی ادب و احترام، تعظیم و اکرام در دل نیست بلکه در ظاهر می‌باشد که حال این چنین رواج دارد. و یا اگر فلان شخص را تکریم و احترام نکنیم ممکن است که مشکلاتی درست کند و از اقتدار مال و دنیایش که به غرور آمده معلوم نیست کی و چه وقتی مصیبتی ایجاد کند و این حال روز به روز بیشتر می‌شود که هرکسی را در جلوی عزت میدهند ولی پشت سرش به او دشنام می‌دهند.

«و ظهرت القينات و المعازف»: زنهای رقاصه و خواننده و وسایل رقاصی رایج می‌شود بطوریکه امروز همه ما می‌بینیم، که به کسی پولی برسد یا از اضافه کاری بدست آورد اول از همه خریدن وسایل لهو و لعب را ضروری می‌داند و خریدن وسایل صوتی تصویری را معیار ترقی و علامت آسودگی تشخیص می‌دهد. به آوازه‌های بلند و مسخره گوش می‌کنند و بر بعضی از قبرها

به نام یادواره جلّه و گردهمایی هایی گرفته می شود که یک حالت تفریحی دارد به خواندن و رقصیدن مشغول می شوند بطوریکه نماز خواندن را فراموش می کنند امروزه دیده می شود که بر مزار بعضی از بزرگان چنین اعمال بدعت انجام می شود. رسول خدا ﷺ ارشاد فرمودند که ترانه (موسیقی) در دل نفاق پیدا می کند مثل آب که گیاه را می رویاند. (بیهقی)

و نیز آن حضرت ﷺ فرمودند: رب من، مرا برای تمام جهان رحمت و هادی خلق کرده و فرستادند و به من حکم داده شده که اسباب رقاصی و خوانندگی و بت و صلیب و چیزهای جاهلیت را از بین ببرم (رواه احمد)

امروزه موسیقی جزو اهم زندگی قرار گرفته است، و معیار ازدواجهای زندگی اینقدر عوض شده اند که برای انتخاب همسر، خدا ترسی را معیار قرار نمی دهد، بعضی از مردها زنهای رقاصه را انتخاب می کنند و بعضی زنهای دنبال تفریح های نادرست و برای بدست آوردن مال و ثروت و حاصل کردن شهرت هستند و خانواده های شریف عزت خود را از بین برده اند.

در بعضی از مدرسه ها و دانشگاه ها روش تعلیم رقص و آواز خوانی آموزش داده می شود.

رادیو بهترین وسیله برای رساندن تعلیمات، اخلاق پسندیده، و سخنان مفید و حکمت آمیز است. ولی اکثراً ترانه و موسیقی از آن پخش می شود. افسوس که مسئولین این زمانه کمتر به فکر اصلاح و رشد معنوی مردم هستند. فخر کائنات نبی رحمت ﷺ برای از بین بردن بی حیائی، اسباب موسیقی، لهو و لعب تشریف آورده تا مردم را به طرف الله تعالی متوجه کند، اما افسوس که مسلمانان بجای پیروی از سنت آن حضرت ﷺ مجالس خود را با لهو و لعب، موسیقی و منکرات، آلوده می کنند و نام آن را جشن مولود و

تجلیل از پیامبر ﷺ می‌نامند.

کارگردانان سینما برای عادت دادن طبقه دین دار به آمدن سینما، فیلمهای به اصطلاح اسلامی، درست کرده و به عموم مسلمانان نشان می‌دهند، و چنین ادعا می‌کنند که: ما فیلمهای اسلامی درست می‌کنیم. اما در مورد هیچ فیلمی خواه هر چقدر ادعای اسلامیت و دینداری و اصلاح جامعه را هم بکنند حتماً در آن رقص و آواز وجود دارد. و زن هم دیده می‌شود. اگر در فیلم منظره دعا خواستن را نشان می‌دهند آن هم به وسیله زن بی حجاب نمایش داده می‌شود... حتی اگر موضوعاتی چون انصاف جهانگیر یا سخاوت حاتم طایی و یا شجاعت طارق را در صحنه فیلم نشان دهند حتماً در کنار آن زنهای بی حجاب وجود دارد. امروزه در تمام کارخانه‌ها، تابلوهای آگهی و تبلیغات اعضاء و اندام زنان را به نمایش می‌گذارند و آمار زنان غیر محجبه که در دفاتر و مراکز کار می‌کنند در حال افزایش است زنان بخاطر نقصان عقلی شان فکر می‌کنند که ما به حقوق خود می‌رسیم ولی نمی‌دانند که عزت و عصمت شان در حال زوال و فنا شدن است.

در سینماها چیزی بنام اسلامی وجود ندارد چون اسلام اساسش بر شرم، حیا، عفت و عصمت است و اساس سینما برای از بین بردن و از بین کردن این امور نهاده شده است.

مردم می‌گویند که این تنگ‌نظری و تعصب خشک مولوی‌ها است که مسلمانان را از ترقی عقب گذاشته است. حالا آنکه بر عقل و فکر انسان افزوده می‌شود، و مناظر جنگ‌های گذشته جلوی انسان می‌آید، و تاریخ گذشته یادآوری می‌شود. واقعات عروج و زوال و عدل و انصاف سلاطین گذشته و مناظر شجاعت و دلیری مشاهده می‌شوند. با توجه به این همه منافع زیاد، چرا

رفتن به سینماها درست نیست؟!

ما می‌گوییم که اگر بالفرض فایده‌ای از فیلمی هم که باشد بنا به دلایل شرعی نگاه کردن آن فیلم هرگز جایز و حلال نخواهد شد. قرآن شریف شراب و قمار را ذکر کرده و فرموده است که در آن فایده هم است و گناه‌شان هم بزرگ است. ببینید با وجود پذیرفتن نفع آن ضرر بزرگ آن را بیان کرده و از ارتکاب آن منع کرده است. خلاصه اینکه هر چیزی که مفید باشد جایز نمی‌شود؛ لذا در کنار فایده مصلحت‌های اجتماعی، انفرادی، اخلاقی، ایمانی را در نظر بگیریم پس اگر کمی منافع و فوائد را از سینما حاصل کند آیا از چیز دیگری نمی‌تواند حاصل بکند؟

ما تا امروز در مورد هیچ صاحب نظر و هیچ مهندس و دانشمندی نشنیده‌ایم که از رفتن به سینما و نگاه کردن فیلمها، عقل و دانش او بیشتر شده باشد و در مورد هیچ وزیری و رئیس جمهوری نیز نخوانده‌ایم که در سینما احوال و واقعات گذشته را دیده و در او استعداد ریاست جمهوری پیدا شده و او لایق این کار است و برای اداره کردن یک کشور آماده شده است.

بله این چیز را شنیده‌ایم که دختری از جلوی سینما گم شده است یا اینکه فلان مرد فلان زن را در تالار سینما دیده و عاشق همدیگر شده‌اند.

شما را به خدا یک کمی انصاف بکنید!!

در جایی که رقص و آواز و نمایش اعضای عریان مردها و زن‌ها و اختلاط آنان، وجود دارد امیدی برای اصلاح و خوبی وجود دارد؟ برای فهمیدن اسباب صعود و سقوط اقوام و امم ماضیه قرآن و حدیث بس است، آیا شما برای فهمیدن قرآن و حدیث خود را فارغ کردید؟ در حالی که قرآن و حدیث انسان را به خدا می‌رساند، بد اخلاقی و بی حیایی را می‌زداید اگر شما



می‌خواهید خواهشات نفسانی را زیر پا بگذارید به قرآن و حدیث جنگ بزنید.

گردانندگان سینماها که بقول خودشان فیلمهای اسلامی درست می‌کنند و مردم را دعوت به یادگیری اسلامیات می‌دهند در حقیقت مقصد اینها فقط بدست آوردن پول است. احکامات اسلامی را که امت در طول ۱۴۰۰ سال نگه داشته‌اند آیا اکنون بدون سینما فرا گرفته نمی‌شود؟ آیا رسیدن به عشق الهی و حب نبوی ﷺ نیاز است که سینما ایجاد شود؟ خیلی از مردم جاهل می‌گویند که ما نمی‌توانیم به زیارت کعبه شریف و گنبد خضرا (علی صاحبها الصلوة والسلام) برویم پس از همین جا چشمهایمان را شاد بکنیم. ما به اینها عرض می‌کنیم که آیا شما می‌خواهید مطابق دین زندگی کنید یا اینکه مطابق خواهشات خود عمل می‌کنید و اگر شما با الله تعالی و رسول ﷺ محبت دارید پس مطابق تقاضای طبیعت و نفس خود عمل نکنید و شعائر دین را بر پرده سینما تماشا نکنید.

این امر هم قابل ذکر است که کسانی که به سینماهای می‌روند اکثراً پولدار هستند که از نظر مال دنیا استعداد رفتن به حرمین شریفین را دارند و شرعاً حج بر اینها فرض است. همچنین اینها اگر واقعاً با خداوند متعال و رسول ﷺ محبت دارند پس اثبات غیرت ایمانی خود را نشان بدهند آوردن مناظر حرمین شریفین در سینماها دو نقصان بزرگ دارد.

اول اینکه از دل مسلمانان رغبت رفتن به مکه معظمه و مدینه منوره بیرون می‌شود.

خیلی از انسانها شوق رفتن به حج را دارند و خانه و کار بار خود را گذاشته و به زیارت حرمین شریفین می‌روند. زمانی که در خانه نشسته‌ایم و در ظرف



سه ساعت زیارت مکه معظمه و مدینه منوره صورت می گیرد پس رغبت آنها برای رفتن به آنجا حتماً کمی پیدا می شود که این از نظر ایمانی نقصان بزرگی است.

دوم اینکه غیر مسلمانها فیلم مناظر حج را نگاه می کنند و چونکه در دل آنها عظمت اسلام نیست لهذا بغیر از عظمت و عقیده از دیدن مناظر حج، عزت و قدر و منزلت اسلام از دلهای آنان بیرون می شود.

تعلق اعمال حج با عشق و محبت است نه با امکنه و مقام ظاهری و زینت آنها، وقتی در فیلم حج اشخاصی خود را با دوچار سفید پوشانده و دور یک خانه ای دور می زنند و سنگ ریزه هایی را پرتاب می کنند اینها را وقتی که تماشا می کنند و بخاطر اینکه از این شعائر و الهانه و عاشقانه و رازهای پوشیده آگاهی ندارند بهمین علت دین را مورد تمسخر قرار داده و یک رکن عظیم الشان اسلام را یک عمل فضول خرچی و غیر معقول تصور کرده و از اسلام دور می شوند که باعث آن مدعیان اسلام هستند.

دین الله تعالی را در خانه شیطان نشان دادن و این جرم عظیم را نیکی فهمیدن چقدر جهالت و شقاوت است! و مصیبت اینجا است که از یک طرف فیلم حج به نمایش گذاشته می شود و از طرفی دیگر موسیقی پخش می شود و جلوتر یا بعد از آن همان فیلمهای بی حیایی و بی عفتی را نشان می دهند. بعد از فیلم حج همان فیلمهای مبتذل شروع می شود و سیاست این سینماها است که به بهانه این فیلمها مسلمانان را به طرف سینما دعوت بدهند در حقیقت مقصود تمام اینها همان مناظر بی حیایی و بی عفتی می باشد.

آه غیرت و حمیت مسلمانان را چه شد که توهین دین می شود و آنها نگاه می کنند.



﴿وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

وَشَرَبَتِ الْخَمُورُ... (و شراب خواری نوشیده شود) برای تشریح آن زیاد ضرورت نیست همه می دانند که عموماً شرابخواری صورت می گیرد حتی که در کشورهای اسلامی مثل کشورهای غیر اسلامی رواج یافته است درباره شراب وعیدهای که گفته شده است تشریح آن در حدیث شماره یک گذشته است.

«و لعن آخره هذه الأمة أولها»: کسانی که بعد می آیند در این امت به انسانهای نیک گذشته لعنت می فرستند.

و این پیشین گویی بر مسلمانان این زمان صادق شده است. حضرات صحابه رضی الله عنهم از دست مسلمانان دور حاضر هم محفوظ نماندند. بعضیها بخاطر علاقه ای که به انتقاد دارند بر اکابرین سلف تهمت و زبان درازی می کنند و انتقاد جزو اعظم مضامین آنها را تشکیل می دهد. پرداختن به بیان نقائص صحابه رضی الله عنهم و اکابر سلف صالح را کار خوبی می پندارند. در نزد آنها برای اصلاح امن زباندرازی بر اکابرین سلف ضروری است بخاطر اینکه انتقاد عمل خوبی است خودشان در میدان عمل متأسفانه هیچ هستند بلکه از چشمان کور هستند. برای جواز انتقاد بزرگترین دلیل شان این است که سوای انبیاء هیچ کسی معصوم نیست.

بله این مطلب کاملاً درست است اما از کجا ثابت شد کسی که معصوم نیست در جلوی امت شخصیت او را هدف انتقاد قرار دادن ثواب دارد؟



با هر مالی، زکات مخلوط شود آن را از بین می برد

(۸) و عن عائشة رضی الله تعالی عنها قالت: سمعت رسول الله صلی الله تعالی علیه و سلم یقول: «ما خالطت الزکوة مالا قط إلا أهلکته»^۱

حضرت عائشه رضی الله عنها می فرماید: رسول خدا ﷺ فرمود: «زکات در هیچ مالی مخلوط نشده است مگر اینکه آن مال را از بین برده است.»
در این ارشاد پاک دو مطلب وجود دارد که هر دوی آن درست است.
مطلب اول: در هر مالی که زکات واجب گشته است و مال زکات را از آن تادیه نشود پس مال زکوة با بقیه مال مخلوط شده است، و این مال زکات بقیه مال را از بین می برد.

مطلب دوم: برای شخصی که گرفتن مال زکات جائز نیست و او مال زکات می گیرد و به مال خودش همراه می کند، پس این مال زکات مال اصلی او را از بین می برد در یک حدیث ارشاد است که در خشکی یا در دریا هر مالی که ضایع می شود سبب آن ندادن مال زکات است. (ترغیب و ترهیب)

از احادیث گذشته معلوم شد که از ندادن مال زکات آمدن باران قطع می شود. و از این حدیث هم معلوم شد که اگر مال زکات با بقیه مال همراه شود آن مال از بین می رود و این هر دو وجه درست هستند.

بعضی از انسانها مال اندوزی می کنند و در کارهای خلاف شرع خرج می کنند اما حاضر نیستند یک مقدار ناچیز از آن را به غربا و یتیمها و مساکین بدهند. چنین مالی به شکلهای مختلف از بین می رود.



آن ذات پاک که از فضل خودش به ما مال عطا فرموده است و ما از این که نافرمانی او را می‌کنیم به هیچ وجه ناراحت نیستیم ولی اگر در برپا کردن حکم خداوند مال خود را خرج بکنیم به نگرانی می‌افتیم. بعضی از انسانها به فکر دادن مال زکات هستند اما بدون حساب می‌دهند و یا حساب می‌کنند اما با حساب دقیق (یک چهلیم) مال خود را نمی‌دهند. خصوصاً کسانی که مالهای زیاد یا به قول معروف میلیاردر هستند اینها مطابق حساب نمی‌دهند.

از متن این حدیث شریف این مطلب را هم می‌توان بیان کرد که کسی که گرفتن مال زکات برای او حلال نیست، اگر او زکات بگیرد پس این زکات باقیمانده مال او را بر باد می‌دهد چنان افرادی کم نیستند که صاحب نصاب هستند و یا سادات و سید هستند و مستحق زکات نیستند مگر از حرص و هوس دنیا با زبان بازی، خود را مستحق گرفتن زکات نشان می‌دهند. عموماً ائمه مساجد و مودنها در این مسئله سخت مبتلا هستند که شوق رفتن به حج را دارند و در اختیارشان چهارصد یا پانصد روپیه موجود است اما از مردم طلب کمک مالی می‌کنند برای سفر حج که از آن هزارها روپیه خرج می‌شود در این جمع آوری کمک مردم به طور عموم مال زکات خود را می‌دهند. در نتیجه وقتی خودش مستحق زکات نیست پس این پول چطور حلال می‌شود؟ فایده‌ی الله المشتکی

از خوردن، نوشیدن و پوشیدن حرام،

عبادت و دعا قبول نمی‌شود

(۹) و عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «إن الله

طيب لا يقبل إلا طيباً وإن الله أمر المؤمنين بما أمر به المرسلين فقال ﴿يَا أَيُّهَا

الرسول کُلُوا مِنَ الطَّيِّبِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ﴿۱﴾ و قال تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ ثم ذكر الرجل يطيل السفر أشعث أغبر يمد يده السماء يا رب يا رب ومطعمه حرام ومشربه حرام وملبسه حرام وغذى بالحرام فأنى يستجاب لذلك»^۱

حضرت ابوهریره رضی اللہ عنہ می فرماید که رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد فرمودند: «که بی شک الله تعالى پاک هستند. و پاک را فقط قبول می کنند و بی شک الله تعالى مؤمنان را همان حکم داده اند که پیامبران خود را حکم داده بودند»، چنانچه می فرمایند: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ ای پیامبران چیزهای طیب (پاکیزه) بخورید و عمل خوب انجام بدهید. و ارشاد الله تعالى است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾^۲ «گفتیم بخورید از لذائذ آنچه روزی دادیم شما». بعد از آن، آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم تذکره شخصی را فرمودند که در سفرهای طولانی با موهای ژولیده و بدن غبارآلود به طرف آسمان دستهایش را بلند می کرد و یارب یارب می گوید و همچنین خوردنش از حرام و نوشیدنش از حرام و لباس هایش از حرام بود با وجود همه اینها چگونه دعاهایش قبول می شود؟!۳

در حدیثی آمده است تا زمانی که انسان در سفر باشد حتماً دعاهایش قبول می شوند - و اگر در سفر شکسته دل و نگران باشد، دعاهایش به قبولیت نزدیکتر هستند - در این حدیث ارشاد شده است که با وجودی این حالت دعای آن شخص که خوردن، نوشیدن، پوشیدن از حرام باشد، قبول نمی شود.



امروزه بسیار دعا می‌شود و بخاطر دور شدن مصیبت‌ها خوب گریه و زاری می‌شود اما دعاها قبول نمی‌شوند و چطور دعاها قبول شوند که دوری فکر از حرام وجود ندارد.

مال حرام بطور کلی جلوی قبولیت دعا را می‌گیرد و جلوی مقبولیت نماز را هم می‌گیرد.

در مشکات شریف آمده است که حضرت ابن عمر (رضی الله تعالی عنهما) فرموده‌اند که من از هر دو گوشه‌ایم ناشنوا بشوم اگر از رسول الله ﷺ شنیده نباشم که فرمود هر کسی یک دست لباس با قیمت ده درهم بخرد در حالیکه در آن یک درهم حرام باشد، تا زمانی که آن لباس در تن او باشد الله تعالی نمازهایش را قبول نمی‌کند. وقتی که یک درهم لباس از حرام است و نماز قبول نمی‌شود پس کسیکه تمام لباس آن از حرام و خوردن و نوشیدن او از حرام باشد چطور نمازهایش قبول می‌شود؟

برای جلوه دادن کارهای حرام و پاکیزه نشان دادن آنها که امروزه جزو برنامه زندگی شده است کارهای زیادی رواج دارد. امروز تمدن جدید نام ربا را بهره و نام رشوت را هدیه و نام خیانت را زرنگی گذاشته و تأسف بزرگ این است که در تجارت توجه کردن به حلال و حرام را نادانی می‌دانند و با نادانی کامل می‌گویند که: اینکه تجارت است! گویا حدود احکام شریعت از تجارت خارج است. العیاذ بالله

ای مسلمانان! تجارت اسلامی انجام بدهید - طریقه‌های نصرانیهای مغرب و شرکهای مشرق برای شما جز نکبت و وبال نتیجه‌ای نخواهند داشت.

بعضی از انسانها می‌گویند که امروز مال حلال گیر نمی‌آید! این فریب نفس است و با این خیال، می‌خواهند از قید و بند حلال فرار کنند.

و بقول حضرت سفیان ثوری رحمه الله که می فرماید: الحلال لایحتمل السرف مالی که از راه حلال بدست آید گنجایش آن را ندارد که در عیش و مستی صرف شود.

اما در دل کسانی که ترس خدا موجود باشد و کسانی که فرمان سرور کائنات ﷺ را که فرمود: «لایدخل الجنة لحم من السحت و کل لحم نبت من السحت کانت النار أولى به»^۱

«در جنت آن گوشت داخل نخواهد شد که از حرام بوجود آمده است و هر گوشتی که از حرام پرورش یافته است مستحق دوزخ است».

شنیده اند به رزق حلال توجه می کنند و الله تعالی آنها را رزق حلال عطا می فرماید. اگر چه آنها را حلال زیاد نمی رسد و کسانی که حلال را طلب می کنند بسا اوقات مورد آزمایش و مشکلات قرار می گیرند. اما هر عاقلی تحمل این مشکلات را به خاطر ترس عذاب آخرت خود لازم و ضروری می داند.

در اینجا این امر قابل ملاحظه و فکر کردن است که اگر انسانها به طرف تقوا و پرهیزگاری جهت داده شوند و همه فکرشان برای بدست آوردن رزق حلال باشد این مشکلاتی که امروز پیدا می شوند، در کسب حلال پیدا نخواهند شد. اما حال اینطور است به کسانی دین دار و پرهیزگار می گویند که اولاً نمازگزار باشند و فقط برای پرسیدن سجده سهو و مسائل غسل و وضو خدمت مفتی صاحب تشریف می برند و در این موردها خوب بحث می کنند اما به این توجه نمی کنند که در جهت کار و تجارت خدمت مفتی صاحب بروند و



بگویند که من می‌خواهم این تجارت را انجام بدهم یا فلان معامله مشروع است یا غیر مشروع. حالانکه در شریعت حکم و احکام هر معامله‌ای گفته شده است. در شریعت حضرت موسی علی نبینا و علیه الصلاة والسلام معامله یهود اینطور بود که بر بعضی اصول عمل می‌کردند و بر بعضی عمل نمی‌کردند، این حقیقت را خداوند قدوس اینطور ارشاد فرمودند:

﴿اَتْتُمُنُونِ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ﴾^۱

«آیا شما بر قسمتی از کتاب خداوند ایمان دارید و قسمتی از آنرا انکار می‌کنید».

حال به همین روش یهود، امروز مسلمانان حرکت می‌کنند و احکام شریعت را به ذکر و تسبیح و نماز و روزه محدود کرده‌اند. خیلی از حاجی‌ها و نمازگزاران و صوفی‌ها زمین کسی را به رهن گرفته و سالهای سال از آن استفاده می‌کند اما به خوردن سود و ربا لعنت می‌گویند. خیلی از نمازگزاران و حاجی‌ها معامله شراب می‌کنند و یا در کارخانه شراب‌سازی کارمند هستند. بعضی از مردم دوست دارند که دیگران را به حج بفرستند یا برای ساختن مسجد تشویق می‌کنند آنها به این چیز توجه ندارند که او این مال و ثروت را چگونه بدست آورده، آیا از راه حلال بوده یا حرام! این حيله نفس و شیطان است که می‌گوید در کارهای نیک خرج کردن، گناه معامله حرام را از بین می‌برد - حالانکه این فریب خیلی بزرگی است.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: که هر شخصی مال حرام را جمع کرده و بعد آن را به صدقه بدهد به او هرگز ثواب نخواهد رسید (بلکه) و بآل آن مال به او



خواهد بود و حضرت ابن مسعود رضی الله تعالی عنهما فرمودند: هر کسی که کار و معامله حرام انجام داد، زکوة مال کسب و کار او را پاک نخواهد کرد.^۱

از ترک کردن امر بالمعروف و نهی عن المنکر

عذاب می آید

(۱۰) عن حذيفة رضی الله عنه أن النبی صلی الله علیه و آله قال: «والذی نفسی بیدی لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر أو لیوشکن الله أن یبعث علیکم عذاباً من عنده ثم لتدعنه و لا یستجاب لکم»^۲

ترجمه: از حضرت حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که: «قسم به آن ذات پاک که جان من در دست اوست شما امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه خداوند، عذاب خود را بر شما، مسلط خواهد کرد، آن وقت شما دعا می کنید قبول نخواهد شد».

برای مسلمان این فقط کافی نیست که خودش فقط نیکی انجام بدهد، بلکه مسلمانان مسئولیت دارند تا بندگان نافرمان را از گناهان دور کرده و به طرف نیکیها دعوت بدهند. در قرآن پاک ارشاد است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾

«هستید شما بهتر امتی که بیرون آورده شد برای مردمان می فرمائید به کار پسندیده و منع می کنید از ناپسندیده و باور می دارید



خدا را»

در این آیه شریف امت محمدیه (علی صاحبها الصلوة و التحية) از تمام امتها بهتر گفته شده است و امتیاز و برتری این امت را بخاطر امر کردن به کارهای خوب و بازداشتن از کارهای بد، فرموده‌اند - به هر صورت امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه و مسئولیت خصوصی این امت است - در قرآن شریف ارشاد است:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾^۱

«و مردان مسلمان و زنان مسلمان بعض ایشان کارساز بعض می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می‌کنند از ناپسندیده و برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و فرمانبرداری می‌کنند خدا را و رسول او را».

در این آیه مبارکه امر به معروف و نهی از منکر را از صفات خصوصی اهل ایمان ذکر فرموده‌اند مردم در این دنیا، اطاعت خداوند را فراموش می‌کنند و در نتیجه یقین به نعمت‌های آخرت ضعیف می‌شود و نعمت‌های دنیا را لذت می‌دانند و در معصیتها آلوده می‌شوند - برای دور کردن این غفلت‌های بسیار بزرگ از انسان‌ها و متوجه کردن آنها به آخرت و جهت دان انسان‌ها به طرف خداوند قدوس تبلیغ و ترغیب و ترهیب را قائم کرده‌اند. هر وقتی که این سلسله نورانی در امت احیاء گردد و در تمام طبقات امت از عام و خاص احکام دینی در آنها زنده می‌شود آنگاه رحمت و نصرت الله تعالی

شامل حال کلی می‌گردد. و اگر این کار و مسئولیت کماحقه انجام داده نشود، به دو صورت عذاب خواهد آمد - اول بخاطر اینکه این کار یک فریضه مستقل است و ترک آن سبب هلاکت و بربادی خواهد بود. دوم اینکه اگر در این فریضه کوتاهی شود در ذهن انسانها فرمانبرداری از خداوند باقی نخواهد ماند و به طرف گناهان کشیده می‌شوند که باز سبب بربادی و هلاکت خواهد بود. زمانی که برای انجام دادن امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی می‌شود، عذاب به صورت عام خواهد آمد که آن وقت دعا خواسته می‌شود ولی مقبول نمی‌گردد چنانکه در حدیث شریف ارشاد است (ثم لتدعنه و لایستجاب لکم) و این حقیقت بارها صورت گرفته است.

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که آن حضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که یک مرتبه‌ای الله عزوجل به جبرئیل علیه السلام حکم فرمودند که فلان شهر را با تمام آبادی‌اش زیر و رو بگردان. (یعنی قسمت بالایی را به پایین و پایینی را به بالا برتاکه مردم آنجا هلاک شوند) جبرئیل علیه السلام عرض کردند ای پروردگار من! در میان آن انسانها بنده‌ای از تو است که حتی به اندازه یک چشم به هم زدن نافرمان تو را نکرده است (حداقل او را معاف کرده و ببخش) الله تعالی فرمودند: همراه با او شهر را زیر و رو بگردان - بخاطر اینکه هیچ وقت چهره او برای من تغییر نکرد (بیهقی فی شعب الایمان) یعنی خودش انسان نیکی بود اما دیگران را در گناهان می‌دید و با زبان منع نمی‌کرد و از دیدن این همه گناه هیچ اثر و غصه بر چهره‌اش محسوس نمی‌شد.

از این حدیث معلوم شد که بذات خود نیک و فرمانبردار بودن برای دین دار بودن کافی نیست، بلکه دعوت دادن بندگان خدا به طرف احکام شریعت لازم و ضروری است.

در مشکوة شریف بحواله ابوداود و ابن ماجه از حضرت جریر بن عبدالله رضی الله عنه روایت نقل شده است که آن حضرت علیه السلام ارشاد فرمودند: که در میان بعضی از انسانها اگر شخصی گناه انجام می دهد و آنها قدرت جلوگیری از آن شخص را دارند اگر جلوی او را نگیرند، الله تعالی جلوتر از موت بر آنها عذاب خود را می فرستد.

و این حقیقت را آنحضرت صلی الله علیه و آله در ضمن مثال ارشاد فرمودند که: کسی که حدود و احکام خداوند را رعایت می کند و کسیکه آن را رعایت نمی کند مانند قومی است، که با قرعه کشی، در طبقات یک کشتی جای گرفتند، بعضی در طبقه پایین و بعضی در طبقه بالا، آنهایی که در طبقه پایین بودند، هرگاه احتیاج به آب پیدا می کردند برای آوردن آب به طبقه بالا می رفتند. اینها با خود گفتند: بهتر است، برای بدست آوردن آب، قسمت پایین کشتی را سوراخ کنیم تا کسانی که بالا هستند اذیت نشوند، اکنون اگر افراد طبقه بالا آنها را بگذارد که مطابق میل و اراده خود، کشتی را سوراخ کنند، همه آنان هلاک خواهند شد و اگر آنها را باز دارند هر دو از غرق شدن نجات می یابند. (بخاری شریف)

مقصود این است که به سبب گناهان هر آفت و مصیبتی بیاید در آن، آن کسانی که اعمال صالحه انجام می دهند هم مبتلا خواهند شد بخاطر دست گناهکاران و خلافکاران خود را نگرفتند.

اگر امروز ما احوال خود را نگاه کنیم معلوم خواهد شد نه تنها به گناهان بی توجه هستیم بلکه دوستان، عزیزان و زیردستان خود را برای انجام گناه موقعیت و فرصت می دهیم و ناآگاهانه اسباب گناه را برای آنها فراهم می سازیم. اگر زن و بچه بی نماز باشند هیچ پروا نمی کنیم، زکوة یا حج برای

زیادی از دوستان و عزیزان فرض شده است اما به آنها یادآوری نمی‌کنیم حال آنکه ما با آنها خورد و نوش، نشست و برخاست هم داریم و خیلی از دوستان هستند که سنت زیبای نبوی را می‌تراشند و با وجود تعلقات، آن‌ها را برای گذاشتن این عمل زیبا ترغیب نمی‌کنیم و لباسهای ناجائز را برای اهل خانه خود می‌آوریم و با تمام خانواده برای دیدن فیلم‌ها به پای تلویزیون می‌نشینیم. با توجه به این حالات گناه چطور از بین بروند و رحمت‌های خداوند متعال نازل نشوند؟! انا لله و انا الیه راجعون

ارشاد رسول اکرم ﷺ است: که هر یکی از شما اگر کار خلاف و نامشروعی را ببیند باید آنرا با دست خود منع کند، اگر با دست نتوانست با زبان منع سازد و اگر با زبان نتوانست، در دل آن را بد بداند و این کمترین درجه ایمان است. (مسلم شریف)

به سبب زنا و سود (ربا) عذاب الهی نازل می‌شود

(۱۱) وعن ابن مسعود رضی الله عنه ذکر حدیثا عن النبی ﷺ و قال: فیه «ما ظهر فی قوم الزنا و الربوا إلا أحلوا بأنفسهم عذاب الله»^۱
ترجمه: از حضرت ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند: «در هر جایی که زنا و سود (ربا) ظاهر می‌شود، پس آنها برای خودشان عذاب الله تعالی را نازل کردند»

از این حدیث پاک معلوم شد که رواج عمومی زنا و ربا، سبب نازل شدن عذاب الهی خواهد شد. رواج این دو چیز در بیشتر مناطق کم و بیش ظاهر شده



است. ربا، بلای بزرگی است که نتایج و ثمرات آن در دنیا و آخرت خیلی بد خواهد بود. در قرآن شریف آمده است:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾^۱

«کسانی که می‌خورند سود را برنخیزند یعنی از گور مگر چنانکه بر می‌خیزد کسی که دیوانه ساخت او را شیطان به سبب آسیب».

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت فرمودند ربا را و کسی که آن را می‌خورد، کسی که آن را می‌خوراند، و کسی که گواهی برای آن می‌دهد. و بعد از آن فرمودند که «همه اینها در «گناه» با هم برابرند». از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: آن شبی که من به معراج رفتم یعنی از کنار کسانی گذشتم که شکمهایشان مثل گودال پاره شده و بر آن مارها تجمع کرده بودند. من گفتم ای جبرئیل! اینها چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسانی هستند که سود می‌خورند.^۲

در یک حدیث آن حضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: «ربای یک درهم را اگر کسی دیده و دانسته خورد از ۳۶ مرتبه زنا سخت‌تر است».^۳

در یک حدیث آمده است که: سود از زنا کردن با مادر، سخت‌تر است. (ایضا)

در بخاری شریف یک خواب از آنحضرت صلی الله علیه و آله ذکر کرده شده است که

۲- مشکوة عن احمد و ابن ماجة

۱- البقرة ۲۷۵

۳- مشکوة شریف



آنحضرت ﷺ سودخوار را در میان نهري از خون اينطور دیدند که در وسط نهر هستند و در کنار نهر شخصی ايستاده و سنگ بزرگی در دست دارد، هر وقتی که آن شخص از نهر خون قصد بيرون رفتن را می کرد آن شخص کنار نهر او را با آن سنگ چنان می زند که دوباره به وسط نهر خون پرتاب می شد.^۱ خواب انبياء حق هستند - در اين خواب آن عذاب را نشان دادند که سودخوار در عالم برزخ اينگونه عذاب خواهد دید و همچنين مالی از راه ربا بدست آيد هيچ برکتی ندارد.

﴿يُمَحِّقَ اللَّهُ الرَّبَّوَا وَيُزَيِّي الصَّدَقَاتِ﴾^۲

ترجمه: «اللہ تعالی سود را از بين می برد و صدقات را می افزايد».

در حديث شريف آنحضرت ﷺ ارشاد فرموده اند:

«إِنَّ الرِّبَّوَا وَإِنْ كَثُرَ فَإِنَّ عَاقِبَةَ تَصِيرَ إِلَى قَلٍ»^۳

«سود اگر چه زياد شود (اما) يقيناً سرانجام آن به طرف کمی خواهد بود».

اگر کمی به اطراف خودمان توجه کنیم می بینیم که رباخواری در جامعه ما چقدر جا افتاده است. قبل از همه اولاً قانون شريعت مظهره را در نظر بگيريم که هر نفعی که به سبب قرض حاصل می شود ربا است. مطابق اين اصول تعداد زيادی از انسانها سود می گیرند، يک شخص نيازمند را مقداری پول می دهند و خانه يا زمين او را به رهن گرفته و از آن استفاده می کنند که اين مسئله سراسر سود است. در بعضی از مناطق اين مسئله طوری رواج يافته است که به مشکل خانه ای می توان يافت که رهن نباشد. در بانکها پول خود را جمع می کنند در



موقع دریافت زیاده بر اصل پول که سود می باشد با میل و رغبت دریافت می نمایند بعضی از انسانها برای جایز قرار دادن این مسئله دلالی را گفته اند که بانک مبلغ پولی که در اختیار دارد تجارت می کند و فایده کرده و ما هم از آن فایده استفاده می کنیم. برادر عزیز! از تغییر دادن نام، حقیقت تغییر نمی یابد در اصول شریعت این سود است. اگر بانک شما را شریک تجارت خود قرار داده است. پس شما بگوئید چند درصد شراکت دارید؟ اگر شریک هستید آیا در نقصان و ضرر هم شریک هستید؟ اگر به بانک فایده یا نقصان برسد با او هم شریک هستید یا نه؟ بانک خواه فایده کند یا ضرر، شما در ازای پولی که در حساب گذاشته اید مبلغ از پیش تعیین شده را از بانک دریافت می کنید و به همین سود می گویند.

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که اگر شما به کسی قرض دادید، چنانچه شخص بدهکار به شما هدیه ای داد یا شما را بر سواری خود سوار کرد، این چیز را قبول نکنید - اگر قبل از گرفتن قرض بین طرفین سلسله هدیه دادن بوده است، پس هیچ مشکلی برای گرفتن هدیه نیست - (ابن ماجه)

حضرت عبدالله بن سلام رضی الله عنه یک شخص را نصیحت فرمودند که شما در سرزمینی زندگی می کنید، که در آنجا رواج سودخواری خیلی زیاد است. لهذا اگر شما از شخصی حقی می خواستید و آن شخص به عنوان هدیه به شما ریسمانی داد شما آن را قبول نکنید چرا که آن سود بحساب می آید. (بخاری شریف)

اگر بعلت قرض و بدهی کسی از شما ملاحظه شما را کرد و بطور هدیه و یا بدون فایده چیزی داد آن را قبول نکنید چرا که این سود است، اگر به خاطر

بدهکار بودنش بلکه بخاطر دوستی و رفاقت قدیمی و تعلق بدهد، درست است.

بر تمام مسلمانان لازم و ضروری است که در تجارت، زراعت و کار و بار خود خوب توجه و تفکر کرده و از هر نوع سود و مشابه آن پرهیز و دوری بکنند.

از قسم خوردن زیاد، در کار و بار بی برکتی می آید

(۱۲) وعن أبي قتادة رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: «إياكم وكثرة الحلف في البيع فإنه ينفق ثم يمحى»^۱

ترجمه: از حضرت ابو قتاده رضی اللہ عنہ روایت است که آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند: «در خرید و فروش از قسم خوردن زیاد، پرهیز کنید، قسم مال شما را به فروش می رساند «اما» برکت را از بین می برد».

همانطوری که در حال سود، هیچ برکتی نیست به همین صورت به سبب خوردن قسم از فروختن مال، برکت از بین می رود. چنانکه در حدیث دیگری آمده بود که در خرید و فروش از قسم خوردن پرهیز شود اگر چه مال فروخته شود ولی برکت از بین می رود. در حدیث شریف اول لفظ «کثرت» آمده و در حدیث بعدی حذف شده مقصود این است که در معامله هرگز قسم نخورید. اگر چه در قسم گفتن راستگو باشید. البته اگر در بعضی مواقع بحالت فراموشی از زبان خارج شد بشرطیکه قسم راست باشد اشکالی ندارد. تا آنجایی که از گفتن قسم راست هم ممانعت به عمل آمده است، پس قسم دروغ گفتن بخاطر



فروختن مال چقدر بد است؟!

یک مرتبه رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «سه شخص چنانند که در روز قیامت الله تعالی با آنها سخن رحیمانه نخواهند فرمود و با نظر رحمت آنها را نگاه نخواهند کرد و آنها را پاک نخواهند فرمود.

حضرت ابوذر رضی الله عنه عرض کردند: وای به حال آنها یا رسول الله! آنها چه کسانی هستند؟! آن حضرت ﷺ فرمودند: (۱) کسانی که شلوار آنها زیر شالتنگ باشد. (۲) کسانی که نیکی انجام می دهند و منت می گذارند. (۳) کسانی که با قسم های دروغ مال خود را به فروش می رسانند. (مسلم شریف)

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول خدا ﷺ ارشاد فرمودند (تعدادی از) گناهان بزرگ عبارت اند از: (۱) کسی را با الله پاک شریک ساختن، (۲) آزار رساندن به پدر و مادر. (۳) جان کسی را به ناحق قتل کردن. (۴) قسم خوردن به دروغ. (بخاری)

در یک حدیث دیگری ارشاد است: الیمن الفاجرة تذهب المال (الترغیب) «قسم خوردن دروغ مال را از بین می برد».

«الیمن الفاجرة تدع الدیار بلاقع» (قسم دروغ آبادیها را ویران می سازد). ارشاد آنحضرت ﷺ است که هر شخصی به سبب قسم دروغ، مال مسلمان را (ناحق) بدست آورد، الله تعالی دوزخ را برای او واجب می گرداند و جنت را بر او حرام می کند. صحابه عرض کردند یا رسول الله! اگر چه چیزی معمولی باشد؟ ارشاد فرمودند: اگر چه به اندازه چوب مسواک باشد. (مسلم شریف)

اگر ما کمی نظر خود را بر تاجران بیندازیم می بینیم که قسم راست یا دروغ برای بفروش رساندن مال چقدر زیاد است و به همین سبب خیر و برکت از تجارت و کار و کاسبی رفته است و انسانهای عاقل نیز از آن بی خبرند.

سزای احتکار غله در وقت نیاز عمومی مسلمانان

(۱۳) و عن عمر بن الخطاب رضی اللہ عنہ قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «من احتکر علی المسلمین طعامهم ضربہ الله بالجزام و الافلاس»^۱

حضرت عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ فرمودند که: من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمود: «هر شخص بخاطر بالا رفتن قیمت احتکار کند (یعنی در حالت نیاز شدید به مسلمانان بفروشد) آن شخص را الله تعالی مفلس و فقیر می گرداند». تجارت غله درست است که در موقع برداشت آن را خرید کرده و بعد از آن اگر قیمت بالا هم برود فروختن آن هم درست است، (اما) در وقت نیاز شدید مسلمانان که به صورت عمومی در بازار یافت نشود و این در انتظار بالا رفتن قیمت، آنها را احتکار بکند در یک حدیثی آن حضرت ﷺ چنین شخصی را ملعون نیز خطاب کرده اند.

در حدیث بالا فرمودند که این شخص را سزای افلاس خواهد رسید یعنی بخاطر این حرکت بد او را سزای جسمانی و مالی خواهد رسید، در بدنش مریضی مهلک پیدا خواهد شد و بخاطر آن مالی که در انتظار بالا رفتن قیمت احتکار کرده بود آن مال هم بر باد خواهد رفت و افلاس بر او سایه خواهد انداخت.

در حدیث دیگری ارشاد رسول خدا ﷺ است که ارشاد فرمودند: هر کس غله خود را بخاطر بالا رفتن قیمت تا چهل روز نگه دارد، الله تعالی از او دور گشته و او از الله تعالی دور شده است.

در یک حدیث دیگر آمده است که در حالت (ضرورت عمومی) هر کس



غله خود را تا ۴۰ روز احتکار کرد و بعد از آن، آنها را صدقه کرد این (صدقه دادن) به اندازه کفاره گناه نگاهداشتن هم نمی شود.

رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: خیلی بد است برای آن بنده ای که در وقت ابتلای عام، غله خود را احتکار کند و اخلاق و روش او طوری باشد که اگر الله تعالی قیمت را ارزان کند او رنجیده شود و اگر قیمت را بالا ببرد او خوشحال می شود.^۱

سزای آزار رسانیدن به والدین

(۱۴) و عن أبي بكرة رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: «كل الذنوب يغفر الله منها ما شاء إلا عقوق الوالدين فإنه يجعل لصاحبه في الحياة قبل الممات»^۲

از حضرت ابوبکر رضی اللہ عنہ روایت است که رحمة للعالمین رضی اللہ عنہ ارشاد فرمودند: «که الله تعالی هر گناهی را که بخواهند معاف می فرماید اما سزای آزار رساندن والدین را قبل از موت در همین دنیا به او داده خواهد داد».

مقام والدین خیلی بزرگ و بالا است این عزت را الله تعالی عطا فرموده اند و در قرآن پاک حکم حسن سلوک با والدین داده شده است و در حق آنها این دعا را باید کرد:

﴿رَبِّ اَرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَانِي صَغِيرًا﴾ «ای پروردگار من! به هر دو اینها رحم بفرما که آنها در کوچکی من را پرورش داده اند».

۱- تمام این احادیث از مشکوة شریف باب الاحتکار مأخوذاند.

۲- رواه البيهقي في شعب الايمان.

در حدیث شریف آمده است که یک شخص عرض کرد یا رسول الله حق والدین بر اولاد چیست؟ آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند که هر دو آنها جنت و جهنم تو هستند (ابن ماجه) یعنی اگر شما خوب باشید و خدمت آنها را بکنید و آنها را خوشحال نگه دارید جنت را بدست می آورید و اگر نافرمانی آنها را بکنید به جهنم خواهید رفت. و سزای نافرمانی والدین که در آخرت می رسد در جای خودش باقی است که در دنیا هم به مشکلات و پریشانیها مبتلا خواهید شد. علاوه بر والدین احوالپرسی از فامیل و وابستگان آنها هم ضروری است چنانکه در حدیث با مفهوم صله رحمی یاد شده است که تشریح آن در احادیث آینده خواهد آمد. (شعب)

سزای قطع صله رحم

(۱۵) وعن عبدالله بن أبي أوفى قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «لا تنزل الرحمة على قوم فيهم قاطع رحم»^۱

حضرت عبدالله بن اوفی رضی الله عنه فرمودند که من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «الله تعالی بر آن قومی که در میان آنها یک نفر قطع رحم بکند رخصت هایش را نازل نمی کند». «قاطع رحم» یعنی کسی که تعلقات فامیلی را شکسته است، از چنین شخصی الله تعالی آن قدر ناراض هستند که نه تنها فقط از رحمت قطع رحمی محروم هستند بلکه در میان کسانی که این شخص همراه آنها است بر آنها هم رحمت خداوندی نازل نمی شود. در حدیث دیگری ارشاد است که قطع کننده صله رحم در جنت داخل نخواهد شد. (بخاری و



(مسلم)

صله رحم در شریعت مطهره مرتبه بزرگی دارد، در قرآن و حدیث به طریقه های مختلفی حکم آن آمده است در حدیثی آن حضرت ﷺ ارشاد فرمودند که سلسله نسب خود را معلوم کنید تا که به سبب آن صله رحمی بکنید که از آن در خاندان و فامیل محبت پیدا خواهد شد و در مال ترقی حاصل می شود و موت دیرتر خواهد آمد (یعنی کسی که صله رحم کند عمر او زیاد خواهد شد) (ترمذی شریف)

در بخاری و مسلم از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که آن حضرت ﷺ از شاد فرمودند که هر کسی بخواد که در رزق او برکت و اضافه شود و عمر او بیشتر شود صله رحم بکند. اگر پدر و مادر و دیگر اقوام مشرک هم باشند باز هم با آنها صله رحم و حسن سلوک نماید رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد کسی که قطع رحم کرده اند تأکید خصوصی فرموده اند که با آنها صله رحمی انجام بگیرد چنانچه ارشاد است:

«ليس الواصل بالمكافي و لكن الواصل الذی اذا قطعت رحمه وصلها»^۱

«آن کسی که اگر دیگران با او ارتباط داشته باشند او با آنها ارتباط برقرار و صله رحم کند، صله رحم نکرده است. بلکه صله رحم را کسی می کند که مردم با قطع رابطه بکنند و او در صدد وصل آنها برآید».

منظور این است که ما نباید این فکر را بکنیم که فلان شخص از فامیل با ما قطع رابطه کرده پس ما چرا با او ارتباط برقرار کنیم، این طرز تفکر با حقیقت



صله رحمی مغایرت دارد.

ملاقات و احوالپرسی با والدین و فامیل آنها، نشست و برخاست، خدمت کردن، هدیه دادن و گرفتن، در غم و شادی آنها شریک شدن همه اینها در صله رحمی داخل هستند اما به خاطر صله رحمی و فامیل بودن شرکت کردن در امور گناه ناجائز است مثلاً در بعضی از قومه‌ها و فامیلها در شادی و غم آنها بعضی از رسومات غیر شرعی هستند که باید از آنها دوری کرد.

ارج نهادن به صله رحمی بزرگترین اقوام را در حقیض تباهی می‌اندازد و آن دسته از اقوامی که صله رحمی می‌کنند تمام امور آنها بخوبی انجام می‌گیرند و مزید بر آن خداوند متعال در عمر و رزق آنها برکت می‌دهد.

از درست نکردن صف نماز،

در دلها دوری و اختلاف ایجاد می‌شود

(۱۶) و عن أبي مسعود الأنصاري رضی اللہ عنہ قال: كان رسول الله ﷺ يمسح مناكبنا في الصلوة ويقول: «استووا ولا تختلفوا فتختلف قلوبكم ليلني منكم أولوا الأحلام والنهي ثم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم قال أبو مسعود فأنتم اليوم أشد اختلافاً»^۱

حضرت ابومسعود انصاری رضی اللہ عنہ می‌فرمایند که رسول اکرم ﷺ در نماز (برای درست کردن صفها) با دست مبارک خود شانه‌های ما را می‌گرفت و ارشاد می‌فرمودند که «کنار همدیگر ایستاده و صفها را راست بگیرید و اگر نه در دل‌های شما اختلاف پیدا می‌شود».



راوی حدیث حضرت ابو مسعود انصاری رضی الله عنه به حاضرین فرمودند شما اگر امروز برای درست کردن صفها توجه نکنید در شما اختلاف زیادی به وجود می آید.

اثر ظاهر بر باطن و اثر باطن بر ظاهر غیر قابل انکار است، وقتی که جسم در یک صف راست نباشد بر دل اثر می گذارد و انگیزه‌ی اختلاف و شقاق را در دلها ایجاد می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از شروع نماز تمام مقتدیان را برای درست کردن صف نماز آماده می ساخت حتی که خود آن حضرت شانه‌های مردم را با دست مبارک راست می فرمودند بعد از درست کردن صفها تکبیر تحریمه شروع می شد و این هم بر عهده مقتدیها است که صفها را درست کنند و امام‌ها نیز وظیفه دارند تا صفوف را درست کنند.

در یک حدیث ارشاد است که صفها را برابر و درست کنید که راست شدن صفها قسمتی از تکمیل نماز است. (مسلم شریف) آن حضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که امام را در نماز وسط خود قرار دهید و در صفها جاهای خالی را پر کنید. (ابوداود) و باز هم فرمودند که صفها را در نماز درست کنید و شانه‌های خود را مستقیم برابر نموده و دست برادر خود را با نرمی گرفته و جاهای خالی را پر کنید. بخاطر اینکه در جاهای خالی شیطان به مانند بچه گرگی داخل می شود.

در اینجا فرمودند که دست برادر خود را با نرمی بگیرید مقصود این است که اگر جایی در صف نماز خالی است و دست شما را کسی گرفت و جای خالی را پر نمود شما ناراحت نشوید.

حضرت ابو مسعود رضی الله عنه در زمانه خودش به مردم فرمودند: أنتم الیوم أشد اختلافاً (امروز در شما اختلاف شدید است) و اگر در این زمانه صفهای



مسلمانان را می‌دیدند و نتیجه اختلاف را مشاهده می‌نمودند معلوم نبود چه ارشاد می‌فرمودند.

در آخر حدیث فرمودند هر کس از شما عاقلتر و فهمیده‌تر است نزدیک من بایستد یعنی در صف اول پشت سر امام انسانهای صاحب عقل و فهم قرار بگیرند و برای رفتن به اینجا اهتمام کنند تا در وقت ضرورت بتوانند که خلیفه شوند و اگر چنانچه امام سهو کرد بتوانند او را لقمه بدهند و در درجه اول انسانهای فهمیده و دیندار نزدیک باشند به همین صورت در درجه دوم افرادی بایستند که سطح سواد دینی شان از اولیها کمتر است خلاصه اینکه افراد دانا و فهمیده را متوجه کنند تا آنها معمولاً جای خود را در صفها بدانند و در صف اول قرار بگیرند.

سزای دشمنی کردن با اولیاء الله

(۱۷) و عن معاذ بن جبل رضی الله عنه قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «إن يسير الرياء شرك و من عادى لله ولیا فقد بارز الله بالمحاربة إن الله يحب الأبرار الاتقياء الاخفاء الذين إذا غابوا لم يتفقدوا و إن حضروا لم يدعوا و لم يقربوا قلوبهم مصابيح الهدى يخرجون من كل غبراء مظلمة»^۱

از حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «کوچک‌ترین ریا هم شرک است و کسی که با دوست خدا دشمنی کند او با خدا اعلام جنگ کرده است. و فرمودند الله تعالی آن بنده خود را دوست دارد که پرهیزگار باشد و طوری زندگی کند که عوام الناس آنها را



بحساب نیاورده و ضرورت وجود آنها را احساس ننمایند اگر غایب شوند هیچ کسی را برای پیدا کردن آنها تلاش نکند و اگر حاضر هم باشند کسی برای نزدیک شدن به آنها کسی را دعوت نمی دهند و آنها را به خود نزدیک نمی کنند اما دل‌های آنان چراغ هدایت هستند و باعث بصیرت دل‌ها می شوند و از هر فتنه‌رهایی می یابند گرچه تاریک و غبارآلود باشد.^۱

در این حدیث اول از همه مذمت ریاکاری را ارشاد نموده و آن را شرک فرمودند. بر بنده لازم است که در انجام هر عمل نیک صرفاً الله را در نظر داشته باشد چون اگر بخاطر اینکه عمل نیک انجام دهد که در دل مردم جا بگیرد و یا برای بدست آوردن پول این اعمال را انجام دهد (مثلاً نماز بخواند و یا روزه بگیرد و در خواندن کلام الله وقت صرف کند یا صدقه و خیرات تقسیم نماید) اگر به ظاهر این عمل‌ها نیک به حساب می آید بخاطر وجود ریا این عمل‌ها شرک حساب می آیند. در مقابل بت‌ها ایستادن و آنها را پرستش کردن شرک اکبر است و ریا کردن شرک اصغر است. در یک حدیث ارشاد است هر کس نماز را با ریا خواند شرک کرده و هر کس برای ریا روزه گرفت او شرک کرد و هر کسی برای ریا صدقه داد او شرک کرد.^۲

الله تعالی فقط آن عملی را قبول می فرماید که فقط برای رضای خداوند انجام گرفته باشد. اگر برای عملی نیت کند که از الله تعالی ثواب حاصل نمایم و در میان مردم شهرت پیدا کنم و یا چیزی به من برسد این عمل نزد الله تعالی مردود است.

در یک حدیث ارشاد است که در روز قیامت الله تعالی همه را جمع

می فرمایند که در آن هیچ شک و شبهه نیست یک منادی اعلام می کند که هر کسی که عملی را برای خدا انجام داده و کسی دیگری را در آن شریک ساخته است پس آن شخص ثواب عمل را از همان کس دریافت نماید که برای او انجام داده بود، بخاطر اینکه الله تعالی از شریک بی نیاز است و تمام شرکاء به الله محتاج هستند الله تعالی بی نیاز است. (احمد)

ثانیاً در حدیث شریف فرمودند که هر کسی با ولی خدا دشمنی کرد پس او برای جنگیدن با الله جل جلاله به میدان آمده، این مضمون در یک حدیث دیگر، با این الفاظ هم آمده است:

«من عادى لى وليا فقد اذنته بالحرب»^۱

«هر کس با ولی من دشمنی کند من با او اعلام جنگ می نمایم». ولی به معنی دوست است هر مسلمانی در مرتبه ای دوست خداوند است و با هر مسلمانی دشمنی کردن نشانه تباهی و بربادی است. اما خاص آن بندگانی که در محبت الله سرشار و بی قرار هستند و برای الله زندگی می کنند و برای الله می میرند و در تمام حالات و معاملات به احکامات خداوندی نگاه می کنند و از گناهان پرهیز و دوری می نمایند و در امر الهی سر تسلیم فرود می آورند این افراد را آزار رساندن و با اینها دشمنی کردن بربادی و تباهی دنیا و آخرت است.

با بندگان خاص خداوند دشمنی کردن نشانه دشمنی با خداوند است یعنی اینکه خداوند را دشمن خود ساخته است چون هر انسانی از دوست خود پشتیبانی می کند با دوست دشمن هم دشمنی می نماید و هر کسی که به جنگ



خداوند آمد جایگاه او کجا خواهد بود؟ قاضی الحاجات غفار، ستار، ناصر و مددگار اگر با کسی دشمنی کرد در دنیا و آخرت چه کسی حاجت او را برآورده می‌کند؟ و برای او دروازه رحمت و نصرت از کجا باز می‌شود؟ هر شخصی که الله پاک را در جنگ مقابل خود قرار داد او با «خالق کل شیء» دشمنی کرد که در دست و قدرت او همه چیزها هستند آن ذاتی که در چیزهای سودمند ضرر هم می‌تواند پیدا کند و بغیر از اسباب از پرده‌های غیب دروازه عذاب را باز می‌کند. علماء می‌فرمایند که دو گناه هستند که هر کس مرتکب آنها باشد الله تعالی را در مقابل ذات پاک خود قرار می‌دهد اول آن کسی که با دوست خدا دشمنی کند و دوم کسی که ربا بخورد. چنانکه در سوره بقره آمده:

﴿فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِمَحْزَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾

ترجمه: «پس اگر نکردید پس خبر دار باشید به جنگی از طرف خدا و رسول او.»

با کمی دقت معلوم می‌شود که الله تعالی کسانی را که با دوستانش دشمنی دارند به این خاطر در مقابل خود قرار داده است که بندگان خاص خداوند در مقابله اهل دنیا بی‌زر و زور هستند و در سرشت آنها صفت عفو و گذشت وجود دارد و از سخت‌ترین دشمنان خود خیال انتقام هم ندارند به همین سبب خداوند داوری این بندگان خود را می‌نماید بعضی وقتها اتفاق افتاده است که بندگان خداوند دشمن خود را معاف می‌کنند ولی از طرف خداوند عذاب آمده و آنها را تباه و نابود کرده است تاریخ شاهد است که در هر زمانی هیچ کس یا قوم و یا حکومتی با بندگان خاص خداوند عداوت و دشمنی نکرده عاقبت آنها به نابودی و هلاکت انجامیده است در این زمانه هم خیلی از انسانها



خواه نخواه با اهل الله دشمنی می کنند و هرگونه فساد و خرابی را به آنها نسبت می دهند مثلاً بندگان خداوند را به طرف ذکر و عبادت دعوت می دهند یا در ترویج تعلیم و تعلم می کوشند و در جهت نشر احکام الهی سرگرم هستند و این طبیعی است که در این مراحل دارای کمی و کوتاهی نیز هستند ولی آن افرادی که از سرگرفته تا پاهایشان و از تولد تا موت در دنیا غرق هستند. چطور بخودشان اجازه می دهند که به این اشخاصی که در کار خداوند مشغول هستند، دهن کجی کرده در مجالس خود از آنها غیبت و بدگویی نمایند؟! در دنباله حدیث شریف الله پاک با نزول خواران اعلام جنگ فرموده اند: در این رابطه سودخواران از مستضعفان و مفلسان و غریبها فایده ناجایز می برند و سود اموال و املاک و هست و نیست انسانهای تنگدست و پریشان حال را قبضه می کنند و همینطور آن اشخاصی که با دوستان خدا و اهل الله سر ناسازگاری دارند، این را بدانند که با گرفت قادر متعال روبرو خواهند شد.

در حدیث شریف تعریف بندگان نیک را فرموده اند که پرهیزگارانی هستند که در گمنامی زندگی می کنند و طالب شهرت نیستند و اعمال خود را پوشیده انجام می دهند و برای نام و شهرت هیچ عملی انجام نمی دهند. اهل دنیا نه برای آنان ارزشی قایل هستند و نه در صدد ملاقات و نشست و برخاست با آنها هستند و نه در مجالس خود آنها را دعوت می کنند و خلاصه اینکه اهل دنیا هرگونه که درباره آنها تصور می کنند واقعیت این است که آنها نزد الله رب العزت از مرتبه ای والای برخوردارند و به تعبیر آن حضرت ﷺ چراغ هدایت به شمار می آیند. آنها با فراست ایمانی، خودشان را از هر فتنه و فساد کنار می کشند. اللهم اجعلنا منهم.



سزای حمایت و نصرت کردن مسلمان

با وجود داشتن قدرت

(۱۸) و عن أنس رضی اللہ عنہ عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم قال: «من اغتیب عنده أخوه المسلم وهو يقدر على نصره فنصره... الله في الدنيا والآخرة فإن لم ينصره وهو يقدر على نصره أدركه الله في الدنيا والآخرة»^۱

از حضرت انس رضی اللہ عنہ روایت است که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد فرمودند: «اگر در نزد کسی غیبت برادر مسلمانش شود و او با وجود قدرت از او دفاع کند (یعنی کسی که غیبت می‌کند از طرف برادر مسلمان خود جواب او را بدهد) در دنیا و آخرت الله تعالی او را کمک می‌فرماید و اگر با وجود قدرت از او دفاع نکرد در دنیا و آخرت مؤاخذه خواهد شد».

هر شخصی که به برادر مسلمان خود کمک کند رحمت و نصرت خداوند متعال متوجه او می‌شود بر ای کمک و امداد رسانی طریقه‌ها و فرصت‌های مختلفی وجود دارد همانطوری که در حدیث شریف آمده است که اگر در جایی غیبت برادر مسلمان کرده شود اگر قدرت حمایت از او را دارید. پس حتماً حمایت او را بکنید و اگر نکردید در دنیا و آخرت مورد مواخذه قرار می‌گیرید.

در یک حدیث ارشاد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم است هر کس هنگامی که آبروی مسلمانی در خطر است به او کمک نکند وقتی او نیز احتیاج به کمک داشته باشد خداوند از کمک به او اعراض خواهد کرد و اگر کمک و مدد بکند آنگاه الله تعالی همچنان او را کمک و نصرت می‌فرماید.

از حضرت معاذ بن انس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: کسی که برادر مؤمن خود را در مقابل منافق حمایت کرد در روز قیامت الله تعالی فرشته‌ای را می‌فرستند که او را از آتش دوزخ نجات بدهد و هر کس برادر مسلمان خود را عیب جویی کرد الله تعالی او را بر پل صراط نگاه خواهند داشت تا عذاب ببیند یا که (برادر خود را راضی کرده حرفش را پس بگیرد.) (مشکوۃ شریف)

از حضرت ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: مسلمان، برادر مسلمان است نه بر او ظلم کند و نه در وقت فقر از او دوری کند و هر مسلمانی که در رفع حاجت مسلمانی دیگر مشغول باشد الله تعالی برای رفع حاجت او مشغول می‌شوند و هر مسلمانی که غم مسلمان دیگر را دور کند الله تعالی در روز قیامت غم و اندوه را از او دور می‌سازد. و هر کسی پرده پوشی مسلمان را کرد الله تعالی پرده پوشی او را در روز قیامت خواهند کرد.^۱

این احادیث را در مقابل خود قرار دهید و با رفتارهای خود مقایسه کنید و ببینید آیا هنگام ضرورت، ما مدد برادر مسلمان خود را کرده‌ایم و آیا مستحق رحمت خداوندی قرار گرفته‌ایم یا اینکه مسلمانی را در مصیبت دیده خوشحال شده‌ایم و برای رفع مصیبت او چاره سازی نکرده‌ایم و یا او را بیشتر پریشان نموده‌ایم؟!



زمانی که فساد و پلیدی زیاد شود

با وجود انسانهای نیک هلاکت و نابودی خواهد آمد

۱۹) وعن زینت بن جحش رضی الله تعالی عنها قالت (بعد ذکر القصة) فقلت یا رسول الله أفهلک و فینا الصالحون؟ قال: «نعم إذا کثر الخبیث»^۱
حضرت ام المؤمنین زینت بنت جحش رضی الله تعالی عنها بیان فرمودند که من از رسول اکرم ﷺ سوال کردم آیا هلاکت خواهیم شد در حالیکه در میان ما صالحین وجود دارند؟ رسول اکرم ﷺ جواب دادند که: «بله، زمانی که فساد و پلیدی زیاد شود».

از این حدیث معلوم شد که اگر فساد و پلیدی غالب شود از نیکی کردن افراد جلوی نابودی و هلاکت گرفته نمی شود یعنی اگر پلیدی فسق و فجور و گناهان کبیره زیاد شوند و بندگان نیک خداوند خیلی کم باشند اگر نابودی و هلاکت آمد اینجا اینطور نیست که نیکوکاران نجات کنند و گناهکاران را هلاک سازند بلکه بر همه آنها مصیبت خواهد آمد در روایت بخاری و مسلم آمده است: «إذا نزل الله بقوم عذاباً کان فیهم ثم بعثوا علی أعمالهم»^۲

«هر وقتی الله تعالی برای قومی عذاب نازل می فرماید عذاب همه را در بر می گیرد بعد هر شخص مطابق اعمال خود حشر خواهد شد».

یعنی در مصیبت عمومی همه گرفتار خواهند شد بعد از آن در قیامت بر طبق نیت و عمل، اجر داده خواهند شد «إن خیراً فخیراً و إن شراً فشر» معلوم می شود که کثرت گناهان و نافرمانیها اسباب ویژه ای هستند که عذاب عمومی

۱- رواء البخاری و مسلم

۲- مشکوٰۃ شریف باب الخوف و البلاء

سرازمی کنند، و آن عذاب معمولی هم نخواهد بود بلکه چنان خواهد بود که نیک و بد هر دو را نابود و هلاک خواهد ساخت. به هر حال سزای گناه، خیلی بد و خطرناک است نجات از آفات، عذاب و مصائب دنیا و آخرت زمانی نصیب می شود که ما خودمان از محرمات دوری کنیم و دیگران را هم از نافرمانیها بازداریم.

تا اینجا آن احادیثی گفته شدند که عوامل مصیبتها بودند و حال به بیان احادیثی می پردازیم که در آنها ذکر علاج مصائب است.

به وسیله نماز و صبر، از خداوند کمک بخواهید

۲۰) «و عن حذیفه رضی الله عنه قال: کان النبی صلی الله تعالی علیه و سلم إذا حذبه أمر صلی»^۱

حضرت حذیفه رضی الله عنه می فرماید که این عادت شریفه سرور دو عالم صلی الله علیه و آله بود که هر مشکلی پیش می آمد به طرف نماز متوجه می شدند.

و در قرآن شریف ارشاد است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ «ای اهل ایمان کمک بخواهید به سبب صبر و نماز بدون شک الله تعالی با صابران است». در شریعت اسلام درجه نماز بسیار بلند است کامیابی دنیا و آخرت الفت و محبت داشتن با نماز فرض و نوافل وابسته است. رسول الله صلی الله علیه و آله برای درمان هر مشکلی نسخه نماز را تجویز فرموده اند. بطور مثال برای رفع هر مشکل به ادای نماز دستور داده اند، مثلاً برای طلب باران، در عیدین، قبل از شروع سفر، بعد از سفر، برای خورشید



گرفتگی، اگر کسی مظلومانه به قتل می‌رسد در تمام این صورتها به نماز باید روی آورد. علاوه بر نماز فرایض نمازهای اشراق، چاشت، اوایلین، تهجد، بعد از وضو گرفتن، تحیه الوضو، داخل شدن به مسجد غرض اینکه برای هر مؤمن نماز دارای اهمیت ویژه‌ای است.

از آیه قرآن پاک معلوم می‌شود که به سبب نماز از الله جل جلاله کمک بخواهید و از حدیث شریف و طرز عمل رسول اکرم ﷺ نیز معلوم شد که رسول الله ﷺ در هر مشکل فوراً به سوی نماز می‌شتافتند.

نضر بن عبدالله بیان فرمودند که یک بار خورشید گرفتگی شد من به خدمت حضرت انس رضی الله عنه رسیدم و پرسیدم که در زمان رسول اکرم ﷺ چنین حالتی پیش آمده بود ایشان جواب دادند بله در چنین مواقعی بسوی نماز می‌شتافتند و علاوه بر آن در آن زمان اگر باد تندی می‌وزید، از ترس آمدن قیامت همه مردم به طرف مسجد می‌دویدند. این عادت عهد نبوت است و دستور الله تعالی و ارشاد رسول اکرم ﷺ نیز همین است که برای نجات از معصیت و رسیدن به نعمت به طرف نماز بشتابید، این دستوری که خالق کائنات جل شانہ، خاطر نشان ساختند که راه سعادت همین است و بس به این معنا نیست که هنگام فرا رسیدن مصائب و مشکلات صرفاً نمازهای فرض با اهتمام برگزار شوند بلکه چنین حالتی همراه با اقامه فرائض نمازهای نفلی نیز به کثرت خوانده شود و مکرراً در بارگاه پروردگار در نماز پیشانی نیاز گذاشته شود اما حال طوری شده که در خوشحالی و غم نوافل بجای خود که نمازهای فرض ضائع می‌شوند. حال بفرمایید چگونه می‌توان از مصایب نجات یافت؟ صبر هم نعمت بسیار بزرگی است در یک حدیث ارشاد است:

«و ما أعطی أحد عطاء هو خیر و أوسع من الصبر»^۱

«الله تعالی هیچ کسی را چیزی بهتر و زیاده‌تر از صبر بخشش نفرموده‌اند». درجه صبر خیلی بزرگ است بقیه نعمت‌ها در آرامش و راحت به کار خواهند آمد ولی نعمت صبر در موقع مصیبت در کنار انسان خواهد بود بخاطر همین است که این را از بقیه بخششها بهتر قرار داده است. در مصیبت صبر کردن و امید ثواب داشتن نسخه بسیار سودمند است در یک حدیث ارشاد است:

«أفضل العباد إنتظار الفرج»^۲

«افضل‌ترین عبادت انتظار برای رفع مشکلات است».

بنده مؤمن موقع آمدن مشکلات صبر می‌کند داد و فریاد نمی‌کند و بر الله پاک اعتراض نمی‌نماید. در این چنین حالتی دل او سکون و اطمینان حاصل می‌کند و مصیبت فوراً از او برطرف می‌شود و بخاطر صبر بر مصیبت به او اجر و ثواب خواهد رسید.

هر انسانی که در حالت مصیبت ترسیده و داد و فریاد سر دهد و به ذات پروردگار اعتراض کند اینچنین انسانهایی از مصیبت‌رهایی نمی‌یابند و در دل آنها سکون و اطمینان پیدا نمی‌شود بعضی از انسانها در حالت مصیبت ذات پروردگار را حرفهای بد و زشت می‌گویند که به سبب آن کافر می‌شوند و دولت ایمان را از دست می‌دهند. مصیبتی که آمدنی بود خواهد آمد و از نماز، صبر و دعا دور می‌شود از داد و فریاد دور نمی‌شود پس از وحشت و بی‌صبری چه فایده حاصل می‌شود؟ بر مصیبت باید صبر کنیم و بر آن از ذات الله تعالی



امید ثواب داشته باشیم و انسان عاقل از مصیبت‌ها چیزهای باارزش کسب می‌کند و کسی که بی‌صبری می‌کند و امید اجر و ثواب را نداشته باشد او مصیبت را می‌بیند و از اجر و ثواب محروم هم می‌شود. «فإنما المصاب من حرم الثواب» مصیبت‌زده اصلی آن کسی است که از ثواب محروم باشد.

از حضرت صهیب رضی الله عنه روایت است رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: مؤمن حال عجیبی دارد و هر حال او بهتر است و بغیر از مؤمن برای کسی دیگر نصیحت نیست اگر برای مؤمن خوشی میسر شد شکر می‌کند و این برای او بهتر است و اگر مشکلی آمد صبر می‌کند این برای او بهتر است صبر و شکر دو نعمت بسیار بزرگ هستند که بوسیله آن بندگان مؤمن دنیا و آخرت خود را درست می‌کنند و بیشتر مستحق رحمت و نعمت خداوند می‌شوند.

وعدده الله تبارک و تعالی برای کسی که

نماز اشراق و چاشت را می‌خواند

(۲۱) وعن أبي الدرداء و أبي ذر رضي الله تعالى عنهما قالا: قال رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم عن الله تبارک و تعالی انه قال: «يا ابن آدم اركع لی أربع ركعات من أول النهار أكفك آخره»^۱

از حضرت ابودرداء و حضرت ابوذر رضی الله تعالی عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که «الله تبارک و تعالی می‌فرماید ای انسان تو برای من در شروع اول چهار رکعت (نماز نفل) ادا کن من تا آخر روز برای تو کافی هستم».

و عده الله تعالى است که هر شخصی صبح زود قبل از (برآمدن خورشید) چهار رکعت نماز خالصانه برای الله پاک ادا کند در تمام آن روز خداوند قدوس حاجتها و مشکلاتش را رفع خواهد نمود و این فضیلت هم در وقت اشراق با خواندن چهار رکعت نماز نفل به دست می آید و از خواندن نماز چاشت هم حاصل می شود بخاطر اینکه این هر دو نماز در اول روز خوانده می شوند بعضی از بزرگان این را تجربه کرده اند که از خواندن نماز چاشت با پایبندی در رزق تنگی پیدا نمی شود.

در یک حدیث ارشاد است که هر کس نماز فجر را با جماعت ادا کند بعد از همان جا تا طلوع آفتاب بنشیند و به ذکر خداوند مشغول شود و بعد از آن دو رکعت نماز بخواند الله تعالى او را به اندازه یک حج و یک عمره ثواب می دهد با تأکید سه مرتبه فرمودند که کاملاً ثواب یک حج و عمره به او داده می شود. (ترمذی شریف)

همچنین ارشاد فرمودند که برای هر عضو بدن روزانه بطور شکرانه صدقه لازم است پس گفتن «سبحان الله» صدقه است و «الحمد لله» صدقه است و «الله اکبر» صدقه است یعنی خواندن اینها برابر با صدقه می باشد و امر به معروف صدقه است و نهی عن المنکر صدقه است و بجای همه خواندن نماز چاشت کافی می باشد. (مسلم شریف)

فایده عظیم دعا و آداب آن

(۲۲) و عن ابن عمر رضی الله تعالی عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «إن



الدعاء ينفع مما نزل و مما لم ينزل، فعليكم عباد الله بالدعاء»^۱

از حضرت ابن عمر رضی الله تعالی عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «دعا قبل از آمدن مصیبت مفید است اگر مصیبتی هم نیاید باز هم سودمند می باشد لهذا ای بندگان خدا حتماً دعا کنید».

مقصود این است که به سبب دعا آن مصیبت که آمدنی است دور می شود و آن مصیبتی که آمده است آن هم به سبب دعا دور می شود.

در فرمان آن حضرت ﷺ که دعا سودمند و نافع می باشد جای هیچ شک و تردید وجود ندارد اما این مسئله را در نظر بگیریم برای ثمربخش بودن دعا شرائط و آداب دعا را رعایت کنیم مثلاً (۱) از رزق حرام باید پرهیز کرد؛ (۲) برای گناه یا قطع رابطه خویشاوندی نباید کرد؛ (۳) برای قبول شدن دعا یقین کرد باید؛ (۴) برای قبول شدن دعا نباید عجله کرد؛ (۵) در زمان آسایش دعا کردن سبب می شود که در زمان پریشانی دعا قبول شود؛ (۶) در اول و آخر دعا تعریف الله تعالی را نمودن و برای رسول راستگو درود شریف فرستادن؛ (۷) آن دعاهایی را اختیار کنیم که از رسول اکرم ﷺ منقول هستند و غیر ذلک؛ دعا‌های عامیانه زیاد هستند که بعضی مطابق قواعد شرعی نیستند.

یک شرط بزرگ برای قبولیت دعا این است که دل را حاضر کرده و دعا خواسته شود در یک حدیث ارشاد است: از الله پاک دعا بخواه در حالی که در دل تو یقین قبولیت باشد و بدان که الله رب العزت دعای دل غافل را قبول نمی فرماید. (ترمذی) یعنی در خواستن دعا دلی که بطرف آن متوجه نیست و در کارهای مادی خود مشغول است و با زبان بر طبق عادت الفاظی را بیرون



می‌کند این نوع دعا لیاقت قبولیت را ندارد در این زمان حالت دعاکنندگان به همین صورت است همانطوری که در نماز حضور قلب نیست به همین صورت در دعا هم قلب حاضر نیست.

کوتاهی خیلی بزرگ در ما این است که در وقت مصیبت بیاد دعا می‌افتیم و در عیش و خوشی دعا فراموش می‌شود از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: هر کسی که می‌خواهد خداوند دعای او را در حالت سختی و مصیبت قبول نماید پس او باید در حالت خوشی و آسایش خوب و با کثرت دعا بخواند. (ترمذی شریف)

دعا دولت بسیار بزرگی است در یک حدیث ارشاد است: «الدُّعَاءُ مُمُّ الْعِبَادَةِ» یعنی: دعا مغز عبادت می‌باشد.

در یک حدیث ارشاد است که: هر کسی به درگاه الله تعالی دعا نمی‌کند، الله تعالی بر او خشمگین می‌شوند. (مشکوٰۃ)

از حضرت ابوسعید روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: هر مسلمانی به درگاه الله تعالی دعا کند و در آن گناه و قطع رحم نباشد الله تبارک و تعالی از سه چیز یکی را حتماً عنایت می‌فرماید: (۱) دعای او را قبول فرموده و فوراً آرزویش را برآورده می‌کنند، (۲) یا دعایش را در آخرت ذخیره نموده و محفوظ می‌دارند، (۳) و یا مصیبت را که آمدنی است تا دیر نگاه می‌دارند. صحابه رضی الله عنهم عرض کردند که در این صورت ما خیلی دعا می‌کنیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: که (فضل) الله تعالی خیلی زیاد است (مشکوٰۃ عن احمد) هر چقدر که می‌خواهید، بخوانید که در آنجا هیچ چیز کمی وجود ندارد.

خلاصه در خوشی، رنج، مشقت، آسودگی و راحتی که در هر حال و



همیشه و هر چیز کم یا زیاد را فقط از خداوند بخواهید. محبوب رب العالمین علیه السلام فرمود: هر حاجتی دارید از الله پاک بخواهید حتی که اگر تسمه کفش شما پاره شده آن را هم از خداوند درخواست کنید و در یک روایت آمده است که حتی نمک را هم از الله پاک بخواهید. (مشکوٰۃ عن الترمذی)

با شکرگزاری بر نعمت‌ها افزوده می‌شود

۲۴- و عن جابر رضی الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «أفضل الذكر لا إله إلا الله وأفضل الدعاء الحمد لله»^۱

از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «از تمام اذکار افضل ذکر لا اله الا الله است و از تمام دعاها افضل دعا الحمد لله است»

در این حدیث پاک «لا اله الا الله» را از تمام اذکار افضل فرموده‌اند «الحمد لله» را از تمام دعاها افضل شمرده‌اند. «لا اله الا الله» از بقیه اذکار بخاطر این افضل است که بیانگر عقیده بنیادی اسلام است اگر ایمان نباشد هیچ ذکر و وظیفه و عبادتی قبول نخواهد شد. لذا جمله‌ای که با آن اظهار و اعلام ایمان می‌شود باید افضل همه قرار بگیرد.

حضرت «موسی» علی نبینا و علیه الصلوٰۃ و السلام به بارگاه «الله» جل جلاله عرض کرد مرا ذکر تعلیم دهید که با آن شما را یاد کنم و صدا زم الله تعالی ارشاد فرمودند که: «لا اله الا الله» بگو عرض اکرد: پروردگارا! همه جهانیان این را می‌گویند. خداوند متعال (دوباره) ارشاد فرمودند: «لا اله الا

الله» بگو، عرض کرد، یا رب العالمین! می خواهم که فقط مخصوص من باشد. الله تعالی ارشاد فرمودند ای موسی! اگر هفت آسمان و هفت زمین در یک کف ترازو گذاشته شوند و در کف دیگر «لا اله الا الله» قرار داده شود کفه ای که در آن «لا اله الا الله» قرار دارد سنگین خواهد شد. (شرح السنة)

بعد از «لا اله الا الله» این را ارشاد فرمودند که «الحمد لله» از دعاهاى دیگر افضل می باشد. معنی «الحمد لله» این است که تمام تعریفها فقط برای الله تعالی هستند و انعامات و احسانات الله تعالی بر بنده هایش بی شمارند. بندگان مومن الله تعالی نعمت های الله تعالی را همیشه در نظر داشته و در حالت اختیار و اضطرار، الحمد لله گفته و بلند می شوند و شکر الله تعالی را ادا می کنند. در مقابل، الله تعالی در نعمت هایش بیشتر اضافه می فرماید و اگر بنده ناشکری کند پس او را از نعمت هایش محروم می سازد. همانطور که در سوره ابراهیم ارشاد است:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾

«و آن وقت که خبردار ساخت پروردگارش که اگر شکر کنید زیاده دهم شما را و اگر ناسپاسی کنید هر آئینه عذاب من سخت است».

پس وقتی که از ادا نمودن شکر در نعمت اضافه می شود خود الحمد لله شکر می باشد از گفتن این کلمه بر نعمت ها افزوده خواهد شد و از گفتن این کلمه شکر هم ادا می شود و مطالبه نعمت هم خواهد شد بخاطر همین الحمد لله افضل الدعاء قرار داده شد در حدیث ارشاد است: «الحمد رأس الشکر ما شکر الله عبد لا یحمده»

«حمد ریشه شکر است آن بنده ای که حمد نمی گوید پس او شکر گزار الله

تعالی نیست»

از آیه ذکر شده بالا به طور واضح معلوم می شود که شکر کردن سبب اضافه شدن نعمت ها می شود و ناشکری سبب کم شدن نعمت ها خواهد بود. ابن کثیر در تفسیر ﴿إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ فرموده اند: و ذلک بسببها عنهم و عقابه ایاهم علی کفرها

یعنی بخاطر ناشکری وعید و عذاب شدید را اشاره فرموده عذاب آشکار می شود که خداوند متعال نعمت هایش را پس می گیرند و بخاطر ناشکری آنها را مجازات می کند.

الله تعالی مردم سرزمین «سبا» را از نعمت های زیادی بهره مند فرموده بودند آنها ناشکری نعمت های خداوند را کردند لذا الله تعالی نعمت های خود را از آنها پس گرفتند، که شرح آن در سوره «سبا» رکوع دوم آمده است، خداوند متعال ارشاد می فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَآ فِيْ مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتِ عَنْ يَمِيْنٍ وَ شِمَالٍ كُلُّواْ مِنْ رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوْا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُوْرٌ﴾

«هر آنینه بود قوم سبا را جای ماندن ایشان نشانه مرایشان را بود و بستان از جانب راست و از جانب چپ گفتیم بخورید رزق پروردگار خویش را و شکر گوئید او را شما را شهری است پاکیزه و پروردگار آمرزنده»

﴿فَاَعْرَضُوْا فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِیْ اُكُلٍ خَمْطٍ وَاَثَلٍ وَ شِیْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيْلٍ ذٰلِكَ جَزَآئُهُمْ بِمَا كَفَرُوْا وَ هَلْ نُجْزِیْ اِلَّا الْكَفُوْرَ﴾

«پس رو گردانیدند پس فرستادیم بر ایشان سیلی تند و عوض دادیم اوشان را به جای دو بوستان ایشان بوستانی دیگر خداوند میوه‌های بدمزه و درخت گز و چیزهای اندک از درخت، کنار این سزا دادیم ایشان را به سبب ناسپاسی ایشان و سزای بد نمی‌دهیم مگر ناسپاس را»

در ملک «سبا» پادشاهی برای جمع کردن آب، سد بسیار بزرگی درست کرد که آب‌های خیلی زیادی در آن جمع می‌شدند و از آن سد نهرهای کوچکی بیرون آورده بودند که در تمام سال به سبب آن باغات و زمین‌های کشاورزی آبیاری می‌شدند و باغات هم در دو طرف جاده درست شده بودند و خانه‌ها و روستاها نزدیک به هم متصل بودند و مسافران در هر جایی و در هر وقتی که می‌خواستند مکان استراحت و غذا فراهم بود، و به سبب نزدیک بودن روستاها، امنیت و آرامش نیز برقرار بود؛ و آب و هوای پاکیزه‌ای داشت. وقتی که مردم بجای شکرگزاری و اطاعت دست به نافرمانی و معاصی زدند وقت عذاب آمد سد شکست و در بعضی از روایتها آمده است که الله تعالی برای شکستن سد از موشهای آبی کار گرفتند آنها داخل سد را سوراخ کرده که آن سوراخها کم‌کم بزرگتر شدند و به سبب آن سد شکست و تمام باغات و کشاورزی آنها را تباہ و برباد کرد زمانی که آب سد خشک شد بجای آنها درخت گز و کنار روید. بعضی از مردم هلاک شدند و بعضی دیگر پراکنده شدند.

در تفسیر ابن کثیر آمده است که وضع باغات مردم سبا اینطور بود که یک زن برای آوردن میوه از داخل باغ یک سبد را بر سر خود می‌گذاشت و داخل باغ می‌رفت از راه رفتن در داخل باغ آن سبد پر از میوه می‌شد. یعنی از کثرت میوه‌ها بر روی درختها لازم نبود که با تکان دادن یا با چوب میوه‌ها را از روی



درختها پایین بیاورند. خود به خود از درختها میوه‌ها بر روی زمین می افتادند. این انعام الله تعالی بر آنها بود و حتی مگس، پشه و هیچ نوع کرمی در آبادیهای آنها وجود نداشت. الله تعالی بر آنها مهربانی فرمودند تا که آنها بنده‌های موحدی شوند و در عبادت الله تعالی مشغول شوند و به آنها حکم شده بود که رزق رب خود را بخورید و شکرگزار او باشید اما آنها صورت خود را از طرف الله تعالی برگرداندند و در ناشکری مشغول شدند که بسبب ناشکری آنان، آن نعمت‌ها از آنها گرفته شدند کما قال الله تعالی ﴿وَهَلْ نُجْزِي إِلَّا الْكَفُورَ﴾ در سوره نحل الله تعالی ناشکری یک شهری را و انجام آن را یادآوری می فرماید چنانکه ارشاد است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾^۱

«و بیان کرد خدا داستان دیهی که بود ایمن آرمیده می آمد به او روزی او به کشاورزی از هر جای پس ناسپاس کرد به نعمت‌های خدا پس چشانیید او را خدا پوشش گرسنگی و ترس به سبب آنچه می کردند»
بیان مفسرین است که این آیت شریفه در مورد اهل مکه ذکر شده است. برای اهل مکه همیشه انعامات و احسانات الله تعالی بوده آنها همیشه در شادی و آرامش بوده‌اند برای تجارت در طول سال دو سفر انجام می دادند و وسایل خورد و خوراک و وسایل زندگی آنها مهیا بود و مردم برای زیارت بیت الله شریف، از مناطق مختلف می آمدند و همراه با خود نعمت‌های زیادی

می آوردند و در همانجای می گذاشتند و بخاطر حرمت و عزت کعبه هیچ قبیله‌ای به مردم مکه حمله نمی کرد.

بخاطر همین اهل مکه خیلی با خوشحالی و در امنیت و آرامش زندگی می کردند و با فراغت خوب خورد و نوش داشتند. و الله رب العزت نبی آخر الزمان حضرت محمد رسول الله ﷺ را مبعوث فرمودند: آنحضرت ﷺ پیامبر تمام بشریت هستند. (در قرآن پاک هم اعلام شده است) اما در ابتدا کار نبوت را آنحضرت ﷺ از وطن خود مکه معظمه شروع فرمودند. اهل مکه بجای اینکه به توحید معترف شوند و اطاعت نبی آخر الزمان را انجام دهند. از رسول الله ﷺ روگردان شدند و رسول خدا ﷺ را آزار رساندند و مخالفت را شروع کردند و به طرف نعمت های خداوند هیچ توجهی نکردند و به کفر و کفران نعمت مشغول شدند به همین سبب رسول اکرم ﷺ و اصحاب گرانقدر مجبور شدند مکه را ترک نمایند. و مدینه منوره را برای خودشان دارالهجرت قرار دهند و مردم مکه از آنها دست بردار نشدند و پشت سر آنها به مدینه آمده و جنگ و خونریزی را شروع کردند. رسول اکرم ﷺ در حق آنها دعای قحط فرمودند و در مکه چنان خشکسالی آمد که مردم آنجا سخت در گرسنگی و تنگدستی مبتلا شدند در نزد آنها هیچ چیزی برای خوردن نماند تا جایی که پوست شتر و استخوانها را هم می خوردند. این مصیبت به سبب کفر و کفران نعمت آمد. ﴿فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾

خلاصه این که ناشکری، نعمت ها را از بین می برد و زندگی را بدتر می کند و بخاطر افراد ناسپاس، نعمت های الهی سلب می شوند و برای بندگان شکرگزار در نعمت ها اضافه می شود.



حقیقت شکر و ناشکری چیست؟ در این رابطه از اکابر امت اگر چه اقوال مختلفی نقل شده است اما معنای همه یک چیز است. علامه ابن کثیر در تفسیر ﴿لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ چنین فرموده‌اند:

أى إذا اقمتم بما أمرکم الله من طاعته بأداء فرائضه و ترک محارمه و حفظ حدود فلعلکم ان تكونو من الشاکرین^۱

یعنی: فرمان الله تعالى را اطاعت کنید و فرائض او را ادا کنید. از چیزهای حرام اجتناب کنید و حدود خدا را حفظ کنید در چنین صورتی شما از شاكران خواهید بود.

نیز علامه ابن کثیر در تفسیر ﴿وَكَانَ الْإِنْسَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ نوشته‌اند: أى جحوداً لأنه أنکر نعمة الله عليه و لم يعمل بطاعته بل أقبل على معصيته و مخالفته^۲

یعنی انسان انکار کننده نعمت‌ها است چونکه فرمان برداری الله تعالى را نمی‌کند؛ بلکه در مخالفت و نافرمانی او مشغول است.

حضرت امام غزالی رحمته الله در «منهاج العابدین» نوشته‌اند:

و أما الشکر فتکلموا فی معناه و أكثروا فعن ابن عباس رضی الله عنهما انه قال: الشکر هو الطاعة بجميع الجوارح لرب الخلائق فی السر و العلانية و إلى نحوه ذهب بعض مشائخنا فقال: الشکر هو أداء الطاعات فی الظاهر و الباطن ثم رجع إلى أنه اجتناب المعاصی ظاهراً و باطناً (إلى أن قال:): إن أقل ما يستوجب المنعم بنعمة أن لا يتوصل بها إلى معصية و ما أتبع حال من

۱- ذکره فی تفسیر آیات الصوم

۲- ذکر فی تفسیر بنی اسرائیل ع ۲

جعل نعمة المنعم سلاحاً علی عصیانہ

معنی شکر را علماء به صورتهای مختلفی بیان فرموده‌اند. چنانکه از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما روایت است به روشهای ظاهری و باطنی با تمام اعضاء و جوارح، فرمانبرداری پروردگار عالم را ادا کردن شکر نام دارد. بعضی از مشایخ هم اطاعت ظاهری و باطنی را در ادا کردن شکر بیان فرموده‌اند و به الفاظ دیگر چنین گفته‌اند: ظاهر و باطن را از گناهان پاک داشتن شکر نام دارد. حضرت امام غزالی رحمته الله فرموده‌اند این بدترین درجه است که به کسی که نعمت داده شد او آن نعمت را در جهت نافرمانی او به مصرف برساند و حقیقتاً جای تعجب است آن نعمت‌هایی را که به او داده شده است او بجای تشکر، اسلحه ناشکری و نافرمانی را بر دوش بگیرد.

از تمام این مطالب معلوم شد که نعمت‌های داده شده خداوند همانند مثل دولت، عزت، رخصت، شهرت، منصب، عظمت، مسئولیت و مقام را اگر در مسیر طاعت و عبادت صرف شود ولی استفاده کردن از نعمت‌های خدادادی و سپس ناسپاسی نمودن ناشکری محض است. بدترین ناشکری این است که نعمت‌هایی که خداوند عطا نموده آن نعمت‌ها را در نافرمانی خداوند بکار ببریم. مردمان این زمانه با ورد کردن الحمد لله و بدست گرفتن تسبیح فکر می‌کنند که حق شکر را ادا کرده‌اند در حالی که چنین نیست؛ اگر ما هزاران تسبیح ورد کنیم اما ریش را تیغ بزنیم، نمازها را ضائع کنیم، زکات را ندهیم و حج بیت الله را که بر ما فرض شده انجام ندهیم در ماه رمضان، ماه رمضان را روزه نگیریم شکر نکرده‌ایم.

وضعیتی که در جامعه فعلی رواوج دارد این است که جوانان در ماه رمضان همانند بقیه ماهها در خورد و نوش مشغول‌اند، پول و سرمایه در



خریدن تصویر و موسیقی صرف می‌شود و در سینماها و خریدن لباس‌های ناجایز صرف می‌شود. معامله ربوی و کارهای خلاف عفت رواج دارد و اعضاء و جوارح از قبیل بینی، چشم، دل و مغز و دست و پا و این همه نعمت‌های خدادادی در امور گناه استعمال می‌شوند.

برای چنین انسانهای ناسپاسی چگونه نعمت‌ها سرازیر شوند؟! و اینها چطور مستحق زندگی خوب باشند؟! به سبب آفات مختلف این نعمت‌ها که از انسان گرفته می‌شوند سزای ناشکری است با این همه معصیت و نافرمانی اگر باز هم مورد انعام و احسان قرار می‌گیریم از فضل و کرم اوست.

برکات تلاوت قرآن مجید

۲۳) و عن أبي سعيد رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ «يقول: الرب تبارك و تعالی: من شغله القرآن عن ذكری و مسئلتی أعطيته أفضل ما أعطی السائلین و فضل كلام الله على سائر الكلام كفضل الله على خلقه».^۱

از حضرت ابوسعید خدری رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که: «هروردگار عالم می‌فرماید: هر شخصی که به علت مشغول بودن با قرآن فرصت ذکر و دعا نداشته باشد، من او را از همه سوال کنندگان (دعا کنندگان) بیشتر عطا می‌کنم و برتری کلام الهی بر سایر کلامها همانند برتری خود خداوند متعال بر تمام مخلوقات است».

یعنی کسی که به یادگیری و یادداشتن و فهمیدن قرآن به حدی مشغول شده باشد که برای دعا و غیره وقت نداشته باشد، من از دعا کنندگان چیزهای بهتری



به او عطا خواهم کرد.

(۲۴) وعن عطاء بن أبي رباح رضی اللہ عنہ قال بلغني أن رسول الله ﷺ قال: من قرأ يس في صدر النهار قضيت حوائجه»^۱

حضرت عطاء بن ابی رباح رضی اللہ عنہ (تابعی) بیان می فرمایند که به من این حدیث رسول اکرم ﷺ رسیده است که: «هر شخصی در آغاز روز (یعنی صبح) سوره یس را تلاوت کند تمام حاجات او را الله تعالی تکمیل می کند».

(۲۵) وعن ابن مسعود رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: «من قرأ سورة الواقعة في كل ليلة لم تصبه فاقة أبدا» وکان ابن مسعود یا مرناتہ یقرآن بها فی کل لیلہ»^۲

حضرت ابن مسعود رضی اللہ عنہ می فرمایند که ارشاد رسول اکرم ﷺ است که: «هر شخصی سوره واقعه را هر شب بخواند، هرگز به او فقر و تنگدستی نمی رسد». ابن مسعود رضی اللہ عنہ به دختران خود امر می کرد که هر شب این سوره را بخوانند. در بعضی از روایت ها آمده است که حضرت ابن مسعود رضی اللہ عنہ با یقین کامل می فرمودند که در خانه من چطور فقر می آید که دختران من سوره واقعه را می خوانند؟!

در یک حدیث سوره واقعه را سوره الغنی فرموده اند. (مستخب کنز العمال)

در یک حدیث از سید البشر رسول اکرم ﷺ نقل شده که روز قیامت به صاحب قرآن گفته می شود قرآن مجید را بخوان و به درجات جنت بالا برو و با ترتیل و آهسته آنچنان که در دنیا می خواندی، بخوان که منزل تو جایی است



که به آخرین آیه قرآن برسی. (رواه احمد)

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می فرماید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند کسی که در دل او چیزی از قرآن نباشد مانند خانه ویرانه ای است. حضرت ابن مسعود رضی الله عنه می فرماید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: هر کسی حرفی از قرآن مجید بخواند برای او در عوض آن یک نیکی است و یک نیکی در ثواب برابر با ده نیکی خواهد بود من نمی گویم که آلم یک حرف است بلکه الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است. (ترمذی عن ابن مسعود)

حضرت معاذ جهنی رضی الله عنه می فرماید که، رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: هر کس قرآن مجید را بخواند و بر آن عمل کند، روز قیامت بر سر پدر و مادرش چنان تاجی نهاده می شود که روشنایی آن از روشنی خورشید بیشتر خواهد بود اگر آن خورشید در خانه های شما باشد.. حالا چه گمان می کنید برای کسی که خودش بر آن عمل کرده باشد. (رواه احمد)

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که هر چیز دلی دارد و دل قرآن پاک سوره «یس» را فقط برای رضا و خشنودی الله تعالی بخواند، تمام گناهان گذشته اش مغفرت خواهند شد لذا این سوره را بر مردگان خود بخوانید. در یک حدیث ارشاد آن حضرت صلی الله علیه و آله است که هر کس روز جمعه سوره کهف را بخواند در میان هر دو جمعه یک نور برای او روشن خواهد بود. (یعنی در دل او نورانیت خواهد بود) (بیهقی فی الدعوات الکبیر)

در یک حدیثی ارشاد است که هر کسی روز جمعه سوره آل عمران را بخواند تا آمدن شب فرشته ها برای او دعای رحمت می فرستند. (دارمی)



از رسول اکرم ﷺ ارشاد است که: روز جمعه سوره هود را بخوانید (ایضاً) از حضرت عبدالملک بن عمیر روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که در فاتحه الکتاب (یعنی سوره فاتحه) شفای هر بیماری است. (دارمی)

از حضرت ابن عباس رضی الله عنه روایت است که خاتم النبیین ﷺ ارشاد فرمودند که (سوره) اذا زلزلت برابر با نصف قرآن مجید است و سوره اخلاص قرآن مجید است و سوره اخلاص برابر ثلث قرآن مجید است و (سوره) کافرون برابر با ۱/۴ قرآن مجید است (ترمذی) در یک حدیثی است که (سوره) اذا جاء نصر الله ۱/۴ قرآن پاک است.

در یک حدیث ارشاد آنحضرت ﷺ است که سوره فتح برای من از تمام آن چیزهایی که خورشید بر آنها طلوع می کند محبوب تر است. (حصین)

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اقدس ﷺ ارشاد فرمودند در قرآن مجید چنان سوره ای وجود دارد که سی آیه است این سوره برای خواننده خود شفاعت می کند تا اینکه مغفرت کرده شود، این سوره «تبارک الذی» است. (مشکوة)

در حدیث دیگری است که این سوره سبب نجات از قبر می باشد و در مورد سوره الم سجده هم این فضیلت وجود دارد: آنحضرت ﷺ بفرموده از خواندن این دو سوره هرگز نمی خوابیدند. (مشکوة شریف)

حضرت ابوهریره رضی الله عنه می فرماید که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر کس به یک آیه از قرآن مجید گوش کند برای او دو برابر نیکی نوشته می شود و هر کس یک آیه تلاوت کند برای او روز قیامت نوری خواهد بود. (احمد)



از ذکر الهی در دل، اطمینان حاصل می شود

و سبب نجات از عذاب خواهد شد

(۲۶) و عن عبدالله بن عمر رضی الله تعالی عنهما عن النبی ﷺ انه کان یقول: «لکل شی صقالة و صقالة القلوب ذکر الله و ما من شیء أنجی من عذاب الله من ذکر الله قالوا و لا الجهاد فی سبیل الله قال و لا أن یضرب بسیفه حتی ینقطع»^۱

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: رسول خدا ﷺ فرمودند: «برای هر چیز صیقل دهنده ای وجود دارد و صیقل دهنده دلها ذکر الله تعالی است. و ذکر الله بزرگترین وسیله نجات انسان است و چیزی بالاتر از آن که از عذاب الهی دور نگه دارد وجود ندارد. صحابه عرض کردند آیا جهاد از ذکر بالاتر نیست؟ فرمود: خیر. اگر چه مجاهد شمشیر بزند تا اینکه شمشیرش بشکند».

از حدیث شریف معلوم شد که از عذاب دنیا و آخرت از تمام اعمال بزرگترین وسیله نجات ذکر الهی است. تلاوت کلام الله، سبحان الله، الحمد لله، الله اکبر، لا اله الا الله، لا حول و لا قوة الا بالله همه اینها ذکر هستند و به سبب اینها تمام پریشانیهای دور می شوند. از ذکر خداوند در دلها اطمینان پیدا می شود چنانکه در قرآن شریف ارشاد شده است: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۲ «آگاه شو! به یاد خدا آرام می گیرند دلها».

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر جماعت و گروهی که به یاد الله تعالی مشغول شوند،

فرشتگان از هر طرف آن گروه را احاطه می‌کنند و رحمت الله تعالی آنها را می‌پوشانند و بر آنان سکینه نازل می‌شود و خداوند متعال در بارگاه (و مجلس) خود، بطور فخر از آنها یاد می‌کند. (مسلم)

در یک حدیث ارشاد الله تعالی است: من با بنده خود طبق گمانی که نسبت به من دارد معامله و رفتار می‌کنم، و هرگاه مرا یاد کند من با او خواهم بود، پس اگر او مرا در دل خود یاد می‌کند من نیز در دل خود او را یاد می‌کنم و اگر او مرا در جمعی یاد می‌کند من نیز در جمعی بهتر از آن (یعنی: در جمع فرشتگان که معصوم و بی‌گناهند) او را یاد می‌کنم. (بخاری و مسلم)

از حضرت ام حبیبه رضی الله تعالی عنها روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: هر حرف انسان بر او و بال است، (چیزی به نفع او نیست) مگر امر به معروف و نهی از منکر یا ذکر خداوند متعال. (ترمذی)

یکی از اصحاب رضی الله عنه عرض کرد: یا رسول الله ﷺ! احکام شریعت بسیارند به من چنان چیزی نشان ده که من آنرا در دستور کار و مشغله خود قرار دهم، آنحضرت ﷺ فرمودند: با ذکر خدا هر وقت رَطْبُ اللسان باش (یعنی زبانت با نام خداوند تر و تازه باشد). (ترمذی)

در یک حدیث ارشاد آنحضرت ﷺ است شیطان دل انسان را در دست خود گرفته، هر وقت که انسان به یاد خداوند مشغول می‌شود او دور می‌شود و هر وقت که انسان در غفلت باشد، شیطان در دل انسان وسوسه می‌آورد. (مشکوٰۃ شریف)

در یک حدیثی ارشاد آن حضرت ﷺ است که اگر من سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگویم برای من محبوبتر از تمام چیزهایی



است که خورشید بر آنها طلوع می‌کند. (مسلم)

در یک حدیث است که آن حضرت علیه السلام فرمود: دو کلمه دارای چنان ویژگی هستند که بر زبان آسان و (در روز قیامت) بر ترازو خیلی سنگین و محبوب خداوند هستند اینها عبارت اند (سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظيم). (بخاری و مسلم)

در یک حدیث ارشاد است که «لا حول و لا قوة الا بالله» دوی نود و نه مریضی را شفا می‌بخشد که کمترین آن غم می‌باشد، یعنی غم در جلوی این کلمات هیچ حقیقتی ندارد، این غم و ۹۸ مریضی دیگر را با هم حساب بکنیم، این کلمات شفا بخش آنها هستند.

از حضرت مکحول روایت است، هر شخصی این کلمات «لا حول و لا قوة الا بالله و لا منجأ من الله الا الیه» را بگوید، الله تعالی هفتاد دروازه مشکلات را بر او می‌بندد که کمترین آن فقر می‌باشد.

حضرت انس رضی الله عنه بیان می‌فرماید، در هر زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را خبر ناراحت کننده‌ای می‌رسید این الفاظ را می‌خواندند، (یا حی یا قیوم برحمتک اُستغیث) (مشکوة شریف)

در ذکر یک شعبه مهم، درود شریف می‌باشد که به سبب آن نعمت‌های زیادی در دنیا و آخرت حاصل می‌شود، و سبب نجات از مصائب و پریشانیا خواهد بود، و غم از انسان دور می‌شود. از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: هر شخصی بر من یک مرتبه درود شریف بفرستد، الله تعالی بر او ۱۰ رحمت نازل می‌فرماید، و از نامه اعمالش ده گناه معاف می‌شود و ده درجه بر مقام او افزون می‌شود و برای او ده نیکی نوشته می‌شود. (حصن حصین)



حضرت ابی بن کعب رضی الله عنه عرض کردند یا رسول الله، من برای شما درود می فرستم شما بفرمایید که (از بقیه اذکار) چقدر درود مقرر بکنم؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: هر چقدر می توانی مقرر کن، من عرض کردم از بقیه اذکار ^۴۱ مقرر بکنم، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: هر چقدر می توانی مقرر کن، اگر بیشتر از آن مقرر بکنی برای تو بهتر است، من عرض کردم اگر نصف درود شریف و نصف دیگر بقیه اذکار مقرر بکنم چطور است؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند هر چقدر که می توانی مقرر کن، اگر بیشتر از این می توانی برای تو بهتر است، من عرض کردم اگر دو وقت درود شریف و یک قسمت بقیه اذکار را مقرر بکنم؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: هر چقدر که می توانی مقرر کن اگر بیشتر از این بتوانی برای تو بهتر است، من عرض کردم که خیلی خوب تمام وظیفه خود درود شریف را مقرر می کنم آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند که کفایت تمام تفکرات تو و کناره گناهان خواهد شد. (ترمذی)

حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه فرمودند که بلااستثناء دعا در میان زمین و آسمان معلق است به بالا نمی رود تا زمانی که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درود نفرستیم. (ترمذی)

حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه بیان می فرمایند که من در مسجد نماز می خواندم نبی اکرم صلی الله علیه و آله با ابوبکر همراه بودند، زمانی که من از نماز فارغ شدم و در حالت نشسته تعریف خداوند را شروع کردم و بعد برای نبی اکرم صلی الله علیه و آله درود فرستادم و بعد برای خودم دعا کردم، این ماجرا را نبی اکرم صلی الله علیه و آله دیدند و فرمودند بخواه که خواستن تو مورد قبول واقع خواهد شد. (ایضا)

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند هر مجلسی که در آن ذکر الله تعالی و درود بر رسول الله صلی الله علیه و آله نباشد در روز



قیامت چنین مجلسی سبب حسرت و زیان خواهد شد، باز خداوند متعال اگر بخواهد با لطف خود مغفرت می‌فرماید و اگر بخواهد باز خواست کند و عذاب بدهد. یکی دیگر از شعبه‌های مهم ذکر استغفار است، و ما فضائل و فوائد آن را در شرح حدیث زیر بیان می‌کنیم.

اجر و پاداش استغفار

(۲۷) و عن ابن عباس رضی الله تعالی عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «من لزم الاستغفار جعل الله له من كل ضيق مخرجا ومن كل هم فرجا ورزقه من حيث لا يحتسب»^۱

از حضرت ابن عباس رضی الله تعالی عنهما روایت است که نبی اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «هر شخصی به استغفار مشغول باشد، الله تعالی برای او در هر تنگی گشایش درست می‌نماید و او را از هر غم نجات می‌دهد و از جایی به او رزق عطا می‌فرمایند که او گمان ندارد».

توضیح: از استغفار و توبه گناهان معاف می‌شوند و تنگی، سختی هم دور می‌شود و زندگی یا سکون و آرامش هم می‌رسد چنانچه در قرآن شریف ارشاد است:

﴿وَأَن اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُغْفِرْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُوْت كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾^۲

ترجمه: «و آن که آمرزش طلب کنید از پروردگار خود باز رجوع کنید به

سوی وی تا بهره‌مند سازد شما را به بهره نیک تا میعاد معلوم و تا بدهد هر صاحب بزرگی را جزای بزرگی او و اگر روگردان شوید پس هر آنینه من می‌ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ»

از حضرت عبدالله بن بُسر رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: برای آن شخص خوشخبری است که در نامه اعمال خود استغفار داشته باشد. (ابن ماجه)

یعنی استغفار در روز قیامت نتیجه مطلوبی می‌دهد هر کسی هر چقدر با کثرت گفته باشد به همان اندازه برای او مفید خواهد شد.

در یک حدیث ارشاد است که شیطان به خداوند گفت ای رب به عزت تو قسم خوردم تا زمانی که روح در بدن بندگان تو باشند آنها را گمراه خواهم کرد، در جواب آن پروردگار عالم (عزوجل) فرمودند قسم به عزت و جلال و مرتبه بلند خودم که آنها هر وقتی استغفار بگویند من آنها را می‌بخشم و معاف می‌کنم. (رواه احمد)

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: وقتی مؤمن مرتکب گناهی می‌شود، یک نقطه سیاه بر دل او می‌افتد، اگر توبه واقعی بکند، نقطه سیاه دور می‌شود و گرنه سر جایش باقی می‌ماند، سپس وقتی گناه دیگر می‌کند، نقطه دیگری اضافه می‌شود تا اینکه بطور کلی دل او سیاه و زنگ آلود می‌شود. چنانکه الله تعالی در قرآن پاک ارشاد می‌فرماید: ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱ ترجمه: «ئی، ئی، بلکه زنگ بسته است بر دل‌های ایشان آنچه می‌کردند». (رواه احمد)

حضرات انبیاء علیهم الصلوٰۃ و السلام، امتهای خود را به استغفار و توبه ترغیب داده‌اند و آن‌ها را از منافع و ثمرات دنیوی و اخروی آگاه فرموده‌اند. حضرت نوح علیه السلام قوم خود را نصیحت کرده، فرمودند:

﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۝ وَ يُذِذْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾^۱

ترجمه: «طلب آموزش کنید از پروردگار خود هر آنینه او هست آمرزنده تا بفرستد بر شما باران ریزنده و پی در پی دهد شما را اموال و فرزندان بدهد شما را بوستانها و پدید آرد برای شما جویها».

و همین نصیحتها را همراه این وعیدها، حضرت هود علیه السلام قوم خود را فرموده‌اند که ذکر آن در قرآن حکیم به این صورت آمده است:

﴿و يَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ﴾^۲

ترجمه: «و ای قوم من آموزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید به سوی او تا بفرستد ابر را بر شما ریزان گشته و بیافزاید شما را قومی همراه قوم شما».

پیامبر معصوم خداوند در مجالس خود صد مرتبه در بارگاه الهی اینطور استغفار می‌کردند: رب اغفر لی و تب علی إنک أنت التواب الغفور (مشکوة) ای الله من را ببخش و توبه من را قبول کن بدون تردید تو توبه را قبول می‌کنی و بخشاینده هستی.

جای تدبر و فکر است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله با وجود معصوم بودن در



مجالس خود صد مرتبه معافی می خواهد و ما با وجودی که هر وقت در گناه مشغول هستیم یک مرتبه هم استغفرالله نمی گوئیم.

حضرت حذیفه رضی الله عنه می فرماید من به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم زبانم خیلی در گردش است لهذا بر آن نسخه ای تجویز بفرمایید، آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند چرا در استغفار مشغول نمی شوید؟ (حصن حصین) یعنی استغفار را بر خود لازم بگیر که حرکت زبان تمام می شود.

در حدیث شریف وارد است که بعد از نماز فرص آن حضرت صلی الله علیه و آله سه مرتبه استغفار می کردند. (مشکوۃ)

از این معلوم می شود که بعد از اعمال نیک هم استغفار باید کرد زیرا اگر در آن اعمال کمی و کوتاهی شده باشد تلافی جبران می شود.

صدقه دادن رفع بلاست

(۲۸) و عن أنس رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إن الصدقة لتطفئ غضب الرب وتدفع ميتة السوء»^۱

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول اقدس صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که: «صدقه خشم پروردگار را سرد می کند و از موت بد، نجات می دهد». (ترمذی)

برای محفوظ ماندن از مصیبت های دنیا و آخرت صدقه دادن یک عمل بسیار بزرگ و مؤثری است از حدیث شریف معلوم شد که صدقه دادن خشم الله تعالی را سرد می نماید. یعنی به سبب گناهان مصیبت هایی که در دنیا و



آخرت می‌رسند با دادن صدقه از آنها حفاظت می‌شوند و صدقه کفاره گناهان می‌شود لهذا بر گناهان مواخذه نمی‌شود و خشم خداوند متعال را دور می‌کند و فرمودند که صدقه از موت بد حفاظت می‌کند مقصود این است که صدقه حالت موت آدمی را مطلوب می‌کند یعنی از ذکر خداوند غافل نمی‌شود و از زبانش الفاظ بد بیرون نمی‌شود و از خاتمه بد حفاظت می‌شود و غیره بشرطیکه صدقه از مال حلال باشد.

صدقه در نجات از عذاب جهنم هم دخالت دارد در یک حدیث آمده است: «فاتقوا النار و لو بشق تمره»^۱

«از عذاب دوزخ نجات حاصل کنید اگر چه صدقه دادن با یک دانه خرما باشد».

(۲۹) و عن علی رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «بادروا بالصدقة فان البلاء لا يتخطاها»^۲

از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که رسول اقدس صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: «در صدقه دادن عجله کنید، بخاطر اینکه جلوی مصیبت را می‌گیرد».

از این حدیث معلوم می‌شود که صدقه یک دیوار بزرگی است که در جلوی مصیبتی که در حال آمدن است می‌ایستد، و مصیبت را یارای آن نیست که دیوار آهن صدقه را بشکند. از حدیث معلوم شد که صدقه همیشه باید زود تا که مصیبت و آفات می‌آید در حال آمدن هستند، جلویشان گرفته شود. در میان مردم به طور عام این چیز رواج دارد که هنگام مصیبت به طرف صدقه متوجه می‌شوند برای این افراد به طور خیرخواهی و نصیحت عرض می‌کنیم که



همیشه صدقه بدهید تا که با مصیبت در حال آمدن برخورد شود و در هنگام مصیبت هم صدقه دادن خالی از فایده نیست اما قبل از مصیبت صدقه ندادن باعث آمدن آفت شده و کم و اثر آن به انسان می‌رسد خواه کم باشد یا زیاد. پول، غذا، لباس و چیزهای ضروری را به انسانهای نیازمند دادن هم جزو صدقه هستند. بعضی از مردم چنین عمل می‌کنند که در وقت ابتلا به برخی از مصائب گوشت تقسیم می‌کنند یا برای باریدن باران هم کارهای انجام می‌دهند و به این ترتیب خیلی چیزها رواج شده است که در شریعت اسلام برای آنها هیچ اساس و اصلی وجود ندارد. معمولاً صدقه چون هر وقت داده شود سبب دفع مصائب می‌شود.

(۳۰) و عن الحسن مرسلًا قال: قال رسول الله ﷺ: «حصنوا أموالکم بالزکوة و داووا مرضاکم بالصدقة و استقبلوا أمواج البلاء بالدعاء و التضرع»^۱

از حضرت حسن رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: «که با دادن زکوة مال خود را حفاظت کنید و علاج مریض‌های خود را به سبب صدقه مداوا کنید» (یعنی در وقت مصیبت شما دعا کنید و در مقابل ذات پروردگار تضرع و زاری کنید و در مقابل مصیبت استقامت کنید آنگاه مصیبت از شما دور می‌شود).

از این حدیث معلوم می‌شود که از ادا کردن زکوة، مال انسان حفاظت می‌شود و برای علاج بیماری موفق‌ترین نسخه، تداوی با صدقه است. موجهای مصیبت به سبب دعا و تضرع دفع می‌شوند.



برای دفع مرض دادن هر نوع صدقه‌ای کافی است لذا هر کس هر قدر که توانایی دارد صدقه بدهد بعضی از مردم برای دفع امراض یک گوسفند را ذبح کرده و گوشت آن را جلوی حیوانات درنده می‌اندازند و چنین عقیده دارند که مریضی با گوشت همراه شده و از بین می‌رود این عقیده و طریقه شرعاً بی‌اساس است و از حیوان‌ها انسانهای فقیر و مساکین مستحق‌ترند.

بر اهل زمین رحم کنید الله تعالی بر شما رحم می‌کند

(۳۱) و عن عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنهما قال: قال رسول الله ﷺ: «الراحمون یرحمهم الرحمن ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء»^۱

از حضرت عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: «شما بر اهل زمین رحم کنید صاحب آسمان و عرش عظیم بر شما رحم می‌فرماید».

اهل زمین - انسان، حیوانات، عزیز، غریب، دوستان، زن، فرزندان، والدین، برادر و خواهر، یتیمان، فقراء، مساکین، بیوه‌ها، بدهکاران و غیره هستند. ذات پروردگار رحمن و رحیم هستند و برای حاصل کردن مهربانی الله تعالی بهترین نسخه، رحم کردن بر مخلوقات خداوند متعال است.

در یک حدیث ارشاد است که تمام مخلوقات اهل (اولاد و خاندان) الله تعالی هستند پس بهترین دوست خداوند همان است که بر مخلوقات الله تعالی حسن سلوک و مهربانی کند. (بیهقی فی شعب الایمان)

یعنی الله تعالى مهربان است و دوست دارد که با مخلوقاتش (خاندانش) با مهربانی و حسن سلوک رفتار شود. همانطور که شما خوشحال می شوید که با اهل و اولاد شما خوش رفتاری شود به همین صورت الله تعالى همان شخص را محبوب خود قرار می دهد که با مخلوقات الله تعالى حسن سلوک و مهربانی کند.

در یک حدیث ارشاد است هر کسی حاجت یک نیازمند را برآورده کند الله تعالى هفتاد و سه رحمت برای او می فرستد که یک رحمت برای او در دنیا کافی خواهد بود و هفتاد و دو رحمت در روز قیامت درجات او را بلند خواهد کرد. (بیهقی فی الشعب)

از حضرت جرید بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: «لایرحم الله من لایرحم الناس»^۱
یعنی: الله تعالى بر آن شخص که بر مخلوقات او رحم نکند، رحم نمی فرماید.

کسی که نیتش طلب آخرت باشد

خداوند متعال دلش را غنی می گرداند

(۳۲) و عن أنس رضی الله عنه أن النبی صلی الله علیه و آله قال: «من کانت نیته طلب الآخرة جعل الله غناه فی قلبه و جمع له شمله و أته الدنيا و هی راغمة و من کانت نیته طلب الدنيا جعل الله الفقیرین عینیه شتت علیه أمره و لا یأتیه منها إلا ما کتب له» (رواه الترمذی) و زاد فی روایة: «فلا یسئ إلا فقیرا و لا یصعب



إلا فقير ما أقبل عبد على الله بقلبه إلا جعل الله قلوب المؤمنين تنقاد إليه بالود والرحمة وكان الله بكل خير إليه أسرع»^۱

از حضرت انس رضی اللہ عنہ روایت است که رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد فرمودند: «اگر نیت هر کس برای طلب آخرت باشد الله تعالی دل او را غنی می کند و برای فکرهای او خاطر جمعی نصیب می شود و دنیا ذلیل شده نزد او می آید و اگر نیت هر کس طلب دنیا باشد الله تعالی فقر را پیش او می آورد و در کارهایش پریشانی پیدا می کند و دنیا به اندازه ای او را می رسد که برای او مقدر شده است». (ترمذی) در یک روایت این مضمون اضافه بیان شده است که: «طالب دنیا، شب که می شود فقیر است و صبح که می شود باز هم فقیر است» (بخاطر اینکه هر چقدر کار می کند برای او کافی نیست و ضرورتهای بیشتر و بیشتر می شوند. و فکر زیاد برای او آرامش نمی گذارد) و هر بنده ای که از صمیم دل به طرف خداوند متوجه می شود الله تعالی قلب او را فرمانبردار می گرداند و خوبی را برای او زود می فرستد.»

در یک حدیث ارشاد الله تعالی است: ای فرزند آدم برای عبادت اوقاتی اختصاص ده من سینه ات را از تفکرات و، وسوسه ها پاک کرده و فقر تو را دور می سازم و گرنه دلت را از (صدها نوع) مشاغل و فقرت را برطرف نمی سازم. (ترمذی شریف)

مقصود مؤمن فقط حاصل کردن زندگی آخرت و پلندی درجات می باشد. کسانی هستند که دارای ایمان کامل و برای رسیدن به اجر و ثمرات زندگی آخرت یقین کامل دارند، تمام زندگی خود را برای حاصل کردن

آخرت وقف نمی‌کنند. لهذا جهت زندگی کردن در دنیا به اندازه ضرورت (خوردن و نوشیدن، لباس، خانه و...) اشکالی ندارد که در کار و بار مشغول شوند و در این کار و بار توجه به شریعت اسلامی را نموده و از الله تعالی امید اجر و ثواب را داشته باشند. و در دنیا آنقدر مشغول نشوند که آخرت شان نقصان یابد و از احتمالات و مظنات حرام، مکر و فریب، دروغ و خیانت، دوری کنند. نیاز چنین بندهایی را الله تبارک و تعالی از غیب برطرف می‌فرماید و دنیا ذلیل شده و نزدشان می‌آید و در دلشان سکون و اطمینان بوجود می‌آید و چنانچه نیازشان با کمی تأخیر برطرف شود به سبب صبر و شکر و قناعت هیچ وقت افسرده دل و غمگین نمی‌شوند.

و کسانی که زندگی دنیا را مقصود خود قرار داده‌اند برای دنیا می‌میرند و برای آن کار می‌کنند و می‌خورند و فکر و تدبیر، محنت و کوشش، آرامش و تکلیف، سفر و حضر، خود را برای اینها وقف کرده‌اند، انسانها، از الله تعالی دور هستند و از درجات بلند آخرت، اجر و ثمرات هم محروم می‌باشند و زندگی دنیا هم با سکون و اطمینان نمی‌گذرد هر چقدر کار می‌کنند آن را کم می‌دانند اگر ضرر شود گریه می‌کنند و اگر فایده‌ای رسید برای رسیدن فوائد بیشتر فکر می‌کنند کاملاً در کار خود مشغول هستند، از ترس کم شدن مال استراحت هم نمی‌کنند، بعضی وقتها غذای به موقع هم نصیب آنها نمی‌شود، با وجود این همه مشغله، تصور می‌کنند که ما هیچ چیز بدست نیاورده‌ایم این انسانها در زمرة تنگ‌دستان به حساب می‌آیند، بخاطر اینکه نیازهایشان تکمیل نشده است، کاش بجای این همه مشغولیت و رسیدن مال، انسان غنی می‌شد و بدون تفکر ضرورت‌هایش تکمیل می‌شدند اما، متأسفانه به سبب غفلت ورزی از آخرت و فراموشی از ذکر خداوند و اطاعت و عبادت، از



طرف الله تعالى به عذابهایی همچون مشکلات قلبی، تنگی، پریشانی، کوشش های سخت، بی آرامی، مشکلات فکری، محکوم و مبتلا می شوند. از محنت و کوشش زیاد هیچ چیز حاصل نمی شود، آن چیزی که در تقدیر نوشته شده است حاصل می شود، پس چرا در این چیزهای دنیا مشغول شده و آخرت خود را نقصان کنیم.

زندگی دنیا هر چقدر که زیاد شود، به هر حال یک روزی تمام می شود و مال و متاع هر چقدر که زیاد باشند یک روزی از دست می روند یا به سبب موت متلاشی می شود یا با ورشکست کردن نابود و هلاک می شود اما زندگی آخرت هیچ وقت تمام نمی شود و نعمت هایش برای همیشه هستند. اگر در انسان ذره ای عقل باشد آن چیزی را باید اختیار کند که برای همیشه می ماند و رفتن پشت سر چیزهایی که در اختیار خود انسان نباشد انتهای نادانی است. در حدیث آمده بود که هر شخصی آخرت را هدف و مقصود خویش قرار دهد دنیا خود به خود ذلیل شده و نزد او می آید، مقصود این است که طالب آخرت بی نیاز است و چیزهای دنیا در اختیار او هستند. از این بیشتر چه ذلتی می تواند باشد که از چیزی بی اعتنا باشی و آن پیش تو بیاید.

در یک حدیث آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: هر شخصی تمام تفکرات را یک فکر یعنی فکر آخرت درست کند، الله تعالی به فکر دنیای او خواهد بود و کسی که همه تن بفکر دنیا باشد، الله تعالی در مورد او هیچ پروایی ندارد که در کدام گرفتاری دنیا هلاک شود.^۱

چنین انسانهایی در هر دو جا ناکام شدند، بخاطر اینکه خواستار

آخرت نشدند و غرق در افکار دنیا شدند از نصرت و رحمت خداوند محروم گشتند و هر چقدر که بدست آورده بودند با خودشان نبردند.

دنیا برای بعضیها طالب است و برای بعضیها مطلوب، آن کسانی که طالب آخرت هستند، دنیا به دنبال آنان می‌رود و به آنها رزق می‌رسد، و کسانی که در طلب دنیا مشغول می‌شوند، آخرت آنها را طلب نمی‌کند تا اینکه مرگ به سراغ آنان می‌آید.

حضرت ابوسلیمان درانی می‌فرماید: در آن دلی که آخرت باشد، دنیا با او می‌جنگد و می‌خواهد که قلبش را تصرف کند، و در آن دلی که دنیا باشد، آخرت برای او مزاحمت ایجاد نمی‌کند بخاطر اینکه آخرت کریم است و برای بدست آوردن خانه دل دیگران کاری ندارد و دنیا پست است و می‌خواهد خانه دیگران را تصرف کند.

مالک بن دینار رحمه الله می‌فرماید تو هر قدر برای دنیا غم خواری کنی به همان مقدار غم آخرت از دل تو بیرون می‌رود و هر قدر برای آخرت غمخواری کنی به همان مقدار غم دنیا از دل بیرون می‌رود.

حضرت امام غزالی رحمه الله فرمودند: دنیا مثل یک زن زیبایی است که انسانها را با حسن و جمال خود گرفتار می‌کند و با عشوه‌گری خود انسانهای باهوس را هلاک می‌سازد از کسانی که آن را می‌خواهند فرار می‌کند و به طرف آنها توجه نمی‌کند و خیلی بخل نشان می‌دهد. و اگر هم متوجه شود توجه آن از مصیبت، خالی نیست هر کسی که در فریب آن آمده عاقبت او ذلت است و هر کسی بخاطر دنیا غرور و تکبر کند او به طرف حضرت در حال حرکت است و هر کسی که از او فرار کند دنیا بدنبال او می‌باشد و هر کسی خدمت او را انجام دهد از او دوری می‌کند و هر کسی از دنیا اعراض کند برای ملاقات او خیلی



کوشش می کند در خوشی دنیا رنج آغشته است و میوه نعمت های آن حسرت و سوای ندامت چیز دیگری نیست. خیلی مکار و فریب دهنده است و در یک لحظه زندگی ها را به هم می زند دنیا برای کسانی که آن را می خواهند برای آن ها زیبایی و زینت را اختیار می کند و هر وقتی که خوب در آن غرق شدند الان دندانهای خود را به او نشان می دهد و زندگی منظم او را دگرگون می کند و نیرنگهای خود را به او نشان داده و زهر قاتل را به وی می چشاند.

و من یحمد الدنيا لعیش یسره فسوف لعمری عن قليل یلوما
إذا أدبرت کانت علی المرء حسرة وإذا أقبلت کانت کثیرا هواما
حال دنیا این است وقتی که می رود داغ حسرت را بر دل می نهد و وقتی که می آید تفکرات و تشویش را افزون می کند.

ثمرات تقوی و توکل

(۳۳) و عن أبي ذر رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم قال: «إني لأعلم آید لو أخذ الناس بها لکفتم و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب»^۱

از حضرت ابوذر رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «من بک آیه ای می دانم که اگر مردم بر آن عمل کنند، برای آن ها کافی خواهد بود و آن آیه این است:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۲



ترجمه: «و هر که بترسد از خدا پدید آرد برای او مخلصی و رزق دهدش از آنجا که گمان دارد و هر که توکل کند بر خدا پس خدا بس است او را»

این آیه از سوره طلاق است که در آن اهمیت و فضیلت تقوی و توکل، و منافع و ثمرات آن ذکر شده است اول این ارشاد شد که هر شخصی از الله تعالی بترسد، الله تعالی حالات و اسبابی پیدا می فرماید که از هر تنگی و پریشانی راحت شود. و او را از جایی رزق می دهد که او از آنجا هیچ گمانی نداشته باشد باز هم ارشاد فرمودند که هر کس بر الله تعالی توکل کند برای او الله پاک کافی است و وعده الله تعالی سراسر حق هستند.

تقوی و توکل دو نعمت بزرگ هستند که به سبب آنها کامرانی و کامیابی دنیا و آخرت نصیب می شود. تقوی چیست؟ ترسیدن از الله تعالی و از نافرمانی او دوری نمودن، از گناهان صغیره و کبیره پرهیز کردن، محفوظ شدن از مشبهات یعنی از چیزهایی که جواز و عدم جواز در آن شک است جانب عدم جواز را ترجیح دادن و پرهیز نمودن. مراتب تقوی بسیارند و هر قدر بنده تقوی را اختیار کند به همان مقدار رحمت، نصرت، برکت از طرف خداوند به او می رسد.

(۳۴) و عن عمر بن الخطاب رضی الله تعالی عنه قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: «لو أنکم تتوکلون علی الله حق توکله لرزقکم کما یرزق الطیر تغدو فخاصا و تروح بطانا»^۱

حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه فرمودند که من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم



که فرمود: «طوری بر خدا توکل کنید که حق توکل است اگر چنین کردید الله تعالی شما را به طوری رزق می دهد که پرنده ها را می دهد چنانچه صبحها بیرون می شوند و وقت شام با شکم پر بر می گردند».

مراتب توکل زیاد هستند از همه کم ترین درجه توکل این است که رازق حقیقی و کارساز مطلق الله تعالی را بداند و بر این یقین کند هر چقدر که یقین رازقیت الله تعالی بیشتر شود به همین مقدار توکل بیشتر می شود تا اینکه نوبت به ترک اسباب می رسد، آن حضراتی که ترک اسباب می کنند به آن ها هم رزق می رسد و آنچه برای انسان مقدر شده است جای دیگری نمی رود، بخاطر اینکه این کار بزرگی است و کار هر شخصی هم نیست حکم به آن داده نشده است، و در میان ما افرادی هستند که فقط و فقط در خدمت دین و دینیات مشغول هستند و برای کسب مال هیچ سبب و وسیله ای ندارند باز هم ضرورت هایشان تکمیل هستند. هر بنده ای فقط به الله تعالی توکل می کند به طور غیبی مخلوقات الهی به طرف او می شتابند.

در یک حدیث ارشاد آن حضرت علیه السلام وارد شده است که: هر شخصی در طلب آن چیزی مشغول شود که در نزد الله تعالی موجود است. آسمان سایه او باشد و زمین بستر او و برای هیچ چیز دنیا فکر نکند. چنین شخصی بدون اینکه کشاورزی کند نان می خورد بغیر از داشتن باغ میوه می خورد بر الله تعالی توکل کند و در جستجوی رضای او مشغول باشد، الله جل شانۀ هفت زمین و هفت آسمان را عهده دار روزی او می گرداند و همه آنها برای رساندن رزق او کوشش خواهند کرد. و برای رساندن رزق حلال کوتاهی نخواهند کرد و او بغیر از حساب رزق خود را تکمیل می کند. (در منشور)

ترک اسباب کاری بس بزرگ است و اسباب را هم اختیار نموده و یقین



خود را محکم و مضبوط نگه داشتن هم کاری بس بزرگ است که موت و حیات، رحمت و برکت، نصرت و یاری تمام اینها در اختیار خداوند متعال هستند، پیروزی بر دشمنان فقط از طرف خداوند است نفع و نقصان از طرف او است تمام انسانها و تمام اسباب و تمام مخلوقات در مقابل ذات پروردگار هیچ هستند، او دشمنان را دوست می سازد و چیزهای آزار دهنده را برای خدمت بندگانش مشغول می کند پیاده کردن این یقین کامیابی بسیار بزرگی است در هر کاری و هر مقامی فقط نظر بر ذات خداوند باشد و فقط هر چیز را از او بدانیم این یقین تمام مصیبتها را دور می سازد هر کاری درست می شود و دروازه کامیابی و پیروزی باز خواهند شد.

انبیاء علیهم السلام در هر حال بر ذات خداوند توکل کردند و به دشمنان به صراحت گفتند: شما هر کاری می خواهید انجام دهید ما بر ذات الله تعالی توکل کرده ایم خداوند متعال در قرآن کریم واقعات انبیاء کرام علیهم السلام ذکر فرموده اند و در هر جایی اعلام توکل آنها را بیان کرده است و نبی آخر الزمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله را وقتی که کارفرما و مشرکان آزار رساندند، آنحضرت فقط بر ذات خداوند توکل کردند و کوه استقلال درست شده و ایستادند و الله تعالی آنحضرت صلی الله علیه و آله را تعلیم توکل دادند و فرمودند:

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾^۱

«پس اگر باز گردند بگو بس است مرا خدا هیچ معبودی نیست بجز وی بروی توکل کردم و او خداوند عرش بزرگ است.»



حاجت خود را در حضور خداوند متعال گذاشتن،

مشکل حل می شود

(۳۵) و عن عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنه قال: قال رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم: «من نزلت به فاقة فانزلها بالناس لم تسد فاقته و من نزلت به فاقة فانزلها بالله فيوشك الله له برزق عاجل و آجل»^۱

از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که: «اگر بر کسی فقر و تنگدستی آمد و او این حالت را بر مردم بازبان حال یا قال ظاهر کرد فقر او رفع نمی شود و اگر بر کسی فقر و تنگدستی آمد و او حاجت خود را در جلوی الله تعالی گذاشت عن قریب الله تعالی دیر یا زود به او رزق عطا می نماید».

مشکل گشا، حاجت روا، کارساز و رزاق فقط ذات الله تعالی است. هر حاجت خود را به درگاه رب العالمین ارائه کنیم و برای دور کردن هر مصیبت او را باید صدا بزنیم. مخلوق خود محتاج است و هر چقدر که در اختیار مخلوق باشد بسیار ناچیزند و در مزاج مخلوق بخل هم موجود است و اگر حاجت خود را در جلوی کسی اظهار کردیم اگر او چیزی بدهد یا نه، حتماً ذلیل می شویم اگر چیزی هم بدهد تا چند روز کار می آید؟ ضرورت ها و حوائج بار بار پیش می آیند، کسی تا چه اندازه می دهد؟ مالک و رازق حقیقی را گذاشتن و پشت دروازه بندگان محتاج رفتن چقدر نادانی بزرگی است! فقط از الله تعالی ضرورت های خود را بخواهیم و اگر طالب غیر الله شدیم پس هیچ وقت ضرورت های مان تکمیل نمی شود و همیشه محتاج و گدا باقی می مانیم.

در یک حدیث ارشاد است: «و لا فتح عبد باب مسئلة الا فتح الله عليه باب فقر»^۱

یعنی: «هر بنده‌ای که دروازه گدائی را باز کند، الله تعالی دروازه تنگ دستی را بر او باز می‌کند».

در بعضی صورتها اجازه خواستن از بندگان نیز داده شده است اما کمال در این است که غیر از الله از کسی چیزی نخواهیم.

از حضرت ابوذر رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که شما از کسی گدائی نکنید حتی اگر شما در سفر بر سواری خود سوار هستید و تازیانه از دست شما می‌افتد. شما به کسی نگوئید که این را به من بدهید. (مشکوٰۃ شریف)

گرسنگی و حاجت خود را از بندگان پوشیده نگاه داشتن نسخه بزرگی است: در یک حدیث شریف آمده است که اگر بر کسی ضرورتی پیش آمد و او آن را پوشیده نگاه دارد بر ذمه الله تعالی است که او را یک سال رزق حلال نصیب می‌فرماید.

در یک حدیث ارشاد است که هر شخصی بر رزق کم راضی باشد الله تعالی بر عمل کم او هم راضی می‌شود.^۲

برای شخصی که دارای زن و بچه و تنگدست باشد و از مخلوق چیزی نمی‌خواهد در حدیث شریف ارشاد است: «ان الله يحب عبده المؤمن الفقير المتعفف أبا العیال»^۳

۱- ترمذی عن ابی کبشة ۲- مشکوٰۃ عن شعب الایمان

۳- رواه ابن ماجه



یعنی الله تعالى آن بنده خود را محبوب می دارد که با وجود اینکه دارای اهل و عیال است و از خواستن جدا پرهیز می کند.

این را باید بدانیم که مشکلات و مصائب صرفاً سزا و وبال نیستند بلکه برای بندگان مؤمن کفاره گناهان هستند تا از عذاب آخرت محفوظ شوند.

همانطور که به کافران نعمت و دولت زیاد داده می شود که بطور ناگهانی آنها را گرفتار سازد به همین صورت مشکلات مختلفی که برای بنده مومن می آیند باعث رحمت هستند در ذیل سه حدیث در همین مضمون برای تفصیل و تشریح این مطلب بیان می شوند تا این مجموعه با تکمیل شدن چهل حدیث پیاپیان برسد. والله الموفق

مصائب و تکالیف برای مؤمنان رحمت هستند

(۳۶) و عن أبي سعيد رضی الله عنه عن النبي ﷺ قال: «ما يصيب المسلم من نصب ولا وصب ولا هم ولا حزن ولا أذى ولا غم حتى الشوكة يشاكها إلا كفر الله بها من خطاياها»^۱

از حضرت ابی سعید رضی الله عنه روایت است که رسول مقبول ﷺ ارشاد فرمودند: «مسلمان را هر گونه مشکل، رنج، فکر برسد، تا آنجایی که اگر سیخی به پای او برود حتماً به عوض آن ها الله تعالى کفاره گناهانش می سازد».

(۳۷) و عن أنس رضی الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: «إن الرب سبحانه و تعالى يقول وعزى وجلالى لأخرج أحدا من الدنيا أريد أغفر له حتى استوفى كل خطيئته في عنقه بسقم في بدنه واقتار في رزقه»^۲



از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: «که رب سبحانه و تعالی می فرماید: قسم بر عزت و جلالم که هر شخصی را بخواهم معاف کنم تا زمانی که گناهان او را به سبب مریضی و تنگی در رزق پاک نکنم او را از دنیا نمی برم.

(۳۸) و عن أنس رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إذا أراد الله تعالى بعبد الخیر عجل له العقوبة فی الدنيا وإذا أراد الله بعبد شراً أمسک عنه بذنبه حتی یوفیه به یوم القيامة»^۱

از حضرت انس رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: «وقتی خدای متعال با بنده خود اراده نیکی بفرماید او را در دنیا عذاب می دهد (که به سبب آن گناهانش فوراً معاف می شوند) و وقتی بنده خود را در خرابی مبتلا سازد آن مصیبت های را که بخاطر گناه سرازیر می شوند از او جلوگیری می کند تا روز قیامت او را کاملاً سزا دهد.

از این حدیث به طور واضح معلوم شد که خواه مصیبت بزرگ باشد یا کوچک در حق بنده مومن نعمت است و همیشه عافیت خواستن لازم است و تمنای مصیبت نباید کرد، اگر مشکلات جسمانی یا مال و معاش رسید پس باید امید ثواب کامل را داشته باشیم و یقین کفاره گناهان کرده و با صبر تحمل کنیم.

چقدر احسان، فضل و کرم الله تعالی بر ماست که در این دنیای فانی و زندگی خیلی کوتاه به سبب گناهان، انسان را با مشکل مواجه کرده و بنده مومن خود را از گناهان پاک و معاف می فرماید و از دنیا می برد و زندگی بعد از



موت را برایش «حیات طیبه» درست می فرمایند.

هر شخصی که از مصیبت‌های بعد از موت نجات حاصل کرد و با نعمت‌های جنت نوازش کرده شد آن شخص کامیابی بزرگی را حاصل نمود الله تعالی به سبب مصائب و مشکلات برای کفار بنده مؤمن قانونی درست کرده و راه محفوظ ماندن از عذاب‌های آخرت را نیز نشان داده‌اند. الله تعالی خالق و مالک هستند و این اختیار را دارند که بر مصیبت ثواب ندهد و نه مصیبت را کفاره گناهان سازد و این اختیار را هم دارد که سزای گناهان را در آخرت به او بدهند این فقط از فضل و کرم اوست که برای نجات از عذاب آخرت راهی پیدا فرموده‌اند. **فله الحمد و المنة**

در یک حدیث آن حضرت **ﷺ** ارشاد فرمودند: اگر مسلمانی را به سبب مرضی مشکلی رسید بخاطر آن الله تعالی گناهانش را می ریزد هم چنان که از درخت برگها می ریزند. (بخاری و مسلم)

هم چنین آن حضرت **ﷺ** ارشاد فرمودند هر زمانی که برای بنده از طرف خداوند یک مرتبه و منزلت (خاص) مقدر شده باشد و آن شخص با عمل خودش به آن نرسد پس الله سبحانه در جسم، مال و اولاد او مصیبت فرستاده و او را مبتلا می گرداند بعد خود الله تعالی او را (صبر) نصیب می فرماید تا اینکه به آن مرتبه‌ای برسد که از طرف الله تعالی برای او مقرر شده بود. (احمد و ابوداود)

از حضرت ابوهریره **رضی الله عنه** روایت است که رسول اکرم **ﷺ** ارشاد فرمودند: که بر مرد و زن مؤمن در جان، مال، و اولاد مصیبت خواهد رسید تا اینکه خدا را در حالی ملاقات می کند که هیچ گناهی نخواهد داشت. (ترمذی)

از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول اکرم **ﷺ** ارشاد



فرمودند: هر وقتی که از بنده گناهان زیادی سر زده شود و اعمال او کفاره گناهان را نداشته باشند پس الله تعالی او را در یک رنج مبتلا می فرماید تا که کفاره گناهانش شوند. (احمد)

از حضرت عامر رام رضی الله عنه روایت است که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر بیماریها شد، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی که بنده مؤمن را بعد از مریضی سخت عنایت می فرمایند این کفاره گناهان گذشته او شده و برای آینده عبرت خواهد بود (تا که از گناهان دوری کرده و برای کفاره گناه انتظار مریضی را نکند) و اما اگر به منافق مرض سختی دچار گردد نه از مرض به او چیزی خواهد رسید و نه کفاره گناه او خواهد شد و هیچ چیزی حاصل نشده، به طوری که شتربان، شتر را می بندد و بعد آن را باز می کند و او نمی داند که چرا بسته شدم و چرا باز شدم (راوی بیان می کند که در همان مجلس شخصی بود این سخن را شنیده با صدای بلند گفت یا رسول الله من نمی دانم که بیماریها چه هستند بخاطر اینکه مریض نشده ام. آنحضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که بلند شو از نزد ما، بخاطر اینکه تو از ما نیستی. (ابوداود)

یعنی اگر تو مؤمن بودی بر تو بیماری می آمد و بعد از کفاره گناه، مستحق نعمتهای جنت می شدی بنابراین وقتی کسی از دولت ایمان محروم باشد از نعمت های بزرگ آخرت محروم می شود و همینطور کسی به مشقتهای دنیا گرفتار شود از عذاب سخت آخرت محفوظ می ماند.

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که آن حضرت صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند که مثال مؤمن مانند بذر کشاورزی است، وقتی که هوا بر آن ها بوزد، آنها را خم می کند و برای بنده مومن مصیبت یکسان می رسد و مثال منافق به مانند درخت صنوبر است (همیشه راست ایستاده است) تکان نمی خورد تا



اینکه یک دفعه ریشه کن شود». (بخاری و مسلم)

آن حضرت علیه السلام برای عبادت یک صحابی تشریف بردند و او را در حالت تب دیده، فرمودند: این خوشخبری را گوش کن که الله تعالی می فرماید که تب آتش من است و من آن را در دنیا بر بندگان مومن مسلط می کنم تا از آتش آخرت در امان باشد.^۱

یک مرتبه از آن حضرت علیه السلام پرسیدند که بیشتر از همه مصیبت بر چه کسی می آید؟ آن حضرت علیه السلام در جواب ارشاد فرمودند که از همه بیشتر بر انبیاء علیهم السلام می آید و بعد از آن، به کسی که در تعلق مع الله و تقرب مع الله و تقرب بالله مرتبه ای بیشتر داشته باشد، بر حسب مرتبه در مصیبت دینی مبتلا می شود پس اگر او در دین سخت است، بیشتر سختی می بیند و اگر در دین ضعیف است بر او مشکلات آسانی می آید، غرض اینکه به همین صورت مشکلات برداشته می شوند و بر زمین به این حال حرکت خواهد نمود که بخاطر کفاره گناهان حتی یک گناه باقی نخواهد ماند. (ترمذی)

حضرت انس رضی الله عنه می فرمایند که آن حضرت علیه السلام ارشاد فرمودند که ثواب بزرگ همراه با مصیبت است و در آن هیچ شکی نیست که الله تعالی هر گروهی را که دوست داشته باشند او را مورد آزمایش قرار می دهند یعنی (به مصیبت گرفتار می کند) هر کسی از الله تعالی راضی شد برای او رضامندی و هر کس ناراضی شد برای او از جانب الله ذوالجلال ناراضایتی خواهد بود. (مشکوٰۃ شریف)



سخن آخر

اینک کتاب به پایان رسید. در این صفحات آیات و احادیثی که به رشته نگارش در آمدند به طور واضح ثابت شد که مصائب دنیا و پریشانی انسانها از خرابی کردار آنهاست، مصیبت خواه برای سزا دادن بیاید یا برای کفاره گناهان، برای مؤمن، لازم و ضروری است تا از گناه پرهیز و دوری کند و اگر گناه کرد فوراً توبه کند تا دروازه مصیبت بسته شود اگر مصیبت هم بیاید برای آزمایش ایمان یا رفع درجات خواهد بود که در آن یک لطف خاص وجود دارد.

از زبان استغفرالله گفتن و توبه، توبه کردن توبه واقعی به حساب نمی آید، بلکه حقیقت توبه این است که بر انجام گناهان گذشته پشیمان باشیم و برای آینده کاملاً اراده کامل داشته باشیم که هیچ وقت نافرمانی الله تعالی را نکنیم و در کنار، این هم ضروری است که هر چقدر از حقوق الله تعالی ضائع شده اند همه آنها را ادا کنیم، مثلاً هر چقدر نماز قضا شده اند همه آنها را حساب کرده اگر چه ۵۰ سال باشند و روزانه نمازهای قضا شده را با دم مرگ بخوانیم امید است الله تعالی بخاطر پشیمانی همه آنها را معاف کند به همین صورت زکوة مال را هم ادا کنیم اگر ۵۰ سال مال زکوة نداده ایم همه آنها را ادا کنیم. و اگر روزه ها را خورده ایم قضای آنها را بگیریم و هر چقدر فرض و واجب قضا شده داریم، ادا بکنیم.

به همین صورت فکر بکنیم که حق کدام بنده بر من است حق او را ادا کنیم و اگر غیبت یا آبروریزی کسی را کرده ایم یا بر کسی خیانت کرده ایم یا کسی قرضی داده و آن را فراموش کرده یا کسی را دشنام داده ایم یا به ناحق کسی را زده ایم خوب فکر کرده و حق همه را ادا کنیم اگر حق کسی را در امور مالی



تلف کرده ایم آن مال را بدهیم، اگر کسی را زده ایم پیش او رفته و از او معافی بخواهیم یا به او بگوییم که عوض خود را بگیرد و اگر غیبت یا آبروریزی کسی را کرده ایم پیش او رفته و معافی طلب کنیم و اگر از آن جا نقل مکان کرده است به وسیله نامه یا پیغام از او معافی بخواهیم اگر کسی این کارها را انجام دهد ممکن است مردم به او دیوانه بگویند در حالیکه حقیقتاً در معامله الله تعالی او دیوانه نیست بلکه انسان بسیار هوشمندی به شمار می آید.

اگر ما مردم از اعمال صالحه آراسته شویم و در امانت، دیانت و راستگویی و اطاعت خداوندی و پیروی رسول اکرم ﷺ را مقصد زندگی درست کنیم و از گناهان دوری کرده و دیگران را از گناهان دور نموده و به نیکی وادار کنیم. کامیابی و کامرانی نصیب ما خواهد شد و مستحق رحمت و برکت و نصرت الله تعالی خواهیم شد، ما امروز هم رحمت، برکت، نصرت خداوند را می توانیم حاصل کنیم اما به خدا بگویید که مستحق نعمت های او چه کسی است؟ آیا آن کس مستحق است که از قرآن و از رسول اکرم ﷺ و از دین صورت خود را برگردانده و احکامات را پشت سر انداخته است و نقشه «فنبذوه وراء ظهورهم» را قائم کرده و بد عملی او سبب شده است که افراد غیر مسلم از قبول اسلام سرباز زنند؟!

بر هر کس که با اسلام محبت دارد و خواستار عظمت و رفعت اسلام است لازم و ضروری است که عمل کردن بر کتاب الله و احادیث نبویه ﷺ را مقصد زندگی خود قرار دهد به همین صورت کامیابی و کامرانی حقیقی دنیا و آخرت را حاصل می کند.

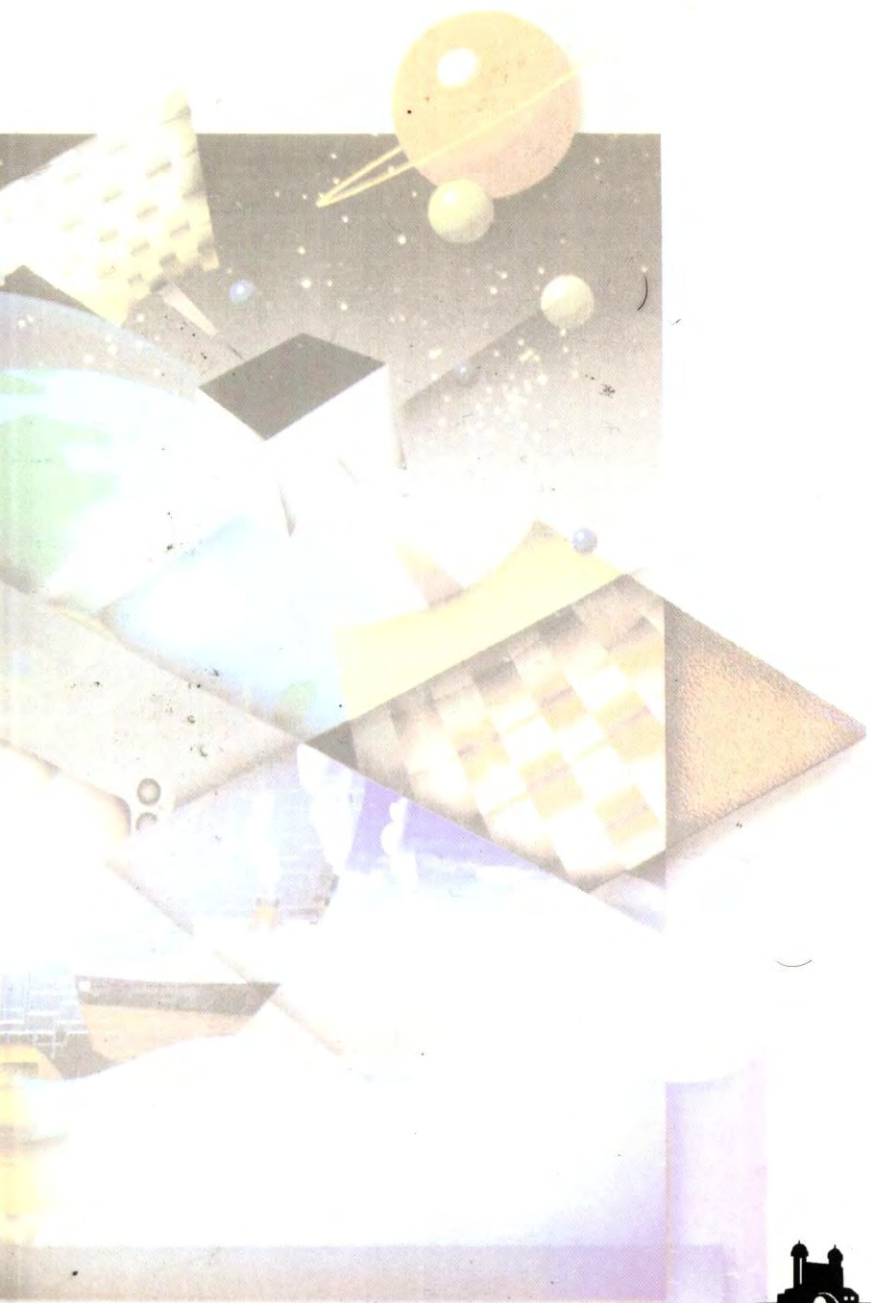
ما بسبب بد اعمالی هایمان الله تعالی را ناراض کرده ایم و ثمره کارهای خود را چشیده ایم و صورت خود را از او برگردانیده ایم و سرانجام ما خراب



شده است. لهذا آخرین صحبت این است که بیاییم و در مقابل او زانو بزنیم و بر اشتباهات خود نادم شویم و او را صدا بزنیم تا پرستش کنندگان خوب و کاملی درست شویم و بر احکام او عمل کنیم و دین الله را فروغ دهیم و برای باقی نگهداشتن عظمت اسلام جان و مال را قربان کنیم و روایات اسلاف را زنده کنیم. اگر چنین بکنیم دیری نمی گذرد که وقار و عظمت از دست رفته ما باز آید و پریشان حالی به خوش حالی تبدیل شود.

چنین افرادی که می گویند همه این پریشانیها و مصیبت ها نتیجه اعمال بد است، خیلی زیاداند اما در کنار این هم باید بدانیم فقط از اقرار گناهان دور شدن مشکلات و مصیبت، سراسر نادانی است و حقیقت این است که اینها حرفهای زبانی هستند و اگر در دل نشسته باشند که همه این بدبختی از اعمال بد ما است باز هم کافی نیست و گوینده همچنین حرفهایی، شاید خود را انسانی نیک می فهمد و دیگران را مجرم می داند.

حالآنکه انسان باید از نفس خود شروع کند و همراه با اقرار کردن دوری جستن از اعمال بد هم ضروری است ما بی اندازه احکامات احکم الحاکمین را خلاف ورزی می کنیم و آرزوی امن و امان و راحتی و سکون را داریم این فقط خیالی خام است شما در نافرمانی خداوند سرگرم هستید و از الله تعالی مطالبه رحم و کرم بکنید گویا به عهده خداوند رحم و کرم است و ما غیر از گناه کردن هیچ مسئولیت دیگری نداریم. (العیاذ بالله العظیم)



انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

شابک: ۹۶۴-۸۶۸۸-۱۲-۵

ISBN: 964 - 8688 - 12 - 5